

## سوند بـ قلم و آنچه می نویند

موفقیت در آزمون‌های حقوقی آرزوی شیرینی است؛ شوق برای قبولی در آزمون‌های وکالت، قضاؤت و کارشناسی ارشد، دل هر حقوقی را می‌رباید. این موفقیت هیچ معجون جادویی یا فرمول سری ندارد! این نخستین بار است که کامل‌ترین و ساده‌ترین جزوه آینه دادرسی کیفری به صورت رایگان قابل دریافت است. این جزوه به روشهای ساده - اما شگفت‌انگیز - موفقیت شما را تضمین می‌کند. این جزوه، در کنار خواندن قوانین و توکل، برای هر آزمونی کافی است! بسیار مهم: آخرین نسخه بروزرسانی شده را از وب‌سایت بگیرید چون دائمًا با توجه به تغییرات قوانین، نسخه موجود در وب‌سایت را تعویض می‌کنیم!

آخرین بروزرسانی جزوه: ۱۴۰۰

# جزوه آینه دادرسی کیفری

بسیاری از اوضاعی که می‌خواهیم در آزمون‌های حقوقی قبول شون در ابیه کتاب‌ها و تست‌های موجود در آشنازار حقوقی و همچنین شمار زیاد مؤسسات آموزشی، سردرگم هستند و نمی‌دانند چگونه تصمیم بگیرند و یا نمی‌توانند به یک تصمیم قطعی برسند. این سردرگمی، طبیعی است اما فقط یک روز آن! انتخاب هم جزوه و هم کتاب مرجع، انتخاب خوبی نیست؛ نباید دور خود را شلوغ کنیم! تضمین می‌کنم این جزوه در کنار خواندن قانون آینه دادرسی کیفری و قوانین خاص، برای آزمون‌های حقوقی، کافی است. نکات مهم قوانین خاص مرتبط با آینه دادرسی کیفری که توسط اسکودا برای آزمون وکالت اعلام شده در این جزوه آورده شده است.

**تعريف آین دادرسی کیفری:** آین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزهديه و جامعه وضع می‌شود. «ماده ۱ ق.آ.د.ک»

✓ در این ماده به دو موضوع مهم از مقررات آین دادرسی کیفری، «صلاحیت مراجع رسیدگی» و «ادله اثبات اتهام» اشاره نشده است.

تعريف دیگری که حقوق دانان از آین دادرسی کیفری ارائه داده‌اند:

**تعريف عام:** در این تعریف به تمام مراحل دادرسی کیفری، از مرحله شکایت تا اجرای حکم اشاره می‌شود.

**تعريف خاص:** در این تعریف آین دادرسی کیفری از مرحله صدور کیفرخواست به بعد ملاک می‌باشد.

## موضوع آین دادرسی کیفری

رسیدگی به حیثیت و جنبه عمومی جرم موضوع اصلی آین دادرسی کیفری و رسیدگی به حیثیت و جنبه خصوصی جرم موضوع فرعی آین دادرسی کیفری است.

## اهداف آین دادرسی کیفری

آین دادرس کیفری ۲ هدف مهم و در عرض یکدیگر را دنبال می‌کند:

۱. تأمین منافع جامعه از طریق اعادة نظم اطمeh دیده
۲. حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد

جرائم از هر نوع و میزانی که باشد، ناقض نظم است؛ چه در حیطه خصوصی و چه در حیطه عمومی باشد. به همین دلیل است که آین دادرسی کیفری اهداف خود را حفظ و اعادة نظم جامعه و دفاع از فرد و جامعه معرفی می‌کند. به طور کلی هدف جامع آین دادرسی کیفری، حفظ حقوق اشخاص جامعه اعم از بزهکار و بزهديه، همچنین تأمین منافع جامعه می‌باشد.

**منابع آین دادرسی کیفری:** آین دادرسی کیفری در سیر تکمیلی خود از منابع الهام‌گرفته است، این منابع عبارت است از:

### منابع اصلی:

✓ **قانون:** از مهمترین منابع آین دادرسی کیفری قانون می‌باشد؛ به طور کلی در قانون اساسی در اصل‌های ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲ به تبیین مبانی آین دادرسی کیفری پرداخته است. با این وجود، نحوه رسیدگی و آین دادرسی نباید مغایر با اصول فوق باشد.

قانون آین دادرسی کیفری، بدون شک مهمترین منبع آین دادرسی کیفری محسوب می‌شود و قضات ملزم به رعایت این قانون در تشریفات دادرسی می‌باشند.

✓ **تصویبات کمیسیون‌های مجلس و مصوبه‌های دولت:** مانند آین نامه اجرایی تبصره ماده ۲۹۷ قانون آین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۰/۶/۱۴ هیأت وزیران که مشتمل بر ۱۶ ماده می‌باشد.

✓ **منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر:** مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نباید با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بیانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

✓ **رویه قضایی:** رویه قضایی در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود، معنای عام آن به مجموع آراء و احکامی که از سوی محکم در موضوعات خاص حقوقی صادر می‌شود، اطلاق می‌گردد.

معنای خاص رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور که تبعیت از آن در مواردی که عنوان وحدت رویه را به خود می‌گیرند، الزامی است.

#### منابع مکمل:

✓ **عرف و عادت:** عرف و عادت را می‌توان جزء منابع غیرمستقیم آین دادرسی کیفری دانست که در تفسیر قوانین نقش ایفاء می‌کنند.

✓ **نظریات علمای حقوق «دکترین»:** نظریات علمای حقوق می‌تواند به صورت غیرمستقیم و با هدف ارائه راهکار در مواردی که با خلاصه قانونی مواجه هستیم ارائه طریق نماید.

**تعامل آین دادرسی کیفری با آین دادرسی مدنی:** با تفکیک عناوین و موضوعات در دو حیطه امور حقوقی و جزایی در جهت احقاقی حق ۲ قانون آین دادرسی کیفری و قانون آین دادرسی مدنی به کار می‌آید.

اگر عنوان واجد وصف حقوقی بود، قانون آین دادرسی مدنی حاکم است؛ مثل: طلاق.

اگر عنوان واجد وصف جزایی بود، قانون آین دادرسی کیفری حاکم است؛ مثل: جعل.

اما این ۲ قانون طبق ۲ مؤلفه از هم تفکیک می‌شوند: ۱ - وجوه اشتراك ۲ - وجوه افتراء

**افتراء و اشتراك آین دادرسی کیفری با آین دادرسی مدنی:**

اشتراك:

بارزترین وجه اشتراك این ۲ قانون آن است که هر ۲ قانون به صورت شکلی می‌باشند و فرایند محور هستند.

افتراء:

**موضوع:** قوانین مربوط به آین دادرسی مدنی با محوریت امور حقوقی اکثرًا موضوعات مالی را دربردارد؛ مثل: مطالبه جهیزیه، مطالبه وجه، پرداخت غرامت و ... اما در آین دادرسی کیفری موضوعات عامتر هستند مثل: کلاهبرداری، سرقت، چک و ... جرائم علیه اموال، زنا و لواط جرائم منافی عفت، جاسوسی جرم علیه امنیت، قتل و ضرب جرائم علیه شخصیت جسمانی و توہین و قدف جرائم علیه شخصیت معنوی می‌باشد.

**اصحاب دعوا:** در آین دادرسی مدنی اصحاب دعوا خواهان و خوانده می‌باشند، امور حقوقی علی‌الاصول در همه مقاطع بدوى، تجدیدنظر، دیوان عالی و یا اجرای احکام قابل صلح می‌باشند ولی در امور کیفری علاوه بر شخص شاکی، دادستان هم یکی از افرادی است که در جهت حفظ نظم حقوق جامعه اعلام جرم می‌کند، به همین خاطر برخلاف امور حقوقی در امور کیفری، مقامات متعدد می‌باشند. همچنین در امور کیفری علی‌الاصول حق صلح و سازش وجود ندارد، مگر به حکم قانون.

**ادله اثبات:** در آین دادرسی مدنی فقط ادله پیوست شده به دادخواست ملاک می‌باشد و قاضی دادگاه حقوقی بر اساس همان ادله پس از دریافت دادخواست رأی صادر می‌کند بدون آنکه الزامی به کشف حقیقت داشته باشد؛ اما در آین دادرسی کیفری قضات مراجع کیفری حتی در صورت فقدان دلیل هم در جهت کشف حقیقت گام برمی‌دارند، چون می‌دانیم که بسیاری از جرائم به صورت پنهانی و غیرآشکار رخ می‌دهد و همیشه دلیل در اختیار نیست، با این وجود قاضی دادگاه کیفری علاوه بر ادله ارائه شده به سایر دلایل مثل علم قاضی استناد می‌کند.

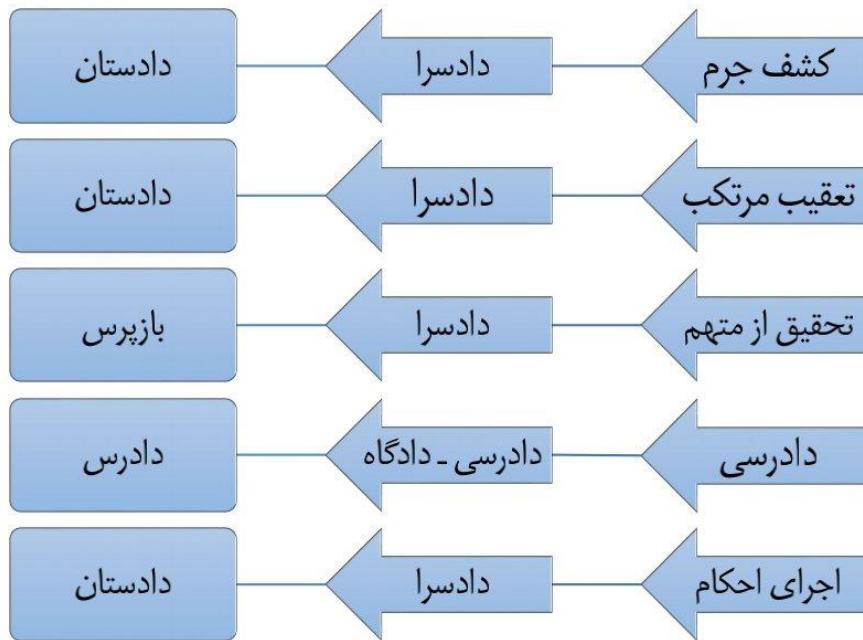
**مرجع رسیدگی:** از حیث مرجع رسیدگی، وجودی نهادی به نام دادرسرا بر اساس ماده ۲۲ ق.آ.د.ک در امور کیفری می‌باشد، در حالی که در آینین دادرسی مدنی چنین نهادی وجود ندارد.

**هدف:** اهداف دادرسی کیفری تأمین منافع اجتماع در رابطه با لطمہ و صدمه‌ای است که به واسطه وقوع جرم به آن وارد گردیده است و همچنین حفظ حقوق و آزادی‌های افراد هم‌زمان با دفاع از منافع اجتماع است، در حالی که هدف دادرسی مدنی، تنها ارائه طریق و حل اختلاف دعاوی مدنی یا موضوع حقوقی است.

**اصول آینین دادرسی کیفری:** آینین دادرسی کیفری مستند به اصول مناسب و منصفانه است، اصل به معنای قاعده است، پس اصول قابل تغییر نمی‌باشد. برای آینین دادرسی کیفری اصولی پیش‌بینی شده است که از ماده ۲ الی ۷ ق.آ.د.ک به آن اشاره شده است؛ که اهم آن عبارتند از:

۱. قانونی بودن دادرسی کیفری: دادرسی کیفری مستند به قانون است و حقوق طرفین را تضمین می‌کند. «ماده ۲ ق.آ.د.ک» اصل قانونی بودن حقوق جزا یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری است که دارای دو جنبه ماهوی و شکلی است. جنبه ماهوی این اصل، تحت عنوان «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» در حقوق کیفری ماهوی مورد بحث قرار می‌گیرد و جنبه شکلی آن، «اصل قانونی بودن دادرسی کیفری» می‌باشد.
۲. بی‌طرفی مراجع قضایی: مراجع قضایی باید با بی‌طرفی به اتهام انتسابی به اشخاص رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «ماده ۳ ق.آ.د.ک» این اصل به معنای عدم تمایل مرجع قضایی به یک طرف دعوا می‌باشد.
۳. استقلال کامل مراجع قضایی: مراجع قضایی باید با استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «ماده ۳ ق.آ.د.ک»
۴. رسیدگی به اتهام در کوتاهترین مهلت ممکن: مراجع قضایی باید به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «ماده ۳ ق.آ.د.ک» مراجع قضایی تابع اصل تسریع در دادرسی هستند.
۵. اصل برائت: اصل، برائت است. «ماده ۴ ق.آ.د.ک» این ماده ناظر بر جنبه قضایی اصل برائت می‌باشد، اصل برائت از جنبه قضایی مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوای عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است، تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی، بی‌گناه فرض شده و اوضاع و احوالی مانند متواری بودن یا سابقه محکومیت کیفری، سبب شکل‌گیری اعتقاد به مجرمیت او نگردد.
۶. حفظ حریم خصوصی و رعایت کرامت و حیثیت اشخاص: هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظرات مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. «ماده ۴ ق.آ.د.ک»
۷. حق تمهیم اتهام و ادله انتسابی به اتهام: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه ... شود. «ماده ۵ ق.آ.د.ک»
۸. حق دسترسی به وکیل: متهم باید ... از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود. «ماده ۵ ق.آ.د.ک»
۹. آگاهی اشخاص در حقوق خود در فرایند دادرسی: متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود. «ماده ۶ ق.آ.د.ک»
۱۰. رعایت حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاص که در فرایند دادرسی مداخله دارند: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. «ماده ۷ ق.آ.د.ک»

✓ برای دادرسی کیفری، طبق آموزه‌های حقوق کیفری و بر اساس قانون جدید ۵ مرحله لحاظ می‌شود، این ۵ مرحله با توجه به رویکرد نظام مختلط بررسی می‌شود؛ یعنی هم شناخت دادرسرا لازم است و هم شناخت محاکم با دادگاه‌ها. متذکر می‌شویم که این ۵ مرحله به صورت طولی بیان می‌شود و رعایت آن الزامی است:



**کشف جرم:** به موجب ماده ۸ ق.آ.د.ک جرم که دارای جنبه‌ی حق‌اللهی است ۲ حیث یا جنبه دارد:

الف - حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظام عمومی

ب - حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

اصل بر این است که تمامی جرائم **واجد جنبه‌ی عمومی هستند** و اینکه برخی جرائم به عنوان جرم خصوصی یا قابل گذشت معرفی می‌شوند به این معناست که مفتن جنبه‌ی خصوصی را بر جنبه‌ی عمومی ترجیح داده است. جرائم خصوصی یا قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م. ۱۳۹۲۱ احصاء شده‌اند.

**وظایف و اهداف دادرسرا:** به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوای لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسای عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسای نظامی تشکیل می‌شود. «ماده ۲۲ ق.آ.د.ک»

علی‌الاصول امور حقوقی به دادرسرا ارجاع نمی‌شود.

**پیشینه دادرسرا:** دادرسرا نهادی است فرانسوی که در قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ به نام پارکه از آن یاد شده است، اما پس از مدتی و همراه با اصلاحات پارکه حذف شد و یک نام ایرانی به نام «اداره مدعی‌العموم» جایگزین آن شد؛ که البته امروزه دادرسرا نامیده می‌شود.

**تعريف دادرسرا:** دادرسرا وظیفه آماده کردن پرونده‌ها را برای دادگاه دارد. چون دادرسرا حق رسیدگی ماهیتی و به تبع آن صدور حکم را نداشته، به همین خاطر دادرسرا در صورت وقوع جرم وظیفه کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات و اجرای احکام را دارد.

دادسرای عمومی در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل می‌شود؛ لذا در حوزه قضایی بخش دادسرایی تشکیل نمی‌شود و مطابق ماده ۲۴ ق.آ.د.ک در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب اوی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

دادسرای نظامی نه در حوزه قضایی شهرستان بلکه در معیت دادگاه‌های نظامی استان، در شهرستان مرکز استان تشکیل می‌شود.

### ویژگی‌های دادسرا:

۱. **سلسله‌مراتب:** طبق ماده ۲۳ ق.آ.د.ک ریاست دادسرا با دادستان است و همچنین دادسرا به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد. دادستان، معاون دادستان و دادیار از لحاظ سلسله‌مراتب دریک ردیف نیستند و در طول هم قرار دارند. به موجب این اصل، ماده ۹۲ ق.آ.د.ک در بخشی از عبارات خود می‌گوید: «... چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد ...». البته این سلسله‌مراتب مربوط به قضات حوزه یک دادسرا می‌باشد.
  - ✓ دادستان رئیس دادسرا می‌باشد و وظیفه تعقیب جرم را دارد و بازپرس وظیفه تحقیق راجع به جرم را دارد؛ جمع این ۲ نفر در یک نفر جایز نیست. (در صورت بروز اختلاف بین بازپرس و دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است.)
  - ✓ در صورتی که دادستان حاضر نباشد، دادیار وظایف دادستان را انجام می‌دهد.
۲. **استقلال دادسرا:** دادسرا به عنوان نهاد تعقیب و به منظور وصول به حقیقت و با هدف ایجاد دادرسی منصفانه و انجام تحقیقاتی فارغ از تصریبات باید دارای استقلال باشد.
  - ✓ استقلال دادسرا در مقابل بازپرس: دادسرا یا همان مقام تعقیب در مقابل بازپرس دارای استقلال است و رسیدگی بازپرسان منوط به ارجاع دادستان است؛ و در جرائمی که ارجاع دادستان وجود ندارد بازپرس حق تحقیق ندارد.
  - ✓ استقلال دادسرا در مقابل دادگاه: دادسرا در جریان دادرسی به شکایات، انجام تحقیقات و اتخاذ تصمیم نهایی و کیفرخواست تابع نظر هیچ دادگاهی نیست و به طور مستقل و بر اساس نظر قضایی خود اقدام می‌کند.
  - ✓ استقلال دادسرا در مقابل اصحاب دعوا: دادسرا در تحقیقات و تصمیمانی که اتخاذ می‌کند نسبت به شاکی و مشتکی عنه از استقلال برخوردار است.
۳. **وحدت دادسرا:** قضات دادسرا یک حوزه قضایی، در حکم یک پیکر واحد می‌باشند، به واسطه این ویژگی دادسرا است که ماده ۸۸ ق.آ.د.ک بیان می‌دارد که: «در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارند...».
۴. **عدم مسؤولیت دادسرا:** دادسرا به خاطر نیاز به وسعت عمل و عدم محدودیت و انجام تحقیقات هر تصمیمی که ممکن باشد می‌تواند اختیار کند، در صورتی که تصمیم قاضی موجب ضرر گردد، دادسرا مسؤول نیست؛ مگر از مدار قانون خارج شده باشد؛ مانند اینکه تعمدآ شکنجه کند، تعمدآ بازداشت کند.

### ارجاع مستقیم:

دادسرا عهده‌دار تکمیل پرونده و آماده کردن برای صدور رأی است که در دادگاه صالح با کیفرخواست نسبت به آن تصمیم مقتضی اتخاذ می‌شود.

عنوان مجرمانه‌ای که به دادسرا ارجاع نمی‌شود و به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود:

۱. جرائم منافی عفت
۲. جرائم درجات ۷ و ۸

۳. در صورتی که افراد زیر ۱۵ سال مرتکب جرمی شوند.

#### ارجاع مستقیم در جرائم منافی عفت:

جرائم منافی عفت در قانون مجازات در ۲ فصل وجود دارد:

۱. در کتاب دوم: حدود شامل عنوانی: زنا، لواط، تفحیذ و مساقمه

۲. در کتاب پنجم: جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی شامل عنوانی: تقبیل و مضاجعه

☞ حال سؤال این است که این جرائم منافی عفت به کدام دادگاه ارجاع می‌شود؟

ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک جواب این سؤال را داده است.

ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک: «به جرائم منافی عفت به طور مستقیم، در **دادگاه صالح رسیدگی می‌شود**»

ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت **ممنوع** است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام شود.»

به استناد ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک: «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد...»

به استناد ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک: «به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف - جرائم موجب مجازات سلب حیات

»...

پس با این وجود:

✓ به جرائم منافی عفتی که مجازات آن سلب حیات است در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی می‌شود؛ مانند اینکه:

الف مرتکب لواط با مجازات سلب حیات (اعدام) می‌شود؛ پرونده به دادگاه کیفری ۱ ارجاع مستقیم می‌شود.

✓ به جرائم منافی عفتی که مجازات آن سلب حیات نیست در دادگاه کیفری ۲ رسیدگی می‌شود؛ مانند اینکه:

الف و ب مرتکب زنا با مجازات ۱۰۰ ضربه شلاق می‌شوند، پرونده به دادگاه کیفری ۲ ارجاع مستقیم می‌شود.

#### ارجاع مستقیم در درجات ۷ و ۸:

خفیفترین مجازات‌ها، مجازات درجات ۷ و ۸ می‌باشد، این درجات در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است، مقام مقتن به دلیل خفیف بودن تحقیق در رابطه با این درجات را نیاز به دادسراندانسته و پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.

✓ اگر جرم ارتکابی مجازات آن از نوع درجه ۷ باشد: از هر نوع و میزان پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.

✓ اگر جرم ارتکابی مجازات آن از نوع درجه ۸ باشد:

• اگر مجازات قانونی عمل ارتکابی فقط جزای نقدی باشد: پرونده به **شورای حل اختلاف** ارجاع می‌شود.

• اگر مجازات قانونی عمل ارتکابی حبس یا شلاق باشد: پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.

☞ تخلیه اطلاعاتی که مجازات آن، به موجب ماده ۵۰۶ قانون تعزیرات؛ یک تا شش ماه حبس و تحت عنوان درجه ۷ مجازات‌ها می‌باشد، چون جرم علیه امنیت است پرونده این عنوان مجرمانه به دادگاه انقلاب ارجاع مستقیم می‌شود.

☞ توهین به ریس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران به موجب ماده ۵۱۷ قانون تعزیرات؛ یک تا سه ماه حبس و تحت عنوان درجه ۸ مجازات‌ها می‌باشد، چون جرم سیاسی است پرونده این عنوان مجرمانه به دادگاه کیفری ۱ ارجاع مستقیم می‌شود.

☞ البته لازم به ذکر است اگر جرمی مستلزم دو مجازات باشد، یکی تعزیری درجه ۷ یا ۸ و دیگری دیه، از آنجا که چنین جرمی به دلیل اهمیت آن مستلزم دو مجازات است، این جرم از جرائم کم‌اهمیت مورد نظر قانونگذار **نبوغ** و در نتیجه لازم است که

تحقیقات مقدماتی نسبت به آن‌ها در **دادسرا** انجام شده و پس از تکمیل آن و صدور کیفرخواست، جهت رسیدگی به دادگاه ارسال گردد.

### ارجاع مستقیم افراد زیر ۱۵ سال:

تبصره ۱ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک: «تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد.»

**ارجاع مستقیم در حوزه بخش:** بخش به واحدی گفته می‌شود کوچک‌تر از شهرستان و بزرگ‌تر از دهستان است.

- ✓ در بخش دادسرا تشکیل نمی‌شود، پس به ناچار پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.
- ✓ در بخش‌هایی که دادگاه وجود ندارد، دادرسی و رسیدگی با دادسرای شهرستان است.
- ✓ در حوزه بخش که خود یک صلاحیت مجزا است، اقدامات توسط ۲ نفر صورت می‌گیرد:
  ۱. رئیس حوزه بخش
  ۲. دادرس علی‌البدل

**دادستان:** دادستان یا مدعی‌العموم شخصی است که به موجب ماده ۲۳ ق.آ.د.ک رئیس دادسرا می‌باشد، اما از نظر حقوقدانان به قاضی تعقیب معروف است. دادستان مسؤول تأمین نظم است و بر اساس تشکیلاتی که در اختیار دارد باید در حفظ و تأمین نظم اهتمام ورزد.

**وظایف و اختیارات دادستان:** در قانون برای دادستان وظایف و اختیاراتی تعیین شده که اهمیت آن به شرح ذیل است:

۱. ریاست دادسرا
۲. تصمیم‌رایج به قرار تعليق تعقیب
۳. تصمیم‌رایج به قرار ترک تعقیب
۴. ریاست و نظارت بر ضابطان
۵. دستور ضبط وثیقه
۶. دستور اخذ وجه الکفاله
۷. صدور کیفرخواست و دفاع از آن
۸. اجرای احکام
۹. نظارت بر واحدهای ضابطان
۱۰. نظارت بر تحقیقات بازپرس

### انواع دادیار و وظایف آنان:

✓ **دادیار تحقیق:** انجام تحقیقات مقدماتی از وظایف دادسرا و بر عهده رئیس دادستان است. دادستان به عنوان اداره‌کننده دادسرای تحت پوشش خود می‌تواند این وظایف را بین معاونین دادسرا و دادیاران تقسیم کند؛ بنابراین در صورتی که دادستان انجام این وظیفه را بر عهده دادیار قرار دهد، او دادیار تحقیق خواهد شد. همچنین گاهی در صورت غیاب دادستان، یکی از دادیاران عهده‌دار انجام این وظیفه خواهد شد. دادیار تحقیق ۳ شاخصه اصلی دارد: ۱ - می‌تواند مرد یا زن باشد. ۲ - تابع دادستان است. ۳ - پرونده‌های با نسبت خفیف به او ارجاع می‌شود.

✓ **دادیار اظهارنظر:** دادیار اظهارنظر به عنوان کارشناس تحت نظر دادستان در دادسرا فعالیت می‌کند. وقتی حکمی توسط بازپرس صادر می‌شود، دادیار اظهارنظر به بررسی این احکام می‌پردازد و آن را رد یا تأیید می‌کند و به دادستان ارجاع می‌دهد تا

تصمیم نهایی را بگیرد. در واقع دادیار اظهارنظر در حکم دستیار دادستان عمل می‌کند و نقش با اهمیتی در دادسرا دارد زیرا می‌تواند درباره احکام بازپرس نظر بدهد.

✓ **دادیار اجرای احکام:** یکی از وظایف دادستان اجرای احکام کیفری است که در دادگاهها صادر می‌شود. دادیار اجرای احکام، نماینده دادستان برای اجرای احکام کیفری است.

✓ **دادیار ناظر زندان:** نماینده دادستان در انجام امور مربوط به زندان و زندانیان است. مسائلی مانند مرخصی زندانیان، موافقت با پیشنهادِ دادن آزادی مشروط به زندانیان، بررسی شرایط اعطای عفو به زندانیان و موضوعاتی از این قبیل در حوزه وظایف دادیار ناظر زندان است.

✓ **دادیار نماینده دادستان در دادگاه:** یکی از وظایف دادستان این است که بعد از بررسی جرم و انجام تحقیقات مقدماتی اقدام به صدور کیفرخواست کند. در کیفرخواست اینکه طبق تحقیقات مجرم کیست و به چه علت جرم رخ داده است نوشته شده است تا قاضی دادگاه با استفاده از آن‌ها بتواند حکم صادر کند. دادستان وظیفه دارد برای دفاع از آنچه در کیفرخواست نوشته شده و توضیح درباره اینکه جرم واقعاً رخ داده است، در دادگاه حضور پیدا کند. دادستان می‌تواند وظیفه حضور در دادگاه را به دادیار نماینده دادستان در دادگاه محول کند.

✓ دادیاران از هر مقام و مرتبه‌ای که باشند تابع دادستان هستند، چون تابع دادستان هستند، اختلافی حاصل نمی‌شود. برخلاف بازپرس که ممکن است بین بازپرس و دادستان اختلاف پیش آید.

✓ در قانون خاص نظارت بر رفتار قضات فرضی پیش‌بینی شده است که طبق این فرض و اختلاف بین دادیار و دادستان پیش آید، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه عالی ارسال می‌شود و رأی دادگاه متبع خواهد بود.

✓ طبق ماده ۸۸ ق.آ.د.ک: در غیاب دادستان و معاون او، دادیاری جانشین او می‌شود که:

• سابقه قضایی بیشتری دارد

• و در صورت تساوی، دادیاری که سن بیشتری دارد.

✓ در هر صورت انتخاب بازپرس به جانشینی دادستان جایز نیست، چون جمع مقام تعقیب و مقام تحقیق در شخص واحد قانونی نیست.

**بازپرس:** بازپرس همان مستنطق سابق است که امروزه به **قاضی تحقیق** معروف است، بازپرس قاضی مجری است که برای انجام تحقیقات علی‌الاصل مستقل است.

مواردی که شخص بازپرس مطلقاً مستقل است:

✓ احضار نمودن

✓ جلب

✓ معاینه محل

✓ تفییش

✓ ارجاع به کارشناس

اصل استقلال بازپرس است، اما در ۳ مورد باید از دادستان تبعیت کند:

۱. انجام تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان، قبل از واگذاری جریان تحقیقات به بازپرس: ماده ۷۶ ق.آ.د.ک: «دادستان پیش از آنکه تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد یا جریان تحقیقات را بهطور کلی به بازپرس واگذار کند، می‌تواند اجرای برخی تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند. در این صورت، بازپرس **مکلف** است فقط تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان را انجام دهد و نتیجه را نزد وی ارسال کند.»

۲. تردید در صلاحیت کفیل: ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک: «...چنانچه بازپرس ملات کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می‌رساند. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهارنظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است.»

۳. انجام تحقیقات مورد تقاضای دادستان که برای کشف حقیقت لازم است: ماده ۲۶۶ ق.آ.د.ک: «چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس **مکلف** به انجام این تحقیقات است.»

### ممنوعیت رسیدگی مقامات قضایی دادسرا در صورت وجود جهات رد دادرس: «ماده ۴۲۴ ق.آ.د.ک.»

«مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرس، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است.»

✓ اصل بر آن است که قضاط دادسرا قابل رد نیستند، اما بر اساس اصل بی‌طرفی در سیستم قضایی می‌پذیریم که جهات رد دادرس باعث می‌شود که قضاط دادسرا قابل رد باشند، به همین خاطر جهات رد دادرس، به مقامات قضایی دادسرا نیز قابل انتساب است.

✓ جهات رد دادرس طبق ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک. ۶ مصدق می‌باشد که وجود یک مصدق برای رد کافی است.

✓ جهات رد دادرس کاملاً **حصری** می‌باشند. این حصر از دو جهت دارای اهمیت است، اول آنکه قضاط به دلخواه از رسیدگی به پرونده‌های سنگین یا دارای مشکل خودداری نورزند. دوم آنکه طرفین دعوا به دلایل واهی رد دادرس را درخواست نکنند.

### ممنوعیت کارشناس از کارشناسی در صورت وجود جهات رد دادرس:

ماده ۱۵۸: «کارشناس منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر آنکه به تشخیص بازپرس عذر موجه داشته باشد یا موضوع از موارد رد کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را به طور کتبی به بازپرس اعلام دارد. تبصره: جهات رد کارشناس همان جهات رد دادرس است.»

### ممنوعیت وکیل تسخیری از وکالت در صورت وجود جهات رد دادرس:

ماده ۳۴۹ ق.آ.د.ک: «وجود یکی از جهات رد دادرس بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است.»

### جهات رد دادرس: ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک:

«دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوی نیز می‌توانند در این موارد ایراد رد دادرس کنند:

الف - قربت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد.

ب - دادرس، قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرس یا امور همسر وی باشد.

پ - دادرس، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشند.

- ت - دادرس در همان امر کیفری قبل‌اً تحت هر عنوان یا سمتی اظهارنظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد.
- ث - بین دادرس، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوای حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد.
- ج - دادرس، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند.»

**دادسرای عمومی و انقلاب:** دادسراهای عمومی و انقلاب به تحقیقات مقدماتی تمامی جرائمی که در صلاحیت دادگاه‌های کیفری و انقلاب می‌باشد، البته به جز مواردی که قانون آن‌ها را مستثنا نموده، می‌پردازند.

در رأس دادسرای عمومی و انقلاب، دادستان قرار دارد که به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری خواهد داشت.

### دادسرای دیوان عالی کشور:

در حال حاضر دیوان عالی کشور در تهران مستقر بوده و شعبی نیز در شهرهای مشهد و قم دارد و همچون دیوان عالی کشور قلمرو صلاحیت آن تمام کشور است. دادستانی کل کشور نیز در معیت دیوان عالی کشور در تهران مشغول انجام وظیفه است. دادسرای دیوان عالی کشور، به ریاست دادستان کل کشور اداره می‌شود، دادستان کل کشور از قضات مجتهد به مدت ۵ سال توسط رئیس قوه قضاییه و بعد از مشورت رئیس قوه قضاییه با قضات دیوان عالی کشور به این سمت منصوب می‌شود. دادستان کل کشور دارای معاون اول، معاون قضایی، معاون سیاسی و تعدادی دادیار است.

### وظایف و اختیارات دادستان کل کشور:

۱. نظارت بر کلیه دادسراهای عمومی و انقلاب و نظامی «م ۲۸۸ ق.آ.د.ک»
۲. پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های عمومی و انقلاب و نظامی سراسر کشور «تبصرة ۱ و ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک»
۳. پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضایی دادسرها به رئیس قوه قضاییه «ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک»
۴. مکلف به طرح دعوا و پیگیری نسبت به اموال و منافع عمومی «م ۲۹۰ ق.آ.د.ک»
۵. اقدامات مقدماتی و انجام تحقیقات لازم جهت تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری «ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک»
۶. منوعیت خروج اشخاص از کشور «م ۲۹۲ ق.آ.د.ک»
۷. پیشنهاد حاله پرونده از حوزه‌ای به حوزه‌ای دیگر «م ۴۰۰ ق.آ.د.ک»
۸. درخواست نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه «م ۴۷۱ ق.آ.د.ک»
۹. شرکت در جلسات هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه «م ۴۷۱ ق.آ.د.ک»
۱۰. درخواست تجویز اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور نسبت به احکام صادره قطعیت یافته از محکم «م ۴۷۵ ق.آ.د.ک»
۱۱. درخواست تجویز اعاده دادرسی فوق العاده از رئیس قوه قضاییه «م ۴۷۷ ق.آ.د.ک»
۱۲. اعلان نظر مشورتی در مورد تغییر سمت یا محل خدمت قضات «اصل ۱۶۴ ق.ا.»
۱۳. صدور کیفرخواست نسبت به تخلف اعضای دادگاه‌های عالی و عالی تجدیدنظر و دادستان «م ۷ قانون نظارت بر رفتار قضات»

### دادسراهای اختصاصی:

**دادسرای ویژه روحانیت:** دادسرای ویژه روحانیت طبق آیین‌نامه تشکیل شده است.

✓ دادستان ویژه روحانیت توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد. «ماده ۲ آیننامه دادسراها و دادگاههای ویژه روحانیت»

✓ مسؤولیت، ریاست و نظارت همه دادسراها به عهده دادستان منصوب خواهد بود. «ماده ۳ آیننامه دادسراها و دادگاههای ویژه روحانیت»

✓ این دادسرا **قاده بازپرس** است.

✓ ریاست، نظارت و بودجه این دادسرا خارج از اختیارات قوه قضائیه است.

✓ تشکیلات هر دادسرا عبارت است از: دادستان، معاون ارشاد، معاون تحقیقات و امور اجرائی، مدیر اداری و مالی و به تعداد کافی دادیار و کادر اداری «ماده ۶ آیننامه دادسراها و دادگاههای ویژه روحانیت»

✓ این دادسرا صرفاً به کلیه جرائم و اعمال خلاف شان روحانیون، کلیه اختلافات محلی مخلّ به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد و همچنین اموری که از سوی مقام رهبری ارجاع گردد، رسیدگی می‌نماید.

#### دادسرای نظامی «دادسرای نیروهای مسلح»: ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک.

✓ دادسرای نظامی، در مرکز هر استان تشکیل می‌شود.

✓ در شهرستان‌ها در صورت نیاز، دادسرای نظامی ناحیه تشکیل می‌شود.

✓ حوزه قضائی دادسرای نظامی نواحی به تشخیص ریس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

#### دادسرای ویژه نوجوانان: «ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک.»

✓ این دادسرا شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب است.

✓ سرپرست آن یکی از معاونان دادستان می‌باشد.

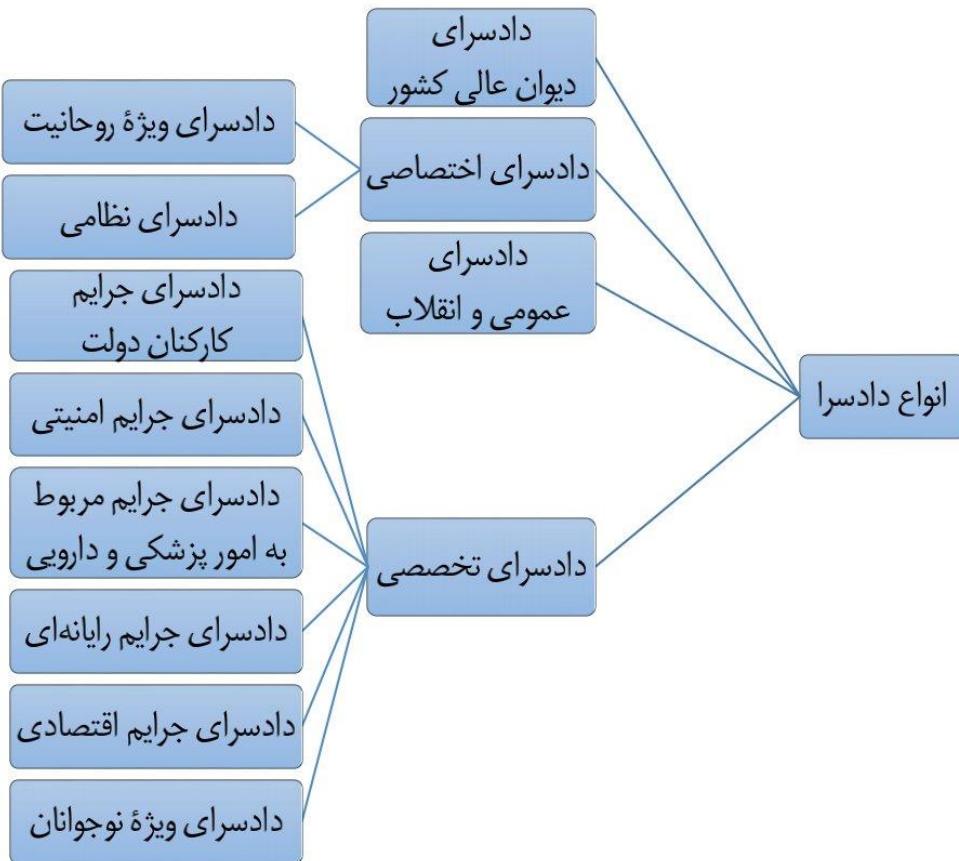
✓ مقام تحقیق در آن بازپرس می‌باشد.

✓ تحقیقات مقدماتی جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال در این دادسرا به عمل می‌آید.

✓ هرگاه افراد ۱۵ تا ۱۸ سال جرائم منافع عفت و جرائم درجه ۷ یا ۸ را مرتکب شوند، به جرائم آنان به صورت مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود.

#### دادسراهای تخصصی:

«ماده ۲۵ ق.آ.د.ک.»: «به تشخیص ریس قوه قضائیه، دادسراهای تخصصی (نه اختصاصی) از قبیل دادسرای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود.»



**تعقیب مرتكب:** گام دوم در دادرسی تعقیب مرتكب است.

**جهات قانونی شروع به تعقیب:** دانستیم که مقام تعقیب داستان و مقام تحقیق بازپرس است، استثنائاتی چون مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ ارتباطی به دادستان ندارد، مگر در هنگام اجرای احکام، اما کلیت موضوع با دادستان در ارتباط است. اولین مطلب آن است که دارا بودن سمت قضایی هرگز دلیلی بر اعمال سلیقه و تعقیب‌های شخصی نیست، به همین خاطر ماده ۶۴ ق.آ.د.ک برای تعقیب از جهات قانونی یاد نموده است. این مصاديق در ۵ مورد معرفی شده‌اند؛ که مورد پنجم از ماده ۶۴ ق.آ.د.ک چون از باب تمثیل مطرح شده همچنان دست دادستان را باز گذاشته است، با این اوصاف جهات قانونی که هر یک شرح تفصیلی دارند به شرح ذیل است:

- الف - شکایت شاکی یا مدعی خصوصی
- ب - گزارش ضابطان دادگستری «ضابط عام، ضابط خاص، ضابط نظامی» گزارش مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن
- پ - وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس
- ت - اظهار و اقرار متهم
- ث - اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر

**شکایت شاکی یا مدعی خصوصی**

اولین و مهم‌ترین جهت از جهات شروع به تعقیب، شکایت شاکی است. هرگاه شاکی جبران ضرر و زیان وارد را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

✓ ۲ عنوان شاکی و مدعی خصوصی با یکدیگر متفاوت است، در ماده ۱۰ ق.آ.د.ک با ۳ اصطلاح مواجه می‌شویم:

- بزه‌دیده: شخصی که از وقوع جرم متهم ضرر و زیان شده است.
- شاکی خصوصی: شخصی که به موجب شکواییه از یک مقام ذی صلاح امر تعقیب را مطالبه می‌کند.
- مدعی خصوصی: شخصی که از مقام ذی صلاح با رعایت تشریفات تقاضای جبران ضرر و زیان وارد را می‌کند.

✓ هر مدعی خصوصی شاکی هم می‌باشد، برخی از شاکی‌ها مدعی خصوصی می‌باشند و برخی هم مدعی خصوصی نمی‌باشند.

**شکواییه:** شاکی به موجب شکواییه شکایت خود را مطرح می‌کند، در امور کفری تا حد امکان از تشریفات پرهیز شده است، به همین دلیل قانون‌گذار صرف یک برگه برای ثبت شکایت کافی می‌داند، در صورتی که دادخواست یک فرم چاپی مخصوص است.

**شرط شکواییه:** شکواییه یا همان عرض حال طبق ماده ۶۸ ق.آ.د.ک باید دارای شرایطی از قرار ذیل باشد:

الف - نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی

ب - موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم

پ - ضرر و زیان وارد به مدعی و مورد مطالبه وی

ت - ادله وقوع جرم، اسمی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان

ث - مشخصات و نشانی مشتکی‌ عنه یا مظنون در صورت امکان

✓ به موجب بند «ب» در شکواییه لازم است «موضوع شکایت» قید شود. منظور از موضوع شکایت، یک واقعه یا رخداد است، نه عنوان مجرمانه؛ به عبارت دیگر، شاکی موظف نیست که عنوان مجرمانه عملی را که مدعی وقوع آن علیه خود است تعیین نماید و حتی به صلاح او نیست چنین کند تا از عواقب احتمالی انتساب صریح جرمی به دیگری در امان بماند. شاکی باید موضوع قضیه‌ای که مدعی وقوع عمل مجرمانه در جریان آن علیه خود است را بیان نماید، پس از آن تشخیص و تطبیق عنوان مجرمانه با عمل مشتکی‌ عنه بر عهده مقام قضایی است. با فرض تعیین آن توسط شاکی نیز، مقام مذبور ملزم به تعیین از وصفی که شاکی برای عمل موردنظر برگزیده، نیست.

✓ در بند «ب» ذکر تاریخ وقوع جرم از نظر تشخیص قانون حاکم بر عمل متهم (مسئله عطف بمسابق نشدن قانون) و محاسبه مرور زمان (در صورت مرور زمان پذیر بودن جرم) و ذکر محل وقوع جرم از لحاظ تشخیص مرجع قضایی صالح به رسیدگی (مسئله صلاحیت محلی) حائز اهمیت است.

✓ در مورد لزوم ذکر تاریخ وقوع جرم باید به این مطلب توجه داشت که به عنوان یک اصل کلی، جرائم تابع قانونی هستند که در زمان ارتکاب آن‌ها حاکم است و اگر بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم، قانون جدیدی وضع و لازم‌الاجراء شود (و حتی صریحاً هم قانون سابق را نسخ نماید)، قانون جدید فقط باید در مورد جرائمی اعمال شود که پس از تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن ارتکاب یافته‌اند، ولی جرائم ارتکابی قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون جدید، تحت حاکمیت قانون سابق باقی می‌مانند. در این حال، نباید تصور نمود که قانون منسخ قابلیت استناد ندارد، زیرا نسخ یک قانون، مانع حکومت آن بر جرائمی است که پس از تاریخ نسخ ارتکاب می‌باشد، ولی جرائمی که قبل از این تاریخ واقع شده‌اند، تحت حکومت قانون سابق باقی می‌مانند.

از اصل یادشده قاعده‌ای شکل گرفته که از آن به عنوان قاعدة عدم تأثیر قانون در گذشته (یا عطف بمسبق نشدن قانون) یاد می‌شود.

- ✓ شکوایه فرم مخصوصی نیست، اما قوه قضاییه **مکلف** شده است که اوراق چاپی را تهیه و در اختیار مراجعان قرار دهد، در صورتی که شخصی شکوایه خود را در این فرم مخصوص تنظیم نکند، منع برای استماع شکایت وجود ندارد.
- ✓ نظریه شماره ۱۳۲۴/۶/۸ مورخ ۹۳/۷/۷ ادراة حقوقی قوه قضاییه «موارد ذکر شده در ماده ۶۸ ... مواردی است که برای تعقیب متهم، تحقیقات دادسرا، رسیدگی دادگاهها و حتی دیوان عالی کشور ضروری است ... (ولی) قانون‌گذار ضمانت اجرایی نیز برای برطرف کردن نواقص ماده ۶۸ ذکر نکرده و نمی‌توان به علت عدم تکمیل یک یا چند مورد از موارد مذکور در این ماده، شکوایه را بایگانی کرد یا نادیده گرفت.»
- ✓ برای امور کیفری هزینه دادرسی ثابت می‌باشد و در حال حاضر ۱۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد، برخلاف دعاوی حقوقی، در دعاوی کیفری اگر شخص، ناتوان از پرداخت هزینه دادرسی باشد از پرداخت آن معاف می‌شود.
- ✓ بر اساس مواد ۳۷ و ۶۹ ق.آ.د.ک پذیرش شکوایه یک تکلیف برای دادستان که مقام تعقیب و همچنین ضابطان می‌باشد.
- ✓ به موجب ماده ۶۹ ق.آ.د.ک، دادستان **مکلف** به قبول شکایت کتبی و شفاهی در همه وقت می‌باشد.
- ✓ اما به دلیل فراموش شدن، شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به ا مضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد.
- ✓ در صورت عدم پذیرش شکایت توسط مقامات ذی‌ربط، عمل آنان به موجب ماده ۵۹۷ ق.م.ا (بخش تعزیرات) جرم تلقی می‌شود.

### بزه‌دیده محجور: (مواد ۷۰ و ۷۱ ق.آ.د.ک)

#### توضیح ماده ۷۰ ق.آ.د.م:

حالت اول ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به **شکایت شاکی** باشد و بزه‌دیده **محجور** باشد و ولی یا قیم نداشته باشد یا بزه‌دیده به ولی یا قیم دسترسی نداشته باشد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

حالت دوم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به **شکایت شاکی** باشد: در صورتی که ولی یا قیم خود مرتكب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد: دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

حالت سوم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به **شکایت شاکی** باشد: در مواردی که بزه‌دیده، ولی و یا قیم او به علی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد: دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

حالت چهارم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به **شکایت شاکی** باشد: شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد: ولی یا قیم نداشته باشد یا بزه‌دیده به ولی یا قیم دسترسی نداشته باشد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم: دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

#### توضیح ماده ۷۱ ق.آ.د.ک:

حالت اول ماده ۷۱ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است: اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مُؤْلَى علیه اقدام به شکایت نکند: دادستان موضوع را تعقیب می‌کند.

حالت دوم ماده ۷۱ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است: بزه‌دیدگانی که به علی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوا هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند.

## نکات مربوط به مواد ۷۰ و ۷۱ ق.آ.د.ک:

- ✓ ملاک اهلیت برای طرح شکایت کیفری، سن بلوغ قانونی (۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران) است، مگر اینکه جرم جنبه مالی داشته باشد (مثلاً صدمات بدنی ناشی از تصادفات رانندگی یا ترک اتفاق پدر نسبت به فرزند) که در این صورت با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۶۴/۱۰/۳ و ملاک حکم مقرر در تبصره ماده فوق، تعیین قیم وقت برای او ضروری است.
- ✓ حکم عام ماده فوق، ناسخ حکم خاص مندرج در ماده ۳۵۶ ق.م. مصوب ۹۲ نیست که در مورد جنایت بر اشخاص و صاحبان حق قصاص وضع شده و در صورت فقدان ولی، نیاز به تعیین قیم اتفاقی در مورد آنها وجود ندارد.
- ✓ در مرتكب جرم بودن ولی یا قیم، تفاوتی ندارد که ولی یا قیم مباشر، شریک یا معاون در جرم باشند.

## حقوق شاکی:

۱. حق حضور در تحقیقات مقدماتی: صدر ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد. ...»
۲. حق مطالعه و اخذ تصویر برخی اوراق پرونده: تبصره ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.»
۳. حق درخواست تأمین خواسته: ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.»
۴. حق داشتن مترجم: ماده ۲۰۰ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای شاکی ... که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق ... تعیین می‌کند.»
۵. حق داشتن مترجم: ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک: «باشندوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسائل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند.»

## رد مال:

در قانون مجازات، هرگاه ذکر شده باشد که: مَحْكُومُ عَلَيْهِ مَحْكُوم برد عین مال می‌شود، دادگاه باید علاوه بر تعیین مجازات، مَحْكُومُ عَلَيْهِ را مَحْكُوم برد عین مال کند؛ اما در صورتی که در قانون مجازات حکم به رد عین مال علاوه بر مجازات تعیین نشده باشد، مدعی خصوصی برای رد عین مال باید دادخواست تقدیم کند.

## جبران ضرر و زیان:

با توجه به مقررات آینین دادرسی کیفری و با الهام از قانون مجازات و دیگر قوانین درمی‌یابیم که در ابتدای امر باید شکواییه تنظیم شود، و بعد دادخواست جبران ضرر و زیان تقدیم شود، مگر مواردی که مقام دادستان اعلام‌کننده جرم باشد. برای جبران ضرر و زیان به روش عمل می‌شود:

۱. مواردی که به صرف شکواییه مقام قضایی علاوه بر مجازات، حکم به رد مال می‌دهد، در این موارد جبران ضرر و زیان نیازمند تقدیم دادخواست نیست، مانند کلاهبرداری، سرقた، تحصیل مال نامشروع، اختلاس.
۲. مواردی که علاوه بر تنظیم شکواییه نیازمند تنظیم و ثبت دادخواست می‌باشد، مانند چک بلا محل، خرید اموال مسروقه، ترک اتفاق، خیانت در امانت و مواردی که در قانون اشاره به ردمال نشده است.

ماده ۱۵ ق.آ.د.ک صریحاً اعلام می‌کند که زیان دیده از جرم می‌تواند با آغاز تعقیب مدارک و استناد خود را ارائه کند، اما این حق را دارد که تا ختم دادرسی ضرر و زیان خود را با رعایت تشریفات مطالبه کند.

مطابق رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۱۲/۲/۷۱: «مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم که ... در دادگاه کیفری مطرح می‌شود عنوان دعوای حقوقی دارد. شروع رسیدگی به دعواوی حقوقی در دادگاه‌های دادگستری هم ... مستلزم دادن دادخواست با شرایط قانونی آن می‌باشد.»

به موجب ماده ۱۵ ق.آ.د.ک: «زیان دیده از جرم می‌تواند ...» این بدان معنا نیست که شاکی و زیان دیده الزامی به تنظیم دادخواست جهت مطالبه در مرجع کیفری ندارد، بلکه این یک حق قلمداد می‌شود، نه یک تکلیف.

اگر زیان دیده در مواردی که دادخواست لازم است، اقدام به تنظیم دادخواست نکند در اینجا از حق خود عدول نموده، اما این انصراف به معنای اسقاط حق نیست، چون می‌تواند به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

مثال: با وقوع جرم سرقت، بزه دیده از این جرم با تنظیم شکواییه، محاکوم‌علیه هم به مجازات و هم به رد عین محکوم می‌شود.

مثال: با وقوع جرم خیانت در امانت، بزه دیده از این جرم در ابتدا شکواییه تنظیم می‌کند، سپس در جایگاه شاکی خصوصی قرار می‌گیرد و پس از تحت تعقیب قرار گرفتن متهم، شاکی ۲ اقدام را انجام می‌دهد:

۱. دادخواست مطالبه ضرر و زیان را تنظیم می‌کند، که دادگاه کیفری به موجب این دادخواست رده مال را حکم می‌کند.
۲. دادخواست مطالبه ضرر و زیان را تنظیم نمی‌کند، که دادگاه کیفری دیگر حق ورود به مطالبه ضرر و زیان را ندارد.

## گزارش ضابطان

گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نیاشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود. (ماده ۳۶ ق.آ.د.ک)

### شروط اعتبار گزارش ضابطان:

۱. برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد.
۲. بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه شده باشد.

### تعریف ضابط:

ماده ۲۸ ق.آ.د.ک: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظرارت و تعليمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

### انواع ضابط: «مواد ۲۹ و ۶۰۲ ق.آ.د.ک»

ضابط عام: شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموخته مربوط را دیده باشند.

وظایف این نیرو به استناد بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ به این شرح احصاء شده است: «انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل: الف - مبارزه با مواد مخدر ب - مبارزه با قاچاق ج - مبارزه با منکرات و فساد د - پیشگیری از وقوع جرم ه - کشف جرائم

و - بازرسی و تحقیق ز- حفظ آثار و دلایل جرم ح - دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها ط - اجرا و ابلاغ  
احکام قضائی»

**ضابط خاص:** مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا بخشی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

**ضابط نظامی:** مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعیینات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضائی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

#### وظایف ضابطان:

##### طبق ماده ۲۸ ق.آ.د.ک:

۱. کشف جرم،
۲. حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم،
۳. شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم،
۴. تحقیقات مقدماتی،
۵. ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی.

#### وظایف ضابطان در جرائم غیرمشهود و مشهود: «ماده ۴۴ ق.آ.د.ک»

۶. به محض اطلاع از وقوع جرم (در جرائم غیرمشهود) مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند.
۷. در جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و **بلافاصله** نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. (نکته: ضابطان فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.)

##### طبق ماده ۴۶ ق.آ.د.ک:

۸. ضابطان دادگستری **مکلفند** نتیجه اقدامات خود را **فوري** به دادستان اطلاع دهند.

#### وظایف خاص ضابطان:

وظایف خاص ضابطان در مواد ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۱۳۳، ۱۸۴ و ۱۸۵ قانون آینین دادرسی کیفری بیان شده است.

#### جرائم مشهود: ماده ۴۵ ق.آ.د.ک: «جرائم در موارد زیر مشهود است:

الف - در مسئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب - بزهديه يا دو نفر يا بيشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حين وقوع جرم يا بلاfacسله پس از آن، شخص معيني را به عنوان مرتكب معرفی کنند.

پ - بلاfacسله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح يا اسباب و ادلہ جرم در تصرف متهم یافت شود و يا تعلق اسباب و ادلہ يادشده به متهم محرز گردد.

ت - متهم بلاfacسله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته يا در حال فرار باشد يا بلاfacسله پس از وقوع جرم دستگير شود.

ث - جرم در منزل يا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده يا در حال وقوع باشد و شخص ساكن، در همان حال يا بلاfacسله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل يا محل سکنای خود درخواست کند.

ج - متهم بلاfacسله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

ج - متهم ولگرد باشد و در آن محل نيز سوء شهرت داشته باشد.»

✓ جرائم مشهود جرمي است که به راحتی پس از وقوع، مرتكب آن قابل تشخيص و عاليم و آثار ارتکاب جرم قابل جمع‌آوري است.

جرائم که در مرئي و منظر ضابطين دادگستری به وقوع نپيوندد، ذاتاً جرم مشهود نیست اما مقنن در بندھاي ب تا ج ماده ۴۵ با آوردن قيد «بلاfacسله» که بيانگر گذشت زمان اندکي از وقوع جرم است، جرائم در حکم مشهود را بيان کرده است.

نظریه شماره ۷/۹۳/۹۶۳ مورخ ۹۳/۴/۲۳ اداره حقوقی قوه قضائيه: «منظور از شخص ساكن، در بند (ث) ماده ۴۵ ... کلية افرادي است که در محل موردنظر در ماده (منزل يا محل سکنای افراد) به صورت دائم يا موقت سکونت دارند، اعم از اينکه بزهديه واقع شده باشند يا خير؛ اما افرادي نظير همسايجان در مجتمعهای آپارتماني و نظائر آن را شامل نمي گردد و در فرض قضيه در اينجا تنها شامل آن قسمتی از آپارتمان مي گردد که اختصاص به سکونت افراد ذوي ربط دارد؛ اما بدويه است که چنانچه جرم در مشاعرات اماكن مسکونی نظير پاركينگ، حياط و مانند آن رخ دهد، کلية افرادي که در اين اماكن به اعتبار سکونت در قسمت اختصاصي سهيم مي باشند، ساكن شناخته شده و مشمول شخص ساكن مذكور در بند (ث) ماده ۴۵ ... مي باشد.»

در جرائم مشهود، ضابطان دادگستری موظفند پس از اطلاع از وقوع جرم، آن را به دادسرا گزارش نمایند ولی قبل اقدام به اين کار بنابر ماده ۴۴ ق.آ.د.ک «... تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادلہ وجود جرم و جلوگيري از فرار يا مخفى شدن متهم و يا تباني، به عمل مي آورند؛ تحقيقات لازم را انجام مي دهند و بلاfacسله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع **دادستان مি رسانند ...»**

«تمام اقدامات» در ماده فوق دلالتی قوي تر از اطلاع دارد و بدین معنى که اختيارات ضابطان در جرائم مشهود به اندازه‌اي است که اگر برای حفظ آثار و ادلہ جرم و جلوگيري از فرار متهم يا تباني او با ديگران لازم باشد، حتى مي توانند بدون اجازه مالک وارد منزل او شوند و دست به تفتيش محل بزنند، اشخاص يا اشياء را بازرسی کنند و يا حتى متهم را جلب نمایند. برای اعمال اين اختيارات در جرائم مشهود نيازي به کسب اجازه مقامي قضائي نیست و لزوم اجازه مقامي قضائي برای ورود به منازل، اماكن تعطيل و بسته و تفتيش آنها و بازرسی اشخاص و اشياء محدود به جرائم **غير مشهود** است. همانطور که قانونگذار در ماده ۵۵ ق.آ.د.ک مقرر کرده: (ورود به منازل، اماكن تعطيل و بسته و تفتيش آنها، همچنين بازرسی اشخاص و اشياء در جرائم **غير مشهود** با اجازه موردي مقام قضائي است، هرجند وي اجرای تحقيقات را به طور کلي به ضابط ارجاع داده باشد.)

✓ در تبصره ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مقام مقنن شرایطی را پيش‌بيني نموده است که در صورت وجود اين شرایط تمام شهروندان مي توانند اقدامات لازم را برای جلوگيري از فرار مرتكب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند. اين شرایط از قرار ذيل است:

- جرم به صورت مشهود رخ دهد.
- در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری،
- جرم از مصادیق بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون باشد.
- ✓ این اختیار به تمام شهروندان اعطاء شده است.
- ✓ مداخله شهروندان به صورت **اختیاری** است نه الزامی، به عبارت دیگر شهروندان **تکلیفی** ندارند.
- ✓ مداخله شهروندان در حدود حفظ صحنه جرم است.
- ✓ بند «الف» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات سلب حیات
- ✓ بند «ب» ماده ۳۰۲: جرائم موجب حبس ابد
- ✓ بند «پ» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات **عمدی** علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن
- ✓ بند «ت» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر

**جرائم غیرمشهود:** ماده ۴۵ ق.آ.د.ک به جرائم مشهود اشاره نموده است، در سایر موارد جرائم غیرمشهود است.

✓

#### اصل عدم دستگیری اشخاص:

اصل سی و دوم قانون اساسی: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...».

استثناء: چنانچه در جرائم **مشهود**، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تقهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. «ماده ۴۶ ق.آ.د.ک.»

**تکلیف ضابطان در صورت نگهداری متهم:** ضابطان فقط در جرائم مشهود و آن هم در صورتی که نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، می‌توانند متهم را با رعایت شرایط ذیل تحت نظر قرار دهند:

۱. ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را **بلافاصله** و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تقهیم کنند.
۲. مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. اعلام این امر به دادستان نمی‌تواند تا پایان مدت تحت نظر به تأخیر افتد، بلکه این امر باید به همراه ذکر مشخصات متهم و علت تحت نظر قرار گرفتن او حداکثر ظرف یک ساعت به دادستان اعلام گردد، حتی در صورت تحت نظر قرار دادن متهم در خارج از اوقات اداری نیز باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود.
۳. ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. چنانچه بازجویی از متهم حاکی از توجه دلایل اتهام به او باشد، وی باید جهت تعیین تکلیف به دادسرا اعزام گردد، در غیر این صورت یعنی ادامه نگهداری تحت نظر، ضابطان مرتکب جرم توقيف غیرقانونی شده‌اند و طبق ماده ۵۸۳ ق.م.ا قابل مجازات خواهند بود.
۴. مراتب دستگیری فرد باید به اطلاع خانواده او برسد ضابطان دادگستری مکلفند که به متهم مساعدت کنند که به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه نماید، مگر آنکه بنا به ضرورت تشخیص دهنده که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند که در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند زیرا به موجب بند ۵ ماده واحد قانون حقوق شهروندی: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد

ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدن در جریان قرار گیرند.»

۵. در خاتمه باید به یک ممنوعیت مهم هم اشاره نمود: (ضابطان دادگستری نمی‌توانند برای تضمین حضور متهم، از او تأمین بگیرند و این اختیار در صلاحیت انحصاری مقام قضایی است و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند.)

## اعلام و اخبار مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن

### شرایط اعلام جرم: «ماده ۶۵ ق.آ.د.ک»

۱. اعلام‌کننده خود ناظر وقوع جرمی بوده باشد.
۲. جرم مذکور از جرائم غیرقابل‌گذشت باشد.
۳. قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد.

**گزارش‌ها و نامه‌هایی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسنده‌گان آن‌ها مشخص نیست:** «ماده ۶۷ آ.د.ک»:

این گزارش و نامه‌ها نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آنکه:

۱. گزارش‌ها و نامه‌ها دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است.
۲. گزارش‌ها و نامه‌ها همراه با قرائتی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

## وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس:

- ✓ قید «در برابر دادستان یا بازپرس» موجب محدود ساختن جرم مشهود شده، همچنین باید جرائم در برابر دادستان یا بازپرس آن حوزه قضایی به وقوع پیوسته باشد.
- ✓ هنگامی وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، یکی از جهات قانونی برای شروع به تعقیب به شمار می‌رود که مقامات مذکور در حین انجام وظیفه (در دادسرای در هنگام حضور در صحنه وقوع جرمی دیگر) باشند و مشاهده وقوع جرم مثلاً در هنگام مرخصی یا تعطیلات را شامل نمی‌شود. چنین فرضی می‌تواند از طریق بند «ث»: «اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر» موجب شروع به تعقیب متهم گردد.

## اظهار و اقرار متهم:

در خصوص جرائمی که جنبه عمومی دارند، (جرائم غیرقابل‌گذشت) با اقرار مرتکب می‌توان تعقیب را شروع کرد، بنابراین در جرائم غیرقابل‌گذشت اقرار متهم برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند و مقام قضایی موظف است پس از تشریفات قانونی تحقیقات مقدماتی را شروع نماید.

## اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر:

شخص دادستان به هر طریق دیگری که از وقوع جرم مطلع شود، از جهات تعقیب محسوب شده و مکلف به تعقیب متهم است.

## موانع تعقیب:

به مجرد وقوع جرم و با وجود جهات تعقیب، دادستان مکلف به تعقیب مظنون است. در برخی مواقع تعقیب با موانعی مواجه می‌شود.

**موانع موقتی تعقیب:** گاهی اوقات موانع مذکور به طور موقت تعقیب را متوقف می‌سازند، مانند اناطه، مصونیت و جنون.

**اناطه:** توقف رسیدگی در دادگاه کیفری و اظهارنظر دادگاه حقوقی بر ثبوت امر دیگر را اناطه می‌گویند.

- ✓ در اناطه صلاحیت دادگاه حقوقی موضوعیت ندارد بلکه «عدم صلاحیت مرجع کیفری» برای رسیدگی به آن مهم است.
- ✓ اناطه زمانی صورت می‌گیرد که اثبات امر کیفری وابسته به امور حقوقی باشد و آن امور توأم با شک و تردید باشد.
- ✓ با صدور قرار اناطه، شخص ذی نفع به مرجع حقوقی فرستاده می‌شود تا دادخواست حقوقی خود را ثبت کند، در صورتی که امر حقوقی پیگیری نکند، مقام قضایی دادگاه کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.
- ✓ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک برای ذی نفع یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه را تعیین نموده است که محاسبه آن با قانون آین دادرسی مدنی است.
- ✓ در صورتی که شخص ذی نفع عذر موجه داشته باشد این مدت نقض می‌شود.
- ✓ جهات عذر موجه، مصادیق شش گانه مندرج در ماده ۱۷۸ ق.آ.د.ک می‌باشد.
- ✓ اگر رسیدگی به موضوع مذکور در صلاحیت مراجع غیرقضایی نظری شورای حل اختلاف یا کمیسیون‌های ویژه هم باشد باز مورد از موارد صدور قرار اناطه خواهد بود.
- ✓ با صدور قرار اناطه پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود و تعقیب تا صدور رأی حقوقی به صورت معلق متوقف می‌شود.
- ✓ این توقیف تا زمان صدور رأی حقوقی جریان دارد و به هیچ وجه مرور زمان را حاصل نمی‌کند، به عبارتی مرور زمان معلم است.

**اناطه از سوی مقامات قضایی:** به ۳ حالت ذیل صادر می‌شود:

۱. در صورت صدور قرار اناطه از جانب دادیار: نظر دادستان جاری است.
۲. در صورت صدور قرار اناطه از جانب بازپرس: نظر دادستان اخذ می‌شود؛ دادستان یا موافق و یا مخالف قرار اناطه از جانب بازپرس می‌باشد که در این مورد حل اختلاف با دادگاه صالح است.
۳. در صورت صدور قرار اناطه از جانب دادرس دادگاه: دادرس دادگاه در صدور قرار اناطه مستقل است.

**اعتراض به اناطه:** در صورت صدور قرار اناطه لازم است که جهت اعتراض آن نیز لحاظ شود.

برای اعتراض به قرار اناطه باید توجه داشت که:

۱. در صورت صدور قرار اناطه در دادسرا: ظرف مدت ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. مگر اینکه دادگاه صالح، دادگاه کیفری یک یا انقلاب باشد و این دادگاه در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد که در این صورت دادگاه کیفری دو محل صالح به رسیدگی اعتراض است. «م ۲۷۰ ق.آ.د.ک»
۲. در صورت صدور قرار اناطه در دادگاه بدوى: با توجه به مجازات قانونی عمل، ظرف مدت ۲۰ روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور خواهد بود. «م ۴۲۷ ق.آ.د.ک»
۳. در صورت صدور قرار اناطه در دادگاه تجدیدنظر: قرار اناطه قطعی است.

✓ **اموال منقول از شمول قرار اناطه مستثنی هستند.**

**مصنونیت:** مصنونیت یعنی در امان بودن، برخی از مقامات به دلیل اهمیت شغلی از سوی قانون‌گذار یا بعضی کنوانسیون‌ها از مصنونیت برخوردارند، مصنونیت مانع موقتی است که تعقیب و دادرسی را تا مقطعی متوقف می‌کند، چون شخص به دلیل مصنونیت داشتن با افراد دیگر متفاوت است، اما نباید برداشت ناصواب شود که مصنونیت به معنای عدم محاکمه است، بلکه به معنای تأخیر یا تعویق در تعقیب و محاکمه است.

#### أنواع مصنونیت:

**مصنونیت قضایی:** قضاط به دلیل تصدی منصب قضا و اهمیت شغلی آنان از مصنونیت بهره‌مند هستند، یعنی در صورت ارتکاب جرم، چون مصنونیت دارند، تعقیب و دادرسی آنان با یک دادرسی مواجه می‌شود.

ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضاط: «هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدى قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رأی قطعی توسط مرجع ذی صلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می‌کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.»

- ✓ تعلیق قضائی فقط در جرائم **عمدى** صوت می‌گیرد. «ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضاط»
- ✓ دادستان انتظامی قضاط در صورت توجه اتهام به قضائی درخواست تعقیق را از دادگاه عالی انتظامی قضاط به عمل می‌آورد.
- ✓ قاضی تعقیق شده در ایام تعقیق از یک‌سوم تمام حقوق و مزايا برخوردار و در صورت برائت یا منع تعقیب، مستحق دریافت مابقی آن است. «ماده ۴۲ قانون نظارت بر رفتار قضاط»
- ✓ طبق ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک، رسیدگی به اتهامات دارندگان پایه قضایی **دادگاه کیفری تهران** است.
- ✓ قضاط دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت مصنونیت دارند، اما به تخلفات انتظامی آنان مطابق آین نامه دادسراهای و دادگاه‌های ویژه روحانیت رسیدگی می‌شود.
- ✓ مصنونیت قضایی نسبت به همه قضاط لحاظ می‌شود؛ قضاط مستثنی از مصنونیت قضایی:
  ۱. قضاط شاغل در سازمان تعزیرات حکومتی در باب قاچاق کالا و ارز
  ۲. کارآموزان قضایی

**مصنونیت پارلمانی:** نمایندگان مجلس از یک مصنونیت نسبی بهره‌مند هستند، چون نماینده مردم و حوزه انتخابی هستند باید در مجلس به سهولت اظهارات خود را اعلام نمایند. در صورت وجود ۲ شرط ذیل مصنونیت پارلمانی محقق می‌شود:

۱. اظهارات نماینده و اعلان موافقت یا مخالفت در خصوص مصوبات مجلس باشد.
۲. اظهار عقیده نماینده در صحنه علنی مجلس باشد.

به این مصنونیت در تعقیب کیفری، غیرقابل تعرض بودن گفته می‌شود که تعقیب کیفری نماینده مجلس منوط به اجازه قبلی مجلسی باشد که نماینده مجبور عضو آن است.

- ✓ در صورتی که نماینده‌ای در اظهارات علني خود، مرتکب جرم توهین یا افتراء شود؛ از مصنونیت پارلمانی برخوردار نیست.
- ✓ قانون در صورت ارتکاب جرم از سوی نماینده مجلس، خارج از ایفا وظایف نمایندگی مصنونیتی برای آنان قائل نشده است، که در این حالت آنان قابل تعقیب هستند؛ مانند اینکه نماینده‌ای مرتکب کلاهبرداری شود.

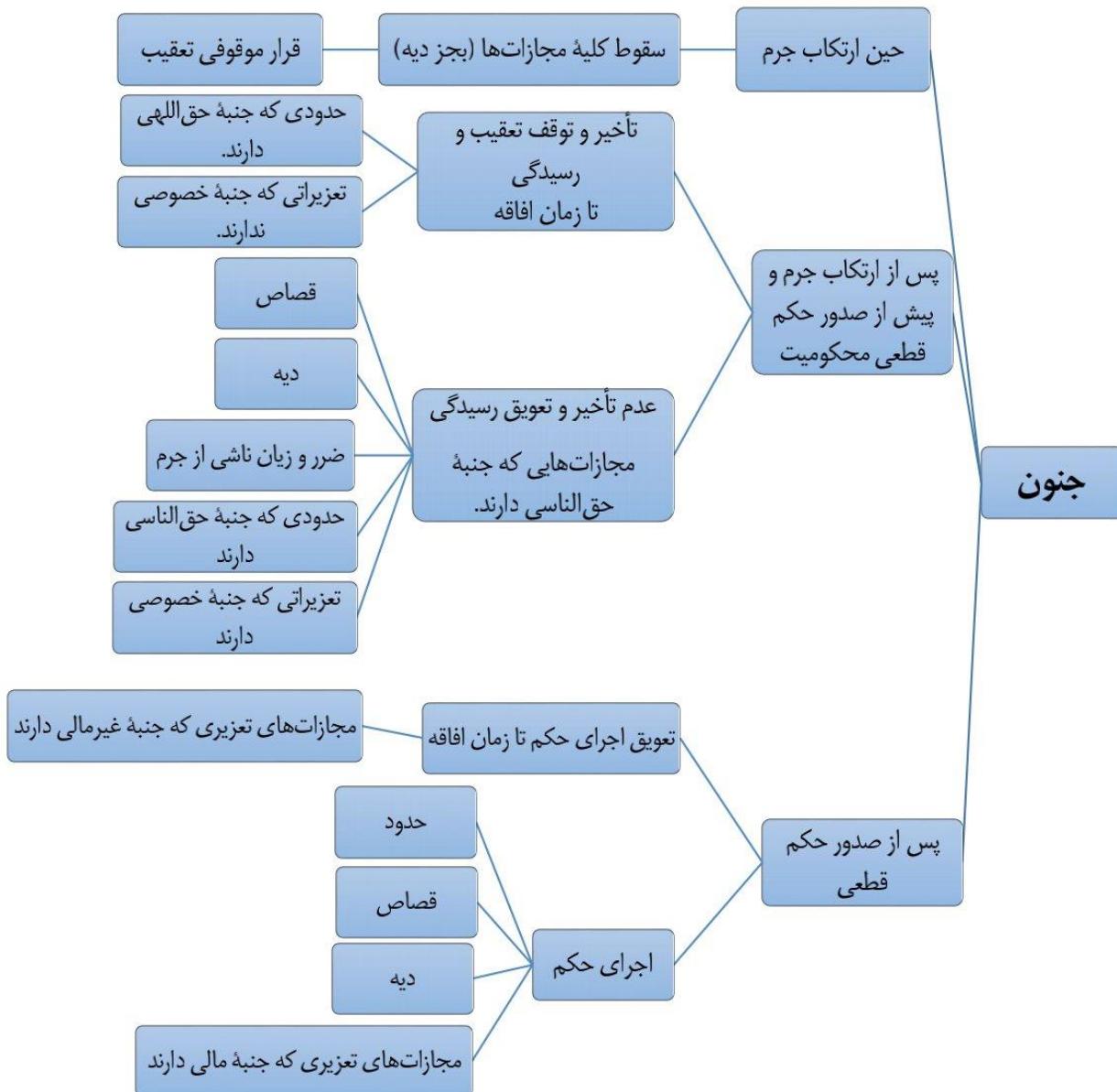
**مصنونیت سیاسی:** تعرض ناپذیری نمایندگان سیاسی یک کشور به واسطه ارتکاب جرم در کشور دیگر. به موجب این نوع مصنونیت در صورت ارتکاب جرم از سوی نماینده یا نمایندگان سیاسی یک کشور در کشوری دیگر، مقامات ذی صلاح کشور محل وقوع جرم حق تعقیب و دستگیری نماینده مذکور را ندارند.

- ✓ کنوانسیون وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ به مصنونیت مأموران سیاسی، محل اقامات آنان نوع مصنونیت آن‌ها و مصنونیت بستگان مأموران سیاسی و کارمندان اداری و فتی و خدمه اشاره دارد.

- ✓ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی مورخ ۱۹۶۳ به مصونیت شخصی مأموران کنسولی، اعلام موارد توقيف و بازداشت و تعقیب کارکنان کنسولی و مصونیت قضایی آنان اشاره دارد.
- ✓ کنوانسیون مزايا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص مورخ ۱۹۶۹ به مصونیت شخصی نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و شخص کارمند سیاسی، مصونیت اقامتگاه، مصونیت قضایی آنان، مصونیت کارمندان اداری و فنی و خدمه اشاره دارد.
- ✓ **مأمور دیپلماتیک** در کلیه جرائم، اعم از مهم و غیر مهم و اعم از اینکه جرم مرتبط با وظایف او یا بی ارتباط با آن باشد، از مصونیت برخوردار است و نمی‌توان او را تحت تعقیب جزائی قرار داد و یا توقيف و بازداشت نمود.
- ✓ مصونیت سیاسی علاوه بر ریس و کارکنان سیاسی هیأت دیپلماتیک، شامل بستگان مأمور سیاسی که اهل خانه او هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشند، نیز می‌شود.
- ✓ **کارمندان اداری و فنی** مأموریت و بستگان آن‌ها که اهل خانه آن‌ها هستند، مشروط بر اینکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند از مصونیت برخوردارند.
- ✓ خدمه مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن نباشند، نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظایف دارای مصونیت سیاسی هستند.
- ✓ مأمور سیاسی در هنگام عزیمت به محل مأموریت یا بازگشت از آن، چنانچه از کشور ثالثی عبور کند، در محل اخیر نیز از مصونیت برخوردار است.
- ✓ مصونیت سیاسی حتی در صورت وجود منازعه مسلحانه میان دولت فرستنده و دولت پذیرنده برقرار است و تا زمانی که شخص در مأموریت به سر برداشته باشد.
- ✓ با خاتمه یافتن دوره مأموریت این مصونیت از زمان ترک کشور محل خدمت یا پس از انقضای مهلت مناسبی که برای ترک محل خدمت به مأمور داده می‌شود، پایان می‌یابد. پس از ترک محل مأموریت یا انقضای مدتی که برای این کار لازم بوده است، مأمور دیپلماتیک دیگر مصونیت نداشته و در برابر ارتکاب جرم قابل تعقیب است. البته وی نسبت به آن دسته از اعمالی که در اجرای وظایف خود به عنوان مأموریت انجام داده دارای مصونیت بوده و قابل تعقیب نمی‌باشد ولی نسبت به سایر اعمال، امکان تعقیب کیفری او وجود دارد.
- ✓ **مأموران کنسولی** فقط در مورد اعمالی که در مقام انجام وظایف کنسولی مرتکب شوند دارای مصونیت هستند و در جرائم مهم که کنوانسیون از آن‌ها به عنوان جنایات بزرگ یاد می‌کند می‌توان مأمور کنسولی را توقيف یا در انتظار محکمه بازداشت نمود.

**جنون:** در حقوق کیفری جنون دائمی و جنون موقت (ادواری) و تشخیص آن‌ها از اهمیت برخوردار است تا مشخص شود که مرتكب در حین زمان وقوع جرم دارای سلامت عقلانی بوده است یا خیر؛ با این وجود مرجع تشخیص جنون، پژوهش قانونی است و نظر هیچ مرجع دیگری برای مقام قضایی منشأ تصمیم قانونی نخواهد بود.

در مواردی که پرونده در دادسرا منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب شود ولی لزوم به تعیین تکلیف برای پرداخت دیه باشد، پرونده به



**دستور دادستان** «نه کیفرخواست» جهت صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

**موانع دائمی تعقیب:** در برخی موارد دیگر موانع به صورت دائم تعقیب را متوقف می‌سازند، مانند: گذشت شاکی خصوصی در جرائم قابل گذشت، فوت متهم و عفو و دیگر موارد.

**ماده ۱۳ ق.آ.د.ک:** «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف - فوت متهم یا محاکوم<sup>ُ</sup> علیه

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج - اعتبار امر مختوم»

**نکته:** سقوط دعوای عمومی منجر به سقوط دعوای خصوصی نمی‌شود.

### فوت متهم یا محاکوم<sup>ُ</sup> علیه

در صورتی که جرم وقوع یافته مشمول مجازات حد و تعزیر باشد و متهم پس از شروع به تعقیب فوت شود، تعقیب متوقف خواهد شد و اگر جرم وقوع یافته مشمول مجازات قصاص و دیه باشد (با لحاظ منطق و مفهوم ماده ۴۳۵ ق.م.) و پس از شروع به تعقیب، متهم فوت شود، تعقیب متوقف می‌شود؛ پرونده با این قرار در دادسرا مختومه می‌شود و پل ارتباطی دادسرا با دادگاه قطع می‌شود، چون قرار موقوفی تعقیب زمینه صدور کیفرخواست را به وجود نمی‌آورد؛ اما طبق ماده ۸۵ ق.آ.د.ک و تبصره ۱ آن، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

✓ اگر مجازات از نوع جزای نقدی باشد، با فوت متهم ساقط می‌شود.

✓ مصادره اموال با فوت متهم نیز اجرا می‌شود.

✓ فوت شاکی یا مدعی خصوصی از موانع تعقیب نخواهد بود.

### گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است و قابل گذشت بودن یک جرم امری استثنای و نیازمند تصریح است.

گذشت نوعی استیفای حق است؛ شاکی خصوصی در اعلام گذشت باید دارای اهلیت قانونی باشد؛ بنابراین گذشت صغیر، مجنون و محجور فاقد اثر قانونی است.

ماده ۱۲ ق.آ.د.ک: «تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.»

تبصره ماده ۱۰۲ ق.م.: «حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.»

گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد.

عدول از گذشت مسموع نیست.

چنانچه قیم اتفاقی بخواهد از طرف مولی علیه خود اعلام گذشت نماید، این امر باید به **تأیید دادستان** برسد.

**حالات گذشت شاکی:**

۱. گذشت در جرائمی که مطلقاً مؤثر است: قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
۲. گذشت در جرائمی که مطلقاً مؤثر نیست: گذشت بلاثر است.
۳. گذشت در جرائمی که نسبتاً مؤثر است: از موجبات تخفیف است.

#### اقسام گذشت: «ماده ۱۰۱ ق.م.ا.»

گذشت مطلق: در این نوع گذشت شخص شاکی هیچ شرط یا تقاضایی ندارد.

گذشت مقید: اثر گذشت زمانی متصور است که شرط یا قید تعلیقی حاصل شود، مانند اینکه شاکی بگوید، از متهم گذشت می‌کنم در صورتی که حق الوکاله وکیل را پیردادز.

#### تعدد متضررین از جرم: «ماده ۱۰۲ ق.م.ا.»

۱. تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود.
۲. موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موكول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند.

✓ برای تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت نظام دادرسی کیفری ما<sup>۲</sup> رویه را تجربه نموده است:

۱. ضابطه قانونی: تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت با قانون گذار است.
۲. ضابطه قضایی: تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت با قاضی است.

✓ اما به موجب تبصره ماده ۱۲ ق.آ.د.ک که بیان می‌دارد: «تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است.» پس طبق این تبصره ضابطه قانونی برای تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت پذیرفته شده است؛ چون ضابطه قضایی بسته به نظر قضاط منغیر و متفاوت بود.

✓ تفکیک جرائم قابل گذشت از غیرقابل گذشت باعث می‌شود که در جرائم قابل گذشت یا حق‌الناسی فقط شاکی دعوا را آغاز کند، ادامه دهد با اراده خود مختومه کند؛ اما در جرائم غیرقابل گذشت یا حق‌اللهی این اختیار در بد شاکی نیست، چون دادستان مقام تعقیب است و جرم هم غیرقابل گذشت می‌باشد.

✓ گذشت یک کاربرد عملی هم دارد آن هم به تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت بازمی‌گردد، به عبارتی دیگر؛ فایده عملی شناخت جرائم قابل گذشت به شرح ذیل است:

۱. در جرائم قابل گذشت به موجب گذشت شاکی، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. «م ۱۳ ق.آ.د.ک»
  ۲. در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. «م ۷۹ ق.آ.د.ک»
  ۳. در جرائم قابل گذشت تحقیق از شاکی و متهم در دادسرا حتی الامکان به صورت ترافعی رسیدگی می‌شود. «م ۱۹۲ ق.آ.د.ک»
  ۴. در جرائم قابل گذشت طرفین یا شاکی، می‌توانند غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. «م ۳۵۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ جرائم قابل گذشت مانند: توهین، افتراء، هجو، سقط‌جنین، ترک اتفاق و ... .
- ✓ جرائم قابل گذشت موجبات ۲ قرار را فراهم می‌کند:
- ۱ - قرار موقوفی به موجب ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ۲ - قرار ترک تعقیب به موجب ماده ۷۹ ق.آ.د.ک
- قاضی در مواجه با گذشت در جرم قابل گذشت چه تصمیم اتخاذ می‌کند؟
- برای قرار موقوفی تعقیب شخص شاکی باید به صورت صریح و مکتوب اعلام گذشت کند، اما برای قرار ترک تعقیب شخص شاکی باید درخواست خود را به شعبه تسليم کند.

نقاوت بین قرار موقوفی تعقیب با قرار ترک تعقیب آن است که در موقوفی تعقیب گذشت شاکی پرونده را مختومه می‌کند اما در ترک تعقیب پرونده تا یک سال مفتوح است و شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یکبار تا یکسال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

## شمول عفو

گذشتی است که از سوی مقام رسمی صورت می‌گیرد و باعث موقوف گردیدن تعقیب و یا اجرای مجازات خواهد شد.

نقاوت عفو و گذشت:

۱. عفو از جانب حکومت إعمال می‌شود، لیکن گذشت از طرف شاکی امکان‌پذیر است.
۲. گذشت از جانب شاکی در جرائم قابل گذشت منتهی به توقف تعقیب می‌شود، اما عفو غالباً در جرائم دارای جنبه عمومی إعمال می‌شود.

## أنواع عفو:

۱. **عفو عمومی:** «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.»

- ✓ عفو عمومی صرفاً در جرائم موجب تعزیر اعطای می‌شود و در مجازات‌های حد، قصاص و دیه قابل إعمال نیست.
- ✓ عفو عمومی بر شرکاء و معاونین جرم نیز تسربی پیدا می‌کند.
- ✓ عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند.
- ✓ در عفو عمومی در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار مجازات‌های تبعی و تكمیلی محکومیت نیز زائل می‌شود.
- ✓ عفو عمومی هم مجازات و هم اثر آن را هم از بین می‌برد ولی تاثیری در پرداخت دیه ندارد.
- ✓ در عفو عمومی امکان مطالبه خسارت مدعی خصوصی وجود دارد.

۲. **عفو خصوصی:** «عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد ریس قوه قضائیه با مقام رهبری است.»

- ✓ عفو خصوصی بر شرکاء و معاونین جرم نسز تسربی پیدا نمی‌کند.
- ✓ عفو خصوصی فقط بعد از صدور حکم می‌تواند تأثیرگذار باشد، به عبارتی فقط در حق **محکومان** تأثیر دارد.
- ✓ عفو خصوصی فقط اجرای مجازات **اصلی** را متوقف می‌کند، مجازات‌های تبعی را متوقف نمی‌کند مگر اینکه تصريح شده باشد.
- ✓ در عفو خصوصی امکان مطالبه خسارت مدعی خصوصی وجود دارد.

## عفو خصوصی به ۲ روش ذیل اعطاء می‌شود:

۱. اعطاء عفو بر اساس میزان محکومیت: در این روش شخص خاصی مدنظر قرار نمی‌گیرد، بلکه جرم و میزان محکومیت ملاک شمول عفو است. البته این نوع إعمال عفو دارای شرایط خاصی است که تعیین آن بر عهده ریس قوه قضائیه است تا پس از تأیید آن توسط مقام رهبری، اعمال شود.

۲. عفو موردی و خاص: در این روش پرونده هر یک از محکومین، در صورت دارا بودن برخی شرایط و معمولاً به تقاضای محکوم علیه یا خانواده او، در کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات مطرح می‌گردد، پس از اینکه کمیسیون مذکور محکوم علیه را مستحق عفو دانست به ریس قوه قضائیه جهت پیشنهاد به مقام رهبری معرفی می‌کند.

## نسخ مجازات قانونی

نسخ قانون عبارت است اسقاط یک قانون به وسیله قانون دیگر.

- ✓ نسخ مجازات قبل از تعقیب: پرونده بایگانی می شود.
- ✓ نسخ مجازات حین تعقیب: قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.
- ✓ نسخ مجازات بعد از حکم: حکم اجراء نمی شود.
- ✓ به موجب قانونی در آینده مجازاً قانونی رفتاری نسخ گردد، قانون مذکور در این قسمت عطف بمسابق می گردد.
- ✓ نسخ قانون به ۲ صورت صریح و ضمنی می باشد.

## شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون

سپری شدن مدتی خاص و معین به موجب قانون از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تعقیبی یا اطلاع شاکی از وقوع جرم (در جرائم تعزیری قابل گذشت) و یا قطعیت حکم که پس از آن تعقیب جرائم و اجرای احکام قطعی میسر نباشد.

### أنواع مرور زمان:

۱. **مرور زمان شکایت:** یعنی سپری شدن مدت زمانی خاص (به موجب قانون) از تاریخ اطلاع شاکی از جرم و عدم شکایت وی در مراجع قانونی.

ماده ۱۰۶ ق.م.: «در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت **یک سال** از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیل خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ **رفع مانع محاسبه** می شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیل بر صرفنظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت **شش ماه** از تاریخ وفات حق شکایت دارد.»

✓ به موجب این ماده مرور زمان شکایت یک سال از تاریخ اطلاع شاکی از وقوع جرم تعزیری قابل گذشت می باشد و اگر ظرف مهلت یک ساله شکایت خود را مطرح ننماید، حق طرح شکایت در خصوص آن جرم از وی سلب خواهد شد.

✓ در مرور زمان شکایت، درجه ملاک نیست، یعنی اگر جرم درجه ۷ یا جرم توهین درجه ۶ یا جرم تهدید درجه ۵ باشد همچنان یک سال لحظه می شود.

✓ یک سال قابل تمدید نیست مگر اینکه:

- شاکی فوت کند.
- شاکی در سلطه متهم باشد.
- شاکی به دلیل خارج از اختیار قادر به شکایت نباشد.

✓ در صورت فوت شاکی در طی زمان یک سال که حق شکایت دارد، چون امری غیرقابل پیش بینی است؛ ورثه ۶ ماه معادل ۱۸۰ روز حق طرح شکایت دارند. ۶ ماه در نظر گرفته شده از تاریخ فوت محاسبه شده، هر چند فوت در روز تعطیل باشد. مدت ۶ ماه به کل ورثه برای طرح شکایت اعطا می شود.

۲. **مرور زمان تعقیب:** یعنی سپری شدن مدت زمانی خاص (به موجب قانون) از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی که پس از آن، اقدام به تعقیب ممکن نباشد.

ماده ۱۰۵ ق.م.: مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعده زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعده به صدور حکم قطعی متنه نگردیده باشد: (طبق جدول زیر)

✓ بسته به درجه تعزیر مدت مرور زمان تعقیب متغیر است، بدین صورت که هرچه درجه شدیدتر باشد، مرور زمان آن بیشتر است. بیشترین مدت مرور زمان تعقیب ۱۵ سال و کمترین مدت مرور زمان تعقیب ۳ سال است.

- ✓ مرور زمان تعقیب از تاریخ وقوع جرم محاسبه می‌شود.
  - ✓ در مرور زمان تعقیب فرقی بین جرائم قابل گذشت و جرائم غیرقابل گذشت نیست.
  - ✓ مرور زمان تعقیب زمانی محقق می‌شود که در مدت زمان مشخص شده طبق ماده ۱۰۵ ق.م.ا و با لحاظ درجه هیچ اقدام تعقیبی یا تحقیقی صورت نگیرد.
  - ✓ با حصول مرور زمان تعقیب، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
۳. **مرور زمان مجازات:** به معنی سپری شدن مدتی خاص و معین به موجب قانون از تاریخ **قطعیت حکم** است که از پس از آن اجرای حکم قطعی میسر نیست. برخی اوقات اتفاق می‌افتد که حکم قطعی از سوی مرجع قضایی صالح صادر گردیده است لیکن پس از آن اقدام خاصی بر روی پرونده صورت نگرفته است که در این حالت اگر مرور زمان مُصرّح در قانون سپری شود، پرونده آماده صدور قرار موقوفی اجرا به واسطه مرور زمان خواهد بود. ماده ۱۰۷ ق.م.ا: مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است: (طبق جدول زیر)
- ✓ بسته به درجه تعزیر مدت مرور زمان تعقیب متغیر است، بدین صورت که هرچه درجه شدیدتر باشد، مرور زمان آن بیشتر است. بیشترین مدت مرور زمان تعقیب ۲۰ سال و کمترین مدت مرور زمان تعقیب ۵ سال است.
  - ✓ مرور زمان اجرا خود بیانگر این است که حکم محکومیت صادر شده باشد؛ اما ملاک در ماده ۱۰۷ ق.م.ا حکمی است به قطعیت رسیده است.
  - ✓ قطعیت می‌تواند از همان دادگاه بدؤی صورت بگیرد، یا از دادگاه تجدیدنظر یا اینکه محکوم علیه حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط نماید.
  - ✓ با حصول مرور زمان مجازات (اجرا)، قرار موقوفی اجرا صادر می‌شود.

مرور زمان تعقیب «متهم»	درجه	مرور زمان مجازات « مجرم»
ماده ۱۰۵ ق.م.ا	۱-۲-۳	ماده ۱۰۷ ق.م.ا
انقضای ۱۵ سال	۴	انقضای ۲۰ سال
انقضای ۱۰ سال	۵	انقضای ۱۵ سال
انقضای ۷ سال	۶	انقضای ۱۰ سال
انقضای ۵ سال	۷-۸	انقضای ۷ سال
انقضای ۳ سال		انقضای ۵ سال

### شرایط مرور زمان

۱. جرائم موجب تعزیر: مرور زمان کیفری **صرفاً** در جرائم موجب تعزیر پذیرفته شده است و در جرائم موجب حد، قصاص و دیه، مرور زمان جاری نیست.

۲. انقضاء مواعده مصرحه در مواد ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷ ق.م: از دیگر شرایط لازم در خصوص اعمال مرور زمان انقضاء مواعده تعیین شده در مواد قانونی فوق به تناسب مرور زمان تعقیب، شکایت و اجرای حکم است؛ به عبارت دیگر اگر مواعده مذکور منقضی نگردد اجرای مرور زمان متنفی خواهد شد.

۳. عدم شمول مرور زمان در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر و جرائم اقتصادی: ماده ۱۰۹ ق.م: «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ب - جرائم اقتصادی شامل کالاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده پ - جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر»

نکته مهم: مرور زمان یک قاعدة آمره می‌باشد و عملکرد آن موضوعی است، نه شخصی؛ پس اگر مرور زمان حاصل شود به صورت موضوعی همه اشخاص از این عنوان بهره‌مند می‌شوند؛ مانند شریک، مباشر یا معاون، نسبت به همه اجرا می‌شود.

نکته مهم: اگر جرمی ماهیتاً تعزیراتی باشد و قابل‌گذشت نیز باشد، یک سال از تاریخ اطلاع را زمانی محاسبه می‌کنیم که مرور زمان تعقیب حاکم به موضوع نباشد.

### توبه متهmm در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ماده ۱۱۷ ق.م: «در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احرار گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب ظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداقل مجازات تعزیری محکوم می‌شود.»

- ✓ قصاص دادسرا نقشی در إعمال توبه ندارند.
- ✓ در صورت اثبات ظاهر مرتکب به توبه در مجازات تعزیری، سقوط مجازات و تخفیفات لغو و مرتکب به حداقل مجازات تعزیری محکوم می‌شود.
- ✓ توبه در قذف و دیات جایگاهی ندارد و چون قذف طبق ماده ۲۵۵ ق.م.ا قابل‌گذشت می‌باشد، تمام اختیارات آن با شاکی یعنی مقدوّف می‌باشد.
- ✓ دیه همانند قصاص به اختیار ولی‌دَم یا مَجْنُونَ عَلَيْهِ است.

### جرائم موضوع توبه: «مواد ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۶ ق.م.ا»

با توجه به این مواد توبه در حدود زنا، لواط، تقخید، مساحقه، قوادی، سبّ النبی، شرب خمر، سرقت، بغی، إفساد فی الارض و تعزیری درجهٔ شش، هفت و هشت پذیرفته شده است. البته در حد محاربه نیز اگر محارب قبل از دستگیری یا تسلیط بر او توبه کند، حد ساقط خواهد شد.

توبه در جرائم موجب دیه، قصاص، حد قذف و محاربه و تعزیری درجهٔ یک تا پنج و تعزیرات منصوص شرعی پذیرفته نشده است.

### شرایط توبه قانونی

۱. ابراز ندامت مجرم و احرار اصلاح‌شدن او نزد قاضی: صرف اینکه مجرم به ظاهر (زبانی) توبه نماید، کافی برای إعمال نمودن آثار توبه نیست. بلکه ابراز ندامت و اصلاح او باید برای مقام قضایی صالح محرز شود.  
«متهم... توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود» ماده ۱۱۴ ق.م.ا  
«چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود.» ماده ۱۱۵ ق.م.ا  
«توبه، اصلاح و ندامت وی باید احرار گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود.» ماده ۱۱۷ ق.م.ا

۲. توبه مجرم در صورتی سبب سقوط مجازات خواهد شد که **قبل از اثبات جرم** صورت پذیرد.  
 «... هرگاه متهم **قبل از اثبات جرم**, توبه کند ...» ماده ۱۱۴ ق.م.
۳. عدم تکرار جرائم تعزیری: از شرایط پذیرش توبه مجرم، عدم تکرار جرم می‌باشد.  
 «مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آن‌ها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.» تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.

## آثار توبه

آثار توبه مرتكب گاهی به صورت سقوط مجازات و برخی مواقع تخفیف مجازات قانونی و در مواردی نیز به صورت تقاضای عفو از مقام رهبری می‌باشد.

## توبه در انواع مجازات‌ها

۱. قصاص: توبه پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۱۶ ق.م.
  ۲. دیات: توبه پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۱۶ ق.م.
  ۳. حدود: به غیر از قذف و محاربه (که آن‌هم نسبی است) توبه پذیرفته می‌شود. ماده ۱۱۴ ق.م.
  ۴. در تعزیرات: ماده ۱۱۵ ق.م.
- ✓ درجهات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵: دادگاه می‌تواند **تحفیف** دهد.
- ✓ درجهات ۶، ۷، ۸: سقوط مجازات
- ✓ مجازات حدود در صورتی ساقط می‌شود که توبه **قبل از اثبات جرم** صورت بگیرد. توبه مرتكب در جرائم حدی به جز «قذف» پس از اثبات جرم نیز مؤثر است به شرط اینکه با اقرار متهم ثابت شده باشد؛ که در این صورت برای سقوط مجازات، عفو وی توسط مقام رهبری به درخواست دادگاه از طریق ریس قوه قضائیه صورت می‌گیرد.

## اعتبار امر مختوم

با اتمام رسیدگی به شکایت شاکی در مرجع قضائی و صدور تصمیم نهایی و قطعی در این خصوص، امکان رسیدگی مجدد به همان شکایت و شاکی و متهم همان پرونده وجود نخواهد داشت. به عنوان مثال اگر (الف) علیه (ب) شکایت سرقت را مطرح کند و مرجع قضائی در خصوص جرم سرقت تصمیم نهایی و قطعی اتخاذ کند، رسیدگی به شکایت مجدد (الف) علیه (ب) به همان جرم سرقت امکان‌پذیر نیست.

- ✓ اعتبار امر مختوم یعنی تصمیم نهایی مرجع قضائی کیفری از چنان اعتباری برخوردار است که هیچ‌گونه شکایت مجددی (با شرط وحدت اصحاب دعوا، وحدت موضوع دعوا و وحدت سبب دعوا) به آن خدشهای وارد نخواهد آورد.
- ✓ اعتبار امر مختوم بر اساس قاعدة صحت احکام و جاهت قانونی خود را کسب می‌کند.
- ✓ اعتبار امر مختوم یک قاعدة آمره است و قضات باید به آن استناد کنند.
- ✓ در صورتی که شکایت اول از سوی اصلی باشد و شکایت دوم از سوی وکیل باز هم اصحاب دعوا واحد تلقی می‌شوند.

اعتبار امر مختوم بر اساس نوع تصمیم قضاؤت شده به شرح ذیل تعریف می‌شود:

۱. احکام: حکم تصمیمی است که از سوی دادگاه صالح صادر می‌شود از نظر ماهیتی به ۲ شکل می‌باشد، احکام بلاشک اعتبار امر مختومه دارند.
- ✓ حکم برائت
- ✓ حکم محکومیت

استثنائاً به موجب ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک، زمانی که حکم محکومیت به صورت قطعیت یافته قرار گرفته و شخص محکوم با ارائه ادله قابل قبول تقاضای اعادة دادرسی داشته باشد، به اعتبار امر مختوم توجیه نمی‌شود.

## ۲. قرارها: به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ✓ قرارهای عددی «تمهیدی - ابتدایی»: از جمله قرارهایی هستند که پرونده را آماده و مهیا برای اتخاذ یک تصمیم نهایی می‌کنند؛ مانند قرار کارشناسی، معاینه محل، احضار و جلب شهود، نظارت قضایی، نیابت و... این قرارها چون برای آماده‌ساختن پرونده به کار می‌روند و درجهت کشف حقیقت استفاده می‌شوند اعتبار امر مختوم ندارند.
- ✓ قرارهای نهایی: به موجب ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک و مواد بعد از آن در خاتمه تحقیقات به کار گرفته می‌شوند این قرارها مسؤولیت بازپرس را خاتمه می‌دهند و شامل: قرار منع تعقیب، قرار جلب دادرسی، قرار موقوفی، قرار عدم صلاحیت. قرارهای نهایی چون قاعدة فراغ دادرس را حاصل می‌کند، از اعتبار امر مختوم برخوردار است.

نقض قرار منع تعقیب برای یک بار: ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک: «هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتکابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.»

## ویژگی‌های اعتبار امر مختوم

۱. لزوم صدور تصمیم نهایی قطعی از سوی مرجع کیفری می‌باشد، به عبارت دیگر دادگاه کیفری در خصوص شکایت مطروحه حکم قطعی بر محکومیت یا براثت صادر کند. قطعیت تصمیم قضایی سابق، شرط اولیه منع رسیدگی حاضر است. حکم یا قرار قطعی نیز رأی است که یا قانوناً در هنگام صدور، قطعی و غیر قابل اعتراض باشد و یا مدت اعتراض به آن پیموده شده و قطعیت یافته باشد.
۲. اعتبار امر مختوم کیفری محدود به زمان خاصی نیست، به عبارت دیگر، مقام قضایی رسیدگی کننده در هر زمان و مرحله متوجه وجود شرایط اعتبار امر مختوم کیفری گردد، ادامه رسیدگی را متوقف می‌نماید.
۳. عدم لزوم ایراد از سوی مشتكی‌ عنه یا متهم، به عبارت دیگر مقام قضایی رسیدگی کننده موظف به توقف تعقیب و تحقیقات است.

## شرایط اعتبار امر مختوم کیفری

وحدت اصحاب دعوا: اولین شرط این است که شاکی و مشتكی‌ عنه شکایت فعلی، همان شاکی و مشتكی‌ عنه پرونده سابق باشند؛ یعنی شاکی و مشتكی‌ عنه هر دو پرونده واحد باشند.

وحدت موضوع: یعنی عنوان مجرمانه‌ای که شاکی به واسطه آن از مرتکب قبل‌شکایت کرده است، همان عنوان مجرمانه‌ای باشد که مجدداً طرح شکایت کرده است.

وحدت سبب: سبب شکایت کیفری اعادة منافع تقویت شده اجتماع به واسطه نقض نظام عمومی از طریق إعمال کیفر یا اقدامات تأمینی و تربیتی بر مجرم است. صدور حکم از سوی مراجعی که در خصوص جنبه عمومی جرم اتخاذ تصمیم ننموده‌اند از قبیل مراجع انضباطی یا اداری، مانع طرح شکایت کیفری علیه مشتكی‌ عنه نیست.

## جایگزین‌های تعقیب «مواد ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۲ ق.آ.د.ک»

### قرار ترک تعقیب: «در جرائم قابل گذشت مطابق ماده ۷۹ ق.آ.د.ک»

در صورتی که جرم قابل گذشت باشد، شاکی گذشت کند قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و پرونده مختصه می‌شود؛ اما طبق ماده ۷۹ ق.آ.د.ک شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

- ✓ ترک تعقیب مختص جرائم قابل گذشت مانند: توهین، افتراء یا هجو می‌باشد.
- ✓ طبق قانون مجازات اسلامی، جرائم قابل گذشت جرایمی است که آغاز، ادامه، اختتام و اجرای آن به نظر شاکی بستگی دارد.
- ✓ ترک تعقیب از ناحیه شاکی صورت می‌گیرد.
- ✓ در صورت درخواست قرار ترک تعقیب، شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را تا یک سال درخواست کند.
- ✓ شاکی برای تعقیب مجدد نیاز به هزینه و بار اثباتی ندارد.
- ✓ در قرار موقوفی تعقیب گذشت شاکی اعلام می‌شود، اما در قرار ترک تعقیب شاکی باید درخواست ترک تعقیب بدهد.
- ✓ قرار ترک تعقیب چون به درخواست شاکی است قابل اعتراض نیست و قطعی است، به همین جهت ابلاغ نمی‌شود.
- ✓ قرار ترک تعقیب با قرار موقوفی تعقیب قابل جمع می‌باشد؛ یعنی در صورتی که پس از درخواست شاکی و صدور قرار ترک تعقیب پرونده باز باشد و شاکی گذشت کند، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و قرار ترک تعقیب از بین می‌رود.
- ✓ مقام دادستان در صدور قرار ترک تعقیب مکلف است، چون این قرار حق شاکی است.
- ✓ نسبت به جرم قابل گذشت واحد نمی‌توان ۲ مرتبه قرار ترک تعقیب را مطالبه نمود، چون قرار ترک تعقیب از زمان صدور فقط یک مرتبه جریان می‌باید، پس به عبارتی ترک تعقیب در ترک تعقیب جائز نیست.
- ✓ زمانی که قرار ترک تعقیب صادر می‌شود، الزاماً به معنای جلب به دادرسی یا محکومیت نیست شاید پس از تعقیب مجدد ادله‌ای مبنی بر بی‌گناهی متهم یافت شود، پس بهتر است بگوییم با درخواست تعقیب مجدد شخص شاکی در مدت یک سال مقام قضایی تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.
- ✓ در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود نیز امکان صدور قرار ترک تعقیب وجود دارد و دلیلی بر سلب حق تقاضای صدور این قرار از شاکی به نظر نمی‌رسد.

شخص شاکی در جرائم قابل گذشت می‌تواند:

۱. گذشت کند: صدور قرار موقوفی تعقیب.
۲. درخواست ترک تعقیب کند: صدور قرار ترک تعقیب.
۳. درخواست ادامه دادرسی داشته باشد: جریان پرونده ادامه پیدا می‌کند.

### قرار بایگانی پرونده: «در جرائم غیر قابل گذشت تعزیری درجه ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۰ ق.آ.د.ک»

در ماده ۸۰ ق.آ.د.ک ویژگی‌های قرار بایگانی پرونده به شرح ذیل قید شده است:

- ✓ قرار بایگانی پرونده مختص درجات ۷ و ۸ می‌باشد، چون درجات ۷ و ۸ ارجاع مستقیم می‌شود، پس مقام صادرکننده آن دادرس دادگاه است.
- ✓ از قید «چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد» معلوم می‌شود که صدور این قرار فقط در جرائم غیرقابل گذشت امکان‌پذیر است، زیرا در جرائم قابل گذشت، اگر پرونده شاکی نداشته باشد، به جریان نمی‌افتد و اگر شاکی گذشت کرده باشد پرونده با صدور قرار موقوفی تعقیب، مختصه خواهد شد.

- ✓ قرار بایگانی پرونده از اختیارات مقام قضایی است، یعنی مخیر است که تعقیب را ادامه دهد یا قرار بایگانی پرونده صادر کند.
- ✓ برای صدور قرار بایگانی پرونده متهم نباید سابقه کیفری مؤثر داشته باشد. منظور از «محکومیت کیفری مؤثر کیفری» محکومیتی است که اثر آن محروم نمودن محاکوم علیه از برخی حقوق اجتماعی است. این محکومیت‌ها که مربوط به جرائم عمدى بوده و مجازات تبعی در بی دارند، در ماده ۲۵ ق.م.ا ذکر شده‌اند.
- ✓ ماده ۸۰ ق.آ.د.ک بایگانی را زمانی تجویز می کند که نسبت به مرتكب تفهیم اتهام شده باشد، پس اگر عمل موردنظر جرم نباشد یا ادله برای انتساب جرم موجود نباشد، قرار منع تعقیب اولویت دارد.
- ✓ قرار بایگانی پرونده فقط یک مرتکبه قابل صدور است، اما مقید به مهلت نیست، یعنی در صورت صدور این قرار، پرونده در دادگاه مختومه می‌شود.
- ✓ ماده ۸۰ ق.آ.د.ک اعلام می‌دارد که قرار بایگانی پرونده در مرجع تجدیدنظر قابل اعتراض است و مهلت این اعتراض ۱۰ روز است.
- ✓ از آنجا که صدور این قرار به سود متهم و موجب خروج پرونده از فرایند کیفری است، از سوی او قابل اعتراض نیست، اما توسط دادستان (مثالاً به لحاظ وجود سابقه محکومیت مؤثر کیفری) یا شاکی (مثالاً به لحاظ تأکید بر عدم گذشت و بقاء بر شکایت خود) قابل اعتراض است. (در مورد امکان اعتراض به این قرار توسط شاکی به قسمت اخیر ماده ۴۴۷ ق.آ.د.ک رجوع کنید.)

### قرار تعليق تعقيب «در جرائم تعزييري درجه ۶، ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۱ ق.آ.د.ک»

تعليق تعقيب به معنای تعليق اجرا نیست، زيرا تعليق اجرا در درجات ۳ الی ۸ زمانی که حکم محکومیت صادر شده باشد و مقام قضایی نظر به اجرا ندارد إعمال می‌شود. (ماده ۶۴ ق.م.ا) اما تعليق تعقيب که يك جايگرين تعقيب است در خصوص شخص متهم إعمال می‌شود.

- ✓ قرار تعليق تعقيب مختص درجات ۶، ۷ و ۸ است.
- ✓ قرار تعليق تعقيب با توجه به درجه، در «درجة ۶» صدور آن با **دادستان** و در «درجات ۷ و ۸» صدور آن با **دادگاه** است.
- ✓ قرار تعليق تعقيب زمانی صورت می‌گيرد که شاکی وجود ندارد یا اعلام گذشت نموده است.
- ✓ در صدر ماده ۸۱ ق.آ.د.ک بيان شده است که درجات ۶، ۷ و ۸ مشروط به اينک مجازات آن قابل تعليق باشد قرار تعليق تعقيب صادر می‌شود. جريامي که مجازات آن‌ها قابل تعليق نیست در ماده ۴۷ ق.م.ا ذکر شده است. تعليق اجرا درجه ۳ الی ۸ است اما تعليق تعقيب درجه ۶ الی ۸ می‌باشد، مشاهده می‌شود که جرائم درجات ۶ الی ۸ در ميان جرائم درجات ۳ الی ۸ قرار دارد؛ اما مراد از ماده ۸۱ آن است که جرمي قابل تعليق تعقيب است که طبق ماده ۴۷ ق.م.ا تعليق اجري آن ممنوع نباشد. برای مثال: تخلية اطلاعاتي جرمي است درجه ۷ از كتاب تعزييرات. به ظاهر تعليق اجرا جائز است، اما طبق ماده ۴۷ ق.م.ا تعليق اجرا اين عنوان مجرمانه را ممنوع اعلام نموده است، پس قابلیت صدور قرار تعليق تعقيب هم ندارد.
- ✓ صدور قرار تعليق تعقيب از اختیارات قضات اعم از دادستان و دادرس است، اما هرکس که نظر به تعليق تعقيب داشته باشد، باید موافقت متهم را كسب کند. برخلاف ماده ۸۰ ق.آ.د.ک که موافقت متهم لازم نیست.
- ✓ مقام قضایی پس از صدور قرار تعليق تعقيب متهم را به انجام برخی دستورات مندرج در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک مكلف می‌کند.
- ✓ برای صدور قرار تعليق تعقيب شخص متهم نباشد سابقه کیفری مؤثر داشته باشد.
- ✓ قرار تعليق تعقيب وابسته به مدت زمان است که در ماده ۸ ق.آ.د.ک اعلام شده است. مدت زمان تعليق تعقيب ۶ ماه الى ۲۴ ماه است (۶ ماه تا ۲ سال) طبیعتاً انتظار می‌رود که در این مدت متهم، مرتكب جرم دیگری نشود؛ در صورت وقوع جرم با رعایت تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک قرار تعليق تعقيب لغو می‌شود.
- ✓ اين قرار به موجب تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک به ۲ صورت لغو می‌شود:

  ۱. متهم، مرتكب جرم شود. اين جرم عبارت است از: حدود، قصاص، تعزيرات درجات ۱ الی ۷

۲. دستورات مقام قضایی را اجرا نکند.
- ✓ اگر شخصی در مدت تعقیب مرتكب جرائم فوق فوق الذکر شود، طبیعتاً جرم ثانویه اثر قهقرایی دارد و قرار تعقیب تعقیب را لغو می کند. در این مورد با توجه به ماده ۱۳۴ ق.م.ا. قواعد کلی **تعدد جرم حاکم** می شود.
- برای مثال: الف مرتكب جرم درجه ۶ شده است، قرار تعقیب تعقیب نسبت به او صادر می شود، در مدت تعقیب تعقیب (۱۰ ماه) مرتكب تعزیر درجه ۳ می شود، در این مورد قاعدة **تعدد حاکم** است.
- الف مرتكب جرم درجه ۶ شده است، قرار تعقیب تعقیب نسبت به او صادر می شود، در مدت تعقیب تعقیب (۱۰ ماه) مرتكب جرم درجه ۷ می شود، در این مورد قاعدة **تجمیع حاکم** است.
- ✓ تعزیر درجه ۸ و دیه در تبصره ماده ۸۱ ق.آ.د.ک لحاظ نشده است. حال اگر شخص متهم، مرتكب جرم درجه ۸ در مدت تعقیب شود، اثر قهقرایی ندارد و به این جرم درجه ۸ به صورت مستقل رسیدگی می شود.
- ✓ در صورتی که شخص دارای سابقه کیفری مؤثر باشد، اما به آن توجه نشده باشد و قرار تعقیب تعقیب صادر شود، به موجب تبصره ۳ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک به محض اطلاع از آن سابقه کیفری مؤثر قرار تعقیب لغو می شود.
- ✓ تبصره ۲ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک صراحتاً اعلام می دارد که مرجع اعتراض به قرار تعقیب دادگاه صالح می باشد، اما مراد از دادگاه صالح آن است که اگر دادسرا قرار را صادر کرده باشد، مرجع اعتراض دادگاه بدیهی صالح حسب مورد دادگاه انقلاب، کیفری ۱ یا کیفری ۲ می باشد، اما در صورتی که قرار تعقیب را دادگاه صادر کرده باشد، مرجع اعتراض دادگاه تجدیدنظر استان است. در هر ۲ صورت مهلت اعتراض ۱ روز است.

#### ارجاع به میانجی گری «در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۲ ق.آ.د.ک»

ارجاع به میانجی گری طبق ماده ۸۲ ق.آ.د.ک مختص جرائم درجات ۶، ۷ و ۸ می باشد، به شرط آنکه این جرائم طبق ماده ۴۷ ق.م.ا. اجرای آن قابل تعقیب باشد؛ در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۲ موضوع مطرح شده است:

۱. اعطای مهلت برای تحصیل گذشت شاکی با جبران خسارت ناشی که مهلت آن حداقل ۲ ماه است.
  ۲. ارجاع به میانجی گری که مهلت آن حداقل ۳ ماه است.
- ✓ مهلت های فوق ۱ مرتبه به همان میزان قابل تمدید است.
- ✓ میانجی گری به موجب ماده ۸۲ ق.آ.د.ک زمانی صورت می گیرد که فی مابین طرفین توافق صورت گیرد، یعنی با درخواست اصحاب دعوا می باشد.
- ✓ برای میانجی گری ماده ۸۲ ق.آ.د.ک از ۳ مقام یا مرجع یاد نموده است:
۱. شورای حل اختلاف
  ۲. شخص
  ۳. مؤسسه
- ✓ در صورتی که در مدت میانجی گری گذشت از سوی شاکی صورت گیرد و جرم قابل گذشت باشد، **قرار موقوفی تعقیب** صادر می شود، اما در صورتی که جرم غیرقابل گذشت باشد و گذشت ضمیمه شود؛ مقام قضایی می تواند مقررات راجع به ماده ۸۱ ق.آ.د.ک یا به عبارتی **قرار تعقیب تعقیب را لحاظ کند**.
- ✓ منظور از «مقام قضایی» در صدر این ماده، مقامی است که رسیدگی به پرونده را در اختیار دارد، اعم از بازپرس (در جرائم تعزیری درجه ۶ یا دادیار و دادستان در مواردی که حق انجام تحقیقات را دارند) یا قاضی دادگاه (در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸).

ماده ۹۰ ق.آ.د.ک: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.»

✓ منظور از اقدامات قانونی در ماده فوق مواردی است که قانون جهت کشف حقیقت و نیل به عدالت به بازپرس جواز به کارگیری آن را إعطان نموده است؛ مانند کارشناسی، معاینه محل، تحقیق محلی و ... .

به عبارت بهتر تحقیقات مقدماتی عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدامات تحقیقی مرتبط با جرم که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات صالح قضایی یا توسط ضابطان دادگستری رأساً و به موجب قانون و یا به دستور مقامات قضایی مذکور، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن مرتكب جرم صورت می‌گیرد که به واسطه آن پرونده آمده صدور تصمیم نهایی اعم از ارسال به دادگاه یا مختصمه ساختن (از قبیل صدور قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب، تعليق تعقیب، ترک تعقیب؛ یا صدور حکم محکومیت یا حکم برائت) می‌گردد.

### جهات قانونی برای شروع به تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس «ماده ۸۹ ق.آ.د.ک»

۱. ارجاع دادستان

۲. بازپرس ناظر وقوع جرم باشد.

✓ در اکثر شهرها ارجاع پرونده‌ها توسط دادیار ارجاع صورت می‌گیرد، اما به نام دادستان ختم می‌شود.

✓ در صورتی که بازپرس ناظر بر وقوع جرم باشد، باید موضوع را به اطلاع دادستان برساند، چون دادستان مقام تعقیب است و شاید نظر بر آن داشته باشد که تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

✓ منظور از «جرائم» در ماده ۸۹ ق.آ.د.ک اختصاص به جرم **غیرقابل گذشت** دارد؛ چون آغاز، استمرار، اختتام و اجرای جرم قابل گذشت، به اراده شاکی بسته دارد.

اصل: تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده **بازپرس** است. «صدر ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»

استثناء: با تحقق شرایط ذیل دادستان می‌تواند استثنائاً تحقیقات مقدماتی را خود بر عهده بگیرد یا به دادیار تحقیق و اگذار نماید:

۱. موضوع اتهام از جرائم مستوجب مجازات‌های مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک که جرائم مهمی هستند، نشاشد.

۲. در صورت کمبود بازپرس.

✓ در صورتی که دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز **مکلف** است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهارنظر کند.

✓ در صورت عدم حضور بازپرس یا معدور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، **دادرس دادگاه** به تقاضای دادستان و تعیین ریس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد. «تبصرة ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»

✓ منظور از دادرس در تبصره فوق، مطلق قاضی دادگاه است و منحصر به دادرس علی البدل نمی‌باشد.

✓ با آمدن بازپرس جدید یا بازگشت بازپرس موجود به دادسرا برای رفع معدوریت او، دادرس پرونده را برای ادامه تحقیقات، به دادسرا اعادة خواهد کرد.

✓ در صورتی که دادرس هم به دلایلی مانند مرخصی، تعليق یا ... در آن حوزه نباشد. یا مثلاً به لحاظ وجود یکی از جهات رد دادرس نتواند تحقیق کند، به نظر می‌رسد که باید با استفاده از وحدت ملاک ماده ۴۲۲، پرونده برای انجام تحقیقات مقدماتی به نزدیکترین مرجع قضایی هم عرض فرستاده شود.

مقامات تحقیق طبق ماده ۹۲ ق.آ.د.ک عبارتند از: بازپرس و دادیار، حال اگر ارجاعات مستقیم را نیز لحاظ کنیم، دادرس دادگاه نیز به این ۲ مقام اضافه می‌شود. بر اساس ماده ۹۲ ق.آ.د.ک و تبصره آن و با لحاظ ماده ۳۰۶ و ۳۴۰ ق.آ.د.ک مقامات تحقیق به اشخاص ذیل تقسیم می‌شود:

۱. بازپرس
۲. دادیار
۳. دادرس دادگاه

### بازپرس

همان مستنطق سابق است که به قاضی تحقیق معروف است.

### وظایف بازپرس

✓ ضرورت مطلع نمودن دادستان از وقوع جرم در صورتی که بازپرس ناظر بر وقوع آن جرم بوده است، ماده ۸۹ ق.آ.د.ک: «... چنانچه بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع می‌کند، مراتب را **فوری** به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.»

✓ رسیدگی در کمال بی‌طرفی، ماده ۹۳ ق.آ.د.ک: «بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهمن است فرق نگذارد.»

✓ اتخاذ تصمیمات و اقدامات فوری به منظور جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، ماده ۹۵ ق.آ.د.ک: «**بازپرس مکلف** است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.»

✓ اصل: جمع‌آوری ادله و انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس، صدر ماده ۹۸ ق.آ.د.ک: «بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد...»

✓ استثناء: جمع‌آوری ادله و انجام تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان پس از تعليمات لازم و نظارت بازپرس، انتهای ماده ۸۹ ق.آ.د.ک: «بازپرس ... می‌تواند در **غیر** جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، نفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعليمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آن‌ها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.»

✓ لزوم اخذ ارجاع دادستان در صورت کشف جرم دیگر که با جرم اول (جرائم در حال رسیدگی) مرتبط نباشد، ماده ۹۹ ق.آ.د.ک: «هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهمن به عمل می‌آورد و هم‌زمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.»

✓ ضرورت صدور قرار رده درخواست مطالعه یا اخذ تصویر یا رونوشت اوراق پرونده، تبصره ۱ ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا بخشی از اوراق پرونده را **منافی** با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رده درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه **مکلف** است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه **قطعی** است.»

✓ اتخاذ تدابیر لازم قانونی برای جلوگیری از دسترسی به اطلاعات فردی بزهديده در صورت احتمال خطر و تهدید جدی علیه وی، ماده ۱۰۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزهديده، از قبیل نام و نام

خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزهده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص ریس دادگاه و با رعایت مصالح بزهده اعمال می‌شود.»

- ✓ عدم تحقیق در جرائم منافی عفت، ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود»
- ✓ لزوم تکمیل تحقیقات در صورت ارجاع پرونده، ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک: «بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند.»
- ✓ اجرای تقاضای قانونی دادستان در جریان تحقیقات، ماده ۱۰۵ ق.آ.د.ک: «بازپرس در جریان تحقیقات، تقاضای قانونی دادستان را اجراء و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند ...»
- ✓ اقدام لازم قانونی بازپرس نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آن‌ها در بازداشت بوده پیش از عدم حضور در شعبه، ماده ۱۰۶ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند آن، نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آن‌ها بازداشت می‌باشند، اقدام قانونی لازم را انجام دهد و در صورتی که امکان آزادی زندانی به هر علت فراهم نشود، مراتب را بهطور کتبی به دادستان اعلام کند.»
- ✓ صدور قرار تأمین خواسته به تقاضای شاکی در صورتی که مقرون به ادله قابل قبول بوده و رفع ابهام و اجمال از آن، ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.»
- ماده ۱۱۰ ق.آ.د.ک: «رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می‌آید.»

### اختیارات بازپرس

- ✓ انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم با رعایت تشریفات قانونی، ماده ۹۶ ق.آ.د.ک: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضائی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:
  - الف - متهمان به ارتکاب جرائم **عمدی** موضوع بنده‌ای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه انهم به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.
  - ب - متهمان دستگیرشده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزهده‌گان و طرح شکایت و یا اقامه دعوای خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.»
- ✓ صدور دستور انجام برخی اقدامات احتیاطی در خصوص طرفین پرونده به ضابطین دادگستری، ماده ۹۷ ق.آ.د.ک: «بازپرس به منظور حمایت از بزهده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند.»

یکی از دادیاران به دادیار تحقیق معروف است، تعامل او با دادستان باید به این وضع صورت گیرد که نظر دادستان همیشه برای او لازم الاتباع است؛ در ماده ۹۲ ق.آ.د.ک بیان شده است که اگر بازپرس حاضر نباشد و از طرفی هم جرم از جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک نباشد، پرونده جهت انجام تحقیقات به دادیار ارجاع می‌یابد.

طبق ماده ۹۲ ق.آ.د.ک در صورتی که تحقیقات توسط دادیار تحقیق انجام شود، ۲ مورد باید به نظر دادستان برسد:

۱. قرارهای نهایی «منع تعقیب، موقوفی تعقیب، جلب به دادرسی، عدم صلاحیت»
  ۲. قرار تأمین منتهی به بازداشت: کفالت یا وثیقه حاضر نکرده باشد.
- ✓ ۲ مورد فوق از سوی **دادیار** باید همان روز به نظر دادستان برسد، دادستان نیز **مکلف** است ظرف مدت ۲۴ ساعت در این موضوع اظهارنظر کند.
- ✓ موارد فوق در خصوص **بازپرس** طبق ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک به نحو دیگری است طبق این ماده بازپرس قرار نهایی را فوری به نظر دادستان می‌رساند و دادستان ظرف ۳ روز اظهارنظر می‌کند.
- ✓ اظهارنظر بازپرس و نظر دادستان این امکان را دارد که باعث اختلاف شود اما اظهارنظر دادیار و نظر دادستان نمی‌تواند منتهی به اختلاف شود، چون دادیار تابع دادستان است.
- ✓ دادیار بر اساس جنسیت (زن یا مرد بودن) در پروندهای ارجاعی اقدام به تحقیق می‌کند.

## دادرس دادگاه

در برخی مواقع دادرس دادگاه اقدام به تحقیق می‌نماید که عبارت اند از:

۱. پروندهای با ارجاع مستقیم «جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ / جرائم منافی عفت / جرائم افراد زیر ۱۵ سال تمام»
  ۲. پروندهای مربوط به حوزه قضایی بخش
  ۳. پروندهایی که مربوط به بازپرس است، اما بازپرس در مجموعه حاضر نیست. «مثل تبصره ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ زمانی که دادرس دادگاه اتخاذ تصمیم می‌کند، بی نیاز از اظهارنظر دادستان است.

## نهادهای تحقیق

با توجه به مقامات فوق نهادهای مربوط به تحقیق عبارتند از:

**دادسر**: در اکثر پروندها دادسر اعم از عمومی و انقلاب، تخصصی‌ها و اختصاصی‌ها در امر تحقیق فعالیت می‌نمایند.

**دادگاه**: در برخی از جرائم اقدام به تحقیق می‌کنند. مصدق بارز این جرائم: جرائم منافی عفت، جرائم افراد زیر ۱۵ سال تمام، جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ می‌باشد.

✓ اگر پروندهای با کیفرخواست از دادسر به دادگاه ارجاع یابد، دادرس دادگاه هیچ محدودیتی در انجام تحقیق ندارد، در اینجا اگر دادرس مازاد بر تحقیقات بازپرس اقدام به تحقیق نماید، به دلیل کشف حقیقت می‌باشد.

**دیوان عالی کشور**: قانون، تخلف مربوط به مقامات کشوری را برای تحقیقات به دیوان عالی کشور ارجاع می‌دهد.

✓ دقت شود که در ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک قانون‌گذار تأکید دارد بر تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری، چون اگر اتهام مدنظر او باشد، ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک مطرح می‌شود.

## حوزه تحقیق

حوزه صلاحیت محلی باید رعایت شود. طبق ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک بازپرس در عنوان اقدام به تحقیق می‌نماید که بر اساس اولویت عبارتند از:

۱. جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شود.
۲. جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.
۳. جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.

حالت اول اصل است، اما در حالت دوم وضعیت طبق مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ ق.آ.د.ک به وجود می‌آید که عبارتند از:

۱. طبق ماده ۱۱۷ ق.آ.د.ک اگر جرم در حوزه بازپرس کشف شود و یا آن متهم آن جرم در حوزه بازپرس دستگیر شود. در اینجا تحقیقات آغاز می‌شود، ولی هر زمان که محل وقوع جرم مشخص شود بازپرس با قرار عدم صلاحیت پرونده را ظرف ۴۸ ساعت به دادسرای محل وقوع جرم محول می‌کند.
  - ✓ در مورد فوق اخذ تأمین از شخص متهم دستگیرشده هیچ منع ندارد، حتی اگر متنهای به بازداشت شود.
۲. طبق ماده ۱۱۸ ق.آ.د.ک اگر جرم در حوزه‌ای (نامعلوم) رخ دهد، اما در حوزه قضایی دیگری کشف شود در اینجا مقام بازپرس تحقیقات خود را انجام می‌دهد و اگر نتواند محل وقوع جرم را مشخص کند، درخصوص پرونده اظهارنظر می‌نماید. یعنی تصمیم نهایی اخذ می‌کند.
  - ✓ در این حالت چون محل وقوع جرم مشخص نیست، قرار عدم صلاحیت موضوعیت ندارد.

### ممنوعیت تعقیب و تحقیقات مقدماتی

اصل: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست» «صدر ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک»

استثناء: در ۴ مورد تعقیب و تحقیقات مقدماتی در جرائم منافی عفت ممنوع نیست:

۱. وقوع جرائم منافی عفت در مرئی و منظر عام
  ۲. وقوع جرائم منافی عفت به عنف
  ۳. وقوع جرائم منافی عفت به صورت سازمان‌یافته
  ۴. وقوع جرائم منافی عفت در صورت وجود شاکی
- در این موارد ضابطان و دادسرا حق تعقیب و تحقیق ندارند. تعقیب، تحقیق و دادرسی توسط مقام قضایی یعنی قاضی دادگاه انجام می‌شود.
- ✓ مرئی و منظر عام، اعم از مکانی است که معمولاً مهیای حضور عمومی است، چه در لحظه وقوع جرم کسی در آن محل حضور داشته یا حضور نداشته باشد (مانند سینما در اوقات کاری، کوچه و خیابان)، یا مکانی که مهیای پذیرش عمومی نیست، ولی در برابر چند نفر (سه نفر یا بیشتر) واقع شود، مانند ارتکاب عمل منافی عفت در منزل شخصی اما در مقابل چند نفر.
- ✓ جرائم سازمان‌یافته، در قوانین ما تعریف نشده‌اند و به نظر می‌رسد که منظور از آن‌ها جرائم ارتکابی توسط گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته است. گروه مجرمانه سازمان‌یافته نیز گروهی است «گروه مجرمانه عبارت است از گروه تسبیباً منسجم متشكل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد».
- ✓ شاکی شخصی است که:

۱. مستقیماً از وقوع جرم لطمہ دیده و قانون‌گذار با جرم‌انگاری یک رفتار مباح قصد حمایت از او را دارد و تقاضای تعقیب کیفری متهم را می‌نماید. (مانند مالک مال در جرم سرقت)
۲. قائم مقام قانونی فردی که از جرم لطمہ دیده است محسوب می‌شود و تقاضای کیفری متهم را می‌نماید.

### (مانند ورثه در جرم قتل)

✓ اگر کسی که نسبت به او عمل منافی عفت انجام یافته بالای هجده سال تمام داشته باشد و محجور نباشد، شخص دیگری غیر از خودش شاکی محسوب نمی‌شود.

✓ جرائم منافی عفت عنوان عامی است که شامل چند جرم، از جمله زنا و لواط می‌شود. این عنوان از لحاظ مفهومی به معنای جرایمی است که عفت عمومی را نقض می‌کنند، ولی تعیین مصاديق آن به راحتی ممکن نیست. علت آن نیز این است که اصطلاح عفت عمومی در قانون تعریف نشده و عنوان کلی و قابل انعطاف بر حسب زمان و مکان است. با این وجود، تبصره الحاقی ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک، مفهوم جرائم منافی عفت از نظر این قانون را تبیین کرده است که بر اساس آن جرائم منافی عفت عبارتند از: جرائم جنسی حدی، همچنین رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می‌باشد.

✓ در صورت جواز تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت نیز، از نظر نحوه رسیدگی، باید به صدر ماده ۲۴۱ ق.م.ا. نیز توجه نمود که مقرر می‌دارد: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از نظر انتظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است.»

### اصول و ویژگی‌های تحقیق:

تحقیقات مقدماتی واجد ویژگی‌هایی است که رویکرد و خاستگاه آن مکتب تفتیشی است. در قانون آینین دادرسی کیفری، برای انجام تحقیقات ویژگی‌هایی در نظر گرفته شده است که این ویژگی‌ها بر اصل تحقیقات إعمال می‌شود. تغییر مقام تحقیق به اصول و ویژگی‌های تحقیق خدشهای وارد نمی‌کند.

#### ۱. محرمانه بودن تحقیقات «ماده ۹۱ ق.آ.د.ک.»

طبق ماده ۹۱ ق.آ.د.ک، تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد و هیچکس نباید از مفاد آن مطلع شود کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفة‌ای محکوم می‌شوند.

ماده ۹۶ ق.آ.د.ک: انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

۱ - متهمان به ارتکاب جرائم **عمدی** موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواتر بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

۲ - متهمان دستگیرشده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوای خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

#### ۲. بی‌طرفی در تحقیقات «ماده ۹۳ ق.آ.د.ک.»

به موجب ماده ۹۳ ق.آ.د.ک، بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد. خروج از بی‌طرفی تحقیقات را از انصاف خارج می‌کند.

در جهت حفظ بی‌طرفی مقرر شده که جهات رصدادرس هم اشاره می‌کند (ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک) در ماده ۹۳ ق.آ.د.ک به بازپرس اشاره می‌کند اما با توجه ماده ۳ ق.آ.د.ک بی‌طرفی را در معنای موسوع به مراجع قضایی نسبت می‌دهد.

#### ۳. استمرار و تسريع در تحقیقات «وحدت ملاک از تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک.»

به دلیل حساسیت امور کیفری و حفظ ادله و تعقیب نسبت به متهم، تحقیقات باید در اسرع وقت صورت گیرد، حتی تعطیلات مانع تحقیقات نیست. این عنوان در صراحتاً در تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک بیان شده است.

#### ۴. قائم به شخص بودن تحقیقات توسط بازپرس «ماده ۹۸ ق.آ.د.ک»

به دلیل تخصصی بودن موضوع، بازپرس پس از ارجاع پرونده از سوی دادستان شخصاً اقدام به تحقیق می‌نماید، اما طبق ماده ۹۸ ق.آ.د.ک می‌تواند تحقیقات را با إحراز شرایطی به ضابطان محول کند. در ماده ۹۸ و تبصره آن ۲ وضعیت از یکدیگر تمیز داده شده است: وضعیتی که جرم غیر از جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک باشد یا به عبارتی در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ باشد بازپرس می‌تواند انجام تحقیقات را به ضابطان ارجاع دهد، وضعیتی که جرم از جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک باشد در این مورد به دلیل اهمیت موضوع بازپرس شخصاً مداخله می‌کند، اما طبق تبصره ماده ۹۸ ق.آ.د.ک بازپرس می‌تواند با همکاری ضابطان دادگستری، تحقیقات لازم در مورد جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ را انجام دهد.

#### ۵. غیرعلتی بودن تحقیقات «تبصره ماده ۳۲۵ ق.آ.د.ک»

بازپرس در جایگاه تحقیق با متهم مواجه می‌شود و ممکن است در انتهای متهم تبرئه شود، به همین دلیل علنی بودن تحقیقات تبعات منفی دارد. منظور از علنی بودن، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. علنی بودن اختصاص به جلسات رسیدگی **دادگاه** داشته و شامل جلسات تحقیقات مقدماتی در دادسرانی شود.

#### ۶. انفرادی بودن تحقیقات «ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک»

به موجب ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک تحقیق از شاکی و متهم غیرعلتی و انفرادی است. با رعایت محرمانه بودن تحقیقات بازپرس از اصحاب دعوا به صورت انفرادی تحقیق به عمل می‌آورد، به این علت که اگر تحقیق به صورت ترافعی یا تدافعی باشد، از موجبات اطاله دادرسی است که اطاله دادرسی با تسریع در تحقیقات تعارض دارد.

✓ ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک در خصوص جرائم قابل گذشت استثناء قائل شده است، به نحوی که در این جرائم می‌توان تحقیقات را به صورت ترافعی برگزار نمود.

✓ ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک در خصوص جرائم قابل گذشت، فقط جنبه ترافعی بودن آن لحاظ شده است، علنی بودن به هیچ عنوان امکان ندارد.

✓ در ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک مفنن امر به ارجاع موضوع به میانجی‌گری نموده است، دقت می‌شود که این عنوان به ماده ۸۲ ق.آ.د.ک، درجات ۶، ۷ و ۸ ارجاع می‌یابد.

#### ۷. کتبی بودن تحقیقات «ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک»

به موجب ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک تمامی اقدامات در تحقیقات باید مکتوب شود، چه از سوی اصحاب دعوا، چه دستورهای مقام قضایی، چه از سوی ضابطان یا کارشناسان. دقت می‌شود که اصول تحقیق با تغییر مقام تغییر نمی‌کند.

#### ۸. جایگزین تحقیقات «ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک»

برای تحقیقات مقدماتی با احراز شرایطی می‌توان از جایگزین تحقیقات استفاده نمود، جایگزین تحقیق عبارت است از قرار توقف تحقیقات، نهادی است نوپا که از نظر برخی از اساتید یک قرار نهایی محسوب می‌شود.

#### قرار توقف تحقیقات «ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک»

ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک برای صدور قرار توقف تحقیقات شرایطی دارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

✓ قرار توقف تحقیقات مختص جرائم تعزیری درجه ۴ تا ۸ می‌باشد.

✓ قرار توقف تحقیقات با توجه به درجه آن در درجات ۴، ۵ و ۶ از سوی مقام تحقیق و در درجات ۷ و ۸ از سوی دادرس دادگاه صادر می‌شود.

- ✓ در صدور قرار توقف تحقیقات توسط بازپرس، موافقت دادستان الزامی است اما در صدور آن توسط دادرس دادگاه دادرس رأساً اقدام به صدور قرار می‌کند.
- ✓ صدور قرار توقف تحقیقات زمانی جایز است که ۲ سال تمام شمسی سپری شود.
- ✓ ۲ سال فوق از زمان **وقوع جرم** است، نه از زمان ثبت شکوایه.
- ✓ قرار توقف تحقیقات هم در جرائم قابل گذشت و هم در جرائم غیرقابل گذشت قابل صدور است، در صورت وجود شاکی جهت اعتراض به قرار، قرار به او ابلاغ می‌شود.
- ✓ مهلت اعتراض در قرار توقف تحقیقات، در صورتی که توسط دادرس دادگاه صادر شود **۲۰** روز است و در صورتی که توسط بازپرس صادر شود طبق تبصره ماده **۲۷۰** ق.آ.د.ک **۱۰** روز است.
- ✓ با صدور قرار توقف تحقیقات پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود.
- ✓ بایگانی موقت بدان معنا است که هرگاه شخص شاکی اقدام به ارائه مشخصات متهم نماید، تعقیب مجدداً ادامه می‌یابد.
- ✓ درست است که عبارت «هرگاه» معنای موسع دارد، به شرطی که به مرور زمان برخورد، یعنی در صورتی که مرور زمان حاکم شود، دیگر تعقیب مجدد جایز نیست.
- ✓ صدور قرار توقف تحقیقات زمانی ممکن است که **هویت** مرتكب نامعلوم باشد، نه اقامتگاه و محل سکنای متهم.
- ✓ منظور از «مواردی» که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، جرائم افراد زیر **۱۵** سال تمام، جرائم منافی عفت و جرائم تعزیری درجه **۷** و **۸** است که تحقیقات مقدماتی در مورد آنها نه در دادسرای، بلکه در دادگاه انجام می‌شود.
- ✓ صدور قرار توقف تحقیقات فرع بر این است که اساساً جرمی واقع شده باشد، ولی مرتكب آن معلوم نباشد. پس اگر به رغم انجام تحقیقات کافی، دلیلی بر وقوع جرم وجود نداشته باشد، باید قرار منع تعقیب صادر گردد.

## اقدامات تحقیقی

مقام تحقیق برای انجام تحقیقات از اقداماتی استفاده می‌کند که این اقدامات تجویز قانونی دارد، حال به شرح و بررسی هر یک از این اقدامات می‌پردازیم:

### ۱. اخذ اظهارات و تحقیق از شاکی

پس از ارجاع پرونده از سوی مقام صالح قضایی به شعبه تحقیق، مرجع تحقیق مکلف است پس از صدور دستور ثبت پرونده و مقید نمودن آن به وقت نظارت در جرایمی که شاکی خصوصی وجود دارد شاکی را احضار و از وی راجع به شکایت تحقیق نماید، در صورت عدم حضور شاکی، شاکی جلب نخواهد شد و همچنین به موجب رأی وحدت رویه **۵۲۵** مورخ **۱۳۶۸/۱/۲۹**: «تا زمانی که گذشت (شاکی) از تعقیب شکایت جزایی احراز نشود دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود.»

### ۲. معاینه محل، تحقیق محلی و تشکیل پروندهی شخصیت

در برخی مواقع اهمیت کشف واقع و نوع جرم ارتکابی، مقام قضایی را موظف به معاینه محل و یا تحقیق محلی می‌نماید؛ بنابراین مقام قضایی مکلف است برای تشخیص واقعیت، شخصاً یا با دستور به ضابطان تحت امر خود به معاینه محل وقوع جرم و یا تحقیق محلی پیرامون جرم پردازد. ماده **۱۳۳** ق.آ.د.ک مؤید همین امر است: «هرگاه برای کشف واقع و روش نشدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند.»

در ۲ حالت این اقدام تحقیقی به عمل می‌آید:

- در صورت تشخیص ضرورت انجام اقدامات مذکور از سوی مقام تحقیق
- به درخواست شاکی یا متهم

به موجب ماده ۱۲۶ ق.آ.د.ک بازپرس در موضع مکلف است شخصاً حاضر شود:

- در جرائم موضوع بند (الف) ماده (۳۰۲) قانون آین دادرسی کیفری: «جرائم موجب مجازات سلب حیات»
- هنگام معاینه اجساد

پرونده شخصیت:

هدف از تشکیل پرونده شخصیت شناخت بهتر مرتكب به منظور اتخاذ تدابیر کیفری یا تأمینی مناسب با آن است.

ماده ۲۰۳ ق.آ.د.ک «در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیز درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدى علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنب علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید.»

در مورد اطفال و نوجوانان، علاوه بر این موارد، در جرائم تعزیزی درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده مذکور لازم است.

### **تشrifيات معاینه محل و تحقیق محلی**

✓ بازپرس در این موارد اقدام به تحقیق یا معاینه محلی می‌کند: ۱. برای کشف واقع یا روشن شدن موضوع ضرورت داشته باشد.

۲. متهم یا شاکی درخواست نماید.

✓ صدور دستور قضایی، به عبارت دیگر معاینه محل و تحقیق محلی به صورت قرار صادر نمی‌شود.

✓ لزوم انجام معاینه محل و تحقیق محلی در روز مگر در صورت ضرورت نه فوریت «م ۱۲۴ ق.آ.د.ک»

✓ انجام معاینه محل و تحقیق محلی توسط مرجع تحقیق یا ضابطان، به دستور آن مرجع «م ۱۲۵ ق.آ.د.ک»

✓ اصحاب دعوای کیفری درصورتی که حضورشان در هنگام معاینه محل از جانب بازپرس ضروری تشخیص داده شود، مکلفاند که حاضر شوند.

✓ اصحاب دعوای کیفری «متهم، شاکی و دادستان نه شهود و مطلعین» مجازند در هنگام تحقیق یا معاینه محلی حضور یابند لکن بازپرس تکلیفی به اعلام جریان تحقیق یا معاینه محلی به آنان ندارد و عدم حضور آنان نیز مانع انجام دادن تحقیق یا معاینه محلی یا سبب به تعویق افتادن آن نیست.

### **اقدامات قانونی معاینه محل و تحقیق محلی**

✓ اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند حق حضور در معاینه محل و تحقیق محلی دارند. «م ۱۲۵ ق.آ.د.ک»

✓ جمع‌آوری تمام آثار و نشانه‌های مؤثر در کشف جرم «م ۱۲۹ ق.آ.د.ک»

✓ دعوت از کارشناس رسمی یا خبره «م ۱۲۸ ق.آ.د.ک»

### **۳. تفتیش، بازرگانی و کنترل ارتباطات**

در برخی موارد قانون با نقض مصونیت افراد جامعه به منظور کشف جرم، دستگیری بزهکاران و حفظ ادله وقوع جرم، تفتیش و بازرگانی منازل، اماکن و اشیاء و کنترل ارتباطات را مجاز برشمده است.

تشrifيات بازرگانی منازل، اماکن و اشیاء:

- ✓ لزوم صدور دستور قانونی مرجع تحقیق در جرائم غیرمشهود «م ۱۳۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ وجود ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله جرم در محل وقوع تحقیش و بازرسی
- ✓ تأیید ریس کل دادگستری استان و حضور مقام قضایی صالح در تحقیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) و متهمان جرائم موضوع بند (ث) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک «م ۱۳۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ عدم تراحم با حقوق سایر اشخاص «م ۱۳۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ تحقیش در روز بعمل می‌آید «م ۱۴۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ لزوم صدور دستور موردی برای تحقیش و بازرسی و تعیین موضوع، زمان، دفعات ورود و نشانی آن «صدرم ۱۴۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ تنظیم صورت مجلس تحقیش و بازرسی «انتهای ماده ۱۴۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ حضور متصرف یا ارشد حاضران در تحقیش و بازرسی «صدرم ۱۴۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل بعمل می‌آید و مراتب فوریت در صورت مجلس قید می‌شود. «تبصره ماده ۱۴۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ حضور اشخاصی که در امر کیفری دخیل هستند در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف است. «صدر ماده ۱۴۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ عدم ورود خسارت و رعایت موازین شرعی و قانونی با حفظ نظم محل و مراعات حرمت ساکنان، مجاوران و متصرفان «م ۱۴۵ ق.آ.د.ک»

#### **ارتباط مخابراتی و مراسلات پستی:** کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است. «م ۱۵۰ ق.آ.د.ک»

- ✓ مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندی‌های الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود. «ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود. «تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ لزوم موافقت ریس کل دادگستری استان
- ✓ کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ این قانون منوط به تأیید ریس قوه قضائیه است.

#### **کنترل حساب‌های بانکی اشخاص**

ماده ۱۵۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید ریس حوزه قضائی کنترل کند.»

#### **تحقیش و بازرسی مراسلات پستی**

- ✓ مراسلات پستی باید مربوط به متهم باشد.
- ✓ ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد.
- ✓ بررسی مراسلات در حضور متهم یا وکیل او صورت می‌گیرد.
- ✓ بازپرس مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می‌نماید یا در محل مناسب نگهداری می‌کند.
- ✓ در موارد ضروری بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می‌گردد.

#### **۴. جلب نظر کارشناس**

- ✓ ارجاع به کارشناس با تقاضای یکی از طرفین یا تشخیص بازپرس امکان‌پذیر است. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ ارجاع به کارشناس باید ضرورت داشته باشد. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ بازپرس باید قرار ارجاع امر به کارشناسی صادر کند. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ بازپرس باید موضوع کارشناسی را تعیین نماید. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ تعیین کارشناس به قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دادگستری «م ۱۵۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ فرد بودن کارشناسان منتخب در صورت تعدد کارشناسان «م ۱۵۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ تعیین دستمزد کارشناس پیش از ارجاع امر و در حین صدور قرار کارشناسی صورت می‌گیرد. «م ۱۵۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ تعیین مهلت برای اعلام نظر کارشناس و تمدید آن برای یکبار با وصول تقاضای کتبی کارشناس «م ۱۵۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ اختار به کارشناس جهت تقديم نظر کارشناسی پس از پرداخت دستمزد «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ پرداخت دستمزد کارشناس توسط شاکی
- ✓ ابلاغ وصول نظریه کارشناس به طرفین «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ فرصت یک هفته‌ای از تاریخ ابلاغ وصول نظریه کارشناسی به طرفین جهت ملاحظه نظریه کارشناس و اعلام نظر خویش «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ صدور قرار تکمیل نظریه کارشناسی «تبصرة ماده ۱۶۳ ق.آ.د.ک»

### نظریه پزشکی قانونی

ماده ۱۳۶ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور باید و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.»

## ۵. احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

### وظایف و تکالیف بازپرس راجع به احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

- ✓ احضار شهود و مطلعان مطابق مقررات «مواد ۲۰۴ و ۲۰۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ جلب شاهد یا مطلع در صورت عدم حضور و عدم اعلام عذر موجه «تبصرة ۱ م ۲۰۴ ق.آ.د.ک»
- ✓ غیرعلنی بودن تحقیق از شهود و مطلعان «م ۲۰۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ تحقیق از شهود و مطلعان به صورت جداگانه و بدون حضور متهم «م ۲۰۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد توهیم می‌کند. «م ۲۰۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ ثبت مشخصات، سوالات و اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس و قید امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع «مواد ۲۱۲ و ۲۰۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ ممنوعیت توهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده است. «م ۲۱۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ حضور بازپرس در محل شاهد یا مطلع در صورت علی از قبیل بیماری یا کهولت سن «م ۲۱۶ ق.آ.د.ک»

## ۶. احضار و تحقیق از متهم

با تحصیل دلیل در خصوص انتساب جرم به متهم، مقام تحقیق موظف است متهم را احضار و تحقیقات مقدماتی را با حضور او ادامه دهد.

### شرایط احضار متهم

شرط لازم برای احضار متهم وجود جهات شروع به تعقیب مندرج در ماده ۶۴ ق.آ.د.ک است؛ به عبارت دیگر بدون وجود شکایت شاکی یا اعلام جرم نمی‌توان شخصی را احضار کرد.

شرط کافی برای احضار متهم در ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک بیان شده است: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.»

شرط لازم برای احضار متهم: وجود جهات شروع به تعقیب «ماده ۶۴ ق.آ.د.ک»

شرط کافی برای احضار متهم: وجود دلیل کافی برای توجه اتهام «ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک»

### روش‌های احضار متهم

احضاریه: صدر ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک: «احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید. ...»

✓ احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می‌گردد و نسخه دیگر پس از امضاء به مأمور ابلاغ مسترد می‌شود. «م ۱۶۹ ق.آ.د.ک»

✓ در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود و به امضاء مقام قضایی می‌رسد. «م ۱۷۰ ق.آ.د.ک»

✓ فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد. «م ۱۷۱ ق.آ.د.ک»

✓ ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود. «م ۱۷۲ ق.آ.د.ک»



نشر آگهی: ماده ۱۷۴ ق.آ.د.ک: «هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک‌ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می‌شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضاء مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند.»

سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی: ماده ۱۷۵ ق.آ.د.ک: «استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.»

### جلب متهم

در صورتی که متهم پس از احضار و عدم حضور و گذشت زمان و مهلت قانونی، با وجود شرایطی می‌توان دستور جلب وی را صادر نمود.

### شرایط ماهوی جلب متهم

۱. برای صدور دستور جلب متهم احضاریه ارسال شده باشد. «مفهوم ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک»
۲. عدم حضور متهم بدون عذر موجه باشد. «ماده ۱۷۹ ق.آ.د.ک»

موارد جلب متهم بدون صدور ارسال احضاریه: ماده ۱۸۰ ق.آ.د.ک:

«در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آن که ابتدا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند:

- الف - در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است.
- ب - هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد.
- پ - در مورد جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود.
- ت - در مورد اشخاصی که به جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم باشند.»

### شرایط شکلی جلب متهم

- ✓ جلب متهم باید به موجب برگ جلب باشد. «صدرم ۱۸۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ برگ جلب باید حاوی مشخصات متهم و علت جلب باشد و توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود. «م ۱۸۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می‌کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. «م ۱۸۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ جلب متهم به استثنای موارد ضروری باید در روز به عمل آید و در همان روز بهوسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود.

تبصره - تشخیص موارد ضرورت با توجه به اهمیت جرم، وضعیت متهم، کیفیت ارتکاب جرم و احتمال فرار متهم با نظر بازپرس است. بازپرس موارد ضرورت را در پرونده درج می‌کند. «م ۱۸۳ ق.آ.د.ک»

### أنواع جلب

- ✓ **جلب ساده از طریق اقامتگاه متهم:** ماده ۱۸۲ ق.آ.د.ک: «مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می‌کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. جنانچه متهم امتناع کند، مأمور او را جلب و تحت الحفظ نزد بازپرس حاضر می‌نماید و در صورت نیاز می‌تواند از سایر مأموران کمک بخواهد.»
- ✓ **جلب سیار:** ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک: «در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافته‌ند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند.
- تبصره ۲ - در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب کنند و تحويل دهند.»

- ✓ **جلب با إذن ورود به محل اختفاء متهم:** در مواردی که متهم در اقامتگاه خود مخفی شده است و یا بازپرس تشخیص می‌دهد با توجه به نوع جرم یا سوابق متهم امکان مخفی شدن و استنکاف حضور از جانب وی متصور باشد، در چنین وضعیتی به استناد تبصره ۳ ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک: «ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند.»

### تحقيق از متهم

با حضار یا جلب متهم و به تبع حضور او نزد مقام قضایی صالح، تحقيق از متهم شروع می‌شود.

### حقوق متهم

- ✓ **شروع به تحقیقات بلاfacسله پس از احضار یا جلب متهم:** صدر ماده ۱۸۹ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است بلاfacسله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند»
- ✓ **حق داشتن وکیل:** ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهم شود...»

## تعیین وکیل تسخیری در دادسرا:

۱. تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د. ک: «هرگاه مرتكب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز تواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سپریست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتکابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای ولی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.»
۲. تبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق.آ.د. ک: «در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای ولی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.»
  - ✓ **حق اعلام اقامتگاه قانونی:** ماده ۱۹۴ ق.آ.د. ک: «بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌نماید، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این- صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی به محل اقامت اعلام شده قبلی فرستاده می‌شود...»
  - ✓ **حق سکوت:** ماده ۱۹۷ ق.آ.د. ک: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع ولی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.»
  - ✓ **حق داشتن مترجم:** ماده ۲۰۱ ق.آ.د. ک: «بازپرس برای ... متهم، شاهد ... که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند.»
  - ✓ **حق نوشتمن پاسخ سوالات مقام تحقیق:** ماده ۱۹۹ ق.آ.د. ک: «... متهم باسوان خودش پاسخ را می‌نویسد، مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند.»
  - ✓ **حق اظهار آخرین دفاع:** ماده ۲۶۲ ق.آ.د. ک: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل ولی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل ولی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.»

## تفهیم اتهام

تفهیم اتهام به معنای فهماندن و شناساندن موضوع اتهام و دلایل آن به مشتکی عنه یا مظنون است تا با درک دقیق موضوع و دلایل اتهام، توانایی دفاع آگاهانه برای متهم ایجاد گردد. با تفهیم اتهام، مشتکی عنه یا مظنون به متهم تبدیل می‌شوند.

ماده ۱۹۵ ق.آ.د. ک در مقام تفهیم اتهام بیان می‌دارد که: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به ولی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادلہ آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر ولی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات ولی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.»

## اقدامات پیش از تفهیم اتهام

- ✓ استعلام هویت متهم «ماده ۱۹۳ ق.آ.د. ک»
- ✓ ابلاغ و تفهیم حق داشتن وکیل «ماده ۱۹۰ ق.آ.د. ک»

✓ تقهیم نمودن حق اعلام محل اقامت قانونی از سوی مشتکی عنه یا مظنون به جهت ابلاغ احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی «ماده ۱۹۴ ق.آ.د.ک»

✓ بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. «صدر ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک»

## ۷. قرارهای تأمین و نظارت قضایی

قرارهای تأمین و نظارت قضایی از مهم‌ترین مبحث در مباحث تحقیقات مقدماتی است. قرارهای تأمین مصاديق دھگانه مندرج در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک و قرارهای نظارت قضایی مصاديق پنج گانه مندرج در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک می‌باشد.

**قرار تأمین:** طبق ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزهديه برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تقهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین مندرج در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک را صادر می‌کند.

**قرار نظارت قضایی:** طبق ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک، بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتکابی، **علاوه** بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را برای مدت معین صادر کند.

✓ قرارهای تأمین باید بعد از تقهیم اتهام و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم و ارتکاب آن توسط متهم، صادر شوند. در چنین شرایطی، صدور قرار تأمین برای تضمین دسترسی به متهم یک تکلیف و عدم صدور آن تخلف است. در عین حال، اگر در همان بازجویی اول معلوم شود که جرمی واقع نشده یا متهم آن را مرتکب نشده است یا به دلایل دیگری قابل تعقیب نیست، نباید قرار تأمین در مورد او صادر شود. در این صورت نامبرده تا جمع آوری دلایل و قرائن کافی بلاقید آزاد خواهد شد.

✓ صدور قرار تأمین قبل از تقهیم اتهام جائز نیست.

✓ صدور قرار تأمین اختیاری است.

✓ قرار تأمین باید متناسب باشد.

✓ قرار تأمین دارای ۱۰ مصداق می‌باشد که با رعایت تناسب فقط ۱ مورد را می‌توان صادر نمود، به عبارت دیگر ۲ مصداق در یک قرار تأمین را نمی‌توان اخذ نمود.

✓ صدور قرار تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی درجه ۴ به بالا است.

✓ قرار نظارت قضایی قابل جمع است.

✓ قرارهای تأمین با قرار نظارت قضایی قابل جمع است.

✓ بازداشت موقت الزامی نداریم، مگر در ماده ۶۱۸ ق.آ.د.ک

✓ صدور این قرارها از اختیارات مقام قضایی یعنی حسب مورد بازپرس، دادستان، دادیار، قاضی دادگاه و قاضی اجرای احکام است و ضابطه دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارد و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محو کنند.

✓ در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام، مقام قضایی نمی‌تواند از صدور **قرار تأمین** امتیاع ورزد.

✓ مقام صادرکننده قرار اختیار تجدیدنظر، خفیفتر یا شدیدتر کردن آن را دارد.

✓ تخفیف یا تشدید قرار تأمین توسط بازپرس نیاز به موافقت دادستان ندارد.

✓ تشدید تأمین، از سوی متهم قابل اعتراض است. مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه صالح است؛ مگر در آن محل دادگاه انقلاب یا کیفری یک تشکیل نشده باشد که در این صورت دادگاه کیفری دو به آن رسیدگی خواهد کرد.

قرارهای تأمین و نظارت قضایی ۳ حالت را به وجود می‌آورند:

۱. قرار تأمین با قرار تأمین دیگر قابل جمع نیست، به عبارت دیگر؛ در قرار تأمین باید یک مصداق از مصاديق مندرج ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک صادر شود.

۲. قرار نظارت قضایی با قرار نظارت قضایی قابل جمع است، به عبارت دیگر؛ در قرار نظارت قضایی می‌توان چند مصداق از مصاديق مندرج در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک صادر نمود.

۳. قرار تأمین با قرار نظارت قضایی قابل جمع می‌باشد.

تشریح ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک:

۱. اتهام واحد است. «کلاهبرداری»: ۱ تأمین اخذ می‌شود.

۲. اتهام متعدد است: ۲ حالت دارد:

• تعدد اتهام در صلاحیت ذاتی یک دادگاه مطرح می‌شود: دادگاه یک قرار تأمین صادر می‌کند.

• تعدد اتهام در صلاحیت ذاتی چند دادگاه مطرح می‌شود: هر دادگاه قرار تأمین مستقل و متناسب صادر می‌کند.

## أنواع قرار تأمین

**الف - قرار التزام به حضور با قول شرف:** اولین و خفیفترین قرار تأمین که در جرائم بسیار خفیف و با اطمینان مقام قضایی از شخصیت مرتكب از آن استفاده می‌کند. متهم به مقام قضایی تعهد و قول می‌دهد که هر زمان حضور او برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند.

✓ «وضعیت و شخصیت متهم» در صدور این قرار ملاک و معیار است.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌شود.

✓ این قرار غیرقابل اعتراض است.

**ب - قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام:** در این قرار شخص رأساً متعهد می‌شود که هر زمان حضور او برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند و در صورت عدم حضور مبلغ تعیین شده در قرار را پردازد.

✓ به هیچ عنوان مال یا پولی در همان لحظه صدور قرار تأمین اخذ نمی‌شود. در واقع هنگام انعقاد این توافق هیچ تضمینی برای اجرای آن از متهم اخذ نمی‌گردد و تنها پس از نقض عهد و عدم حضورش در موقع احضار، دادستان برای اخذ مبلغ وجه التزام به نفع صندوق دولت اقدام می‌کند.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ در صورت عدم حضور متهم در مردمی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اختاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

**پ - قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف:** این قرار که به نوعی تعهد کتبی از متهم است، متعهد را ملزم به عدم خروج از حوزه قضایی می‌نماید، مگر با تجویز قاضی صالح که در این صورت می‌تواند از آن حوزه قضایی خارج شود و در این میان شرف و حبیث خود را ضامن حضورش قرار می‌دهد.

✓ «وضعیت و شخصیت متهم» در صدور این قرار ملاک و معیار است.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

- ✓ در صورت تخلف از مفاد قرار بازپرس می‌تواند، قرار را تشدید کند.
- ✓ این قرار غیرقابل اعتراض است.

**ت - قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام:** در این قرار، شخص رأساً متعهد می‌شود که هر زمان حضور او برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند و به علاوه به هیچ وجه از حوزه قضایی تعیین شده خارج نشود مگر با تجویز قاضی صالح که در این صورت می‌تواند از آن حوزه قضایی خارج شود.

- ✓ در صورت عدم حضور متهم در موردی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ **واقعی اخطاریه**، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ می‌شود.
- ✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.
- ✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

**ث - قرار التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرتع قضایی با تعیین وجه التزام:** شخص متهم باید به صورت نوبتی و در مواعید مقرر از سوی مقام تحقیق که می‌تواند هفتگی یا ماهانه باشد به مرتع قضایی یا انتظامی مراجعه نماید. در صورت تخلف از این قرار، وجه التزام مقرر در قرار به نفع دولت ضبط خواهد شد.

- ✓ مقام تحقیق مکلف است مرتع قضایی یا انتظامی را برای معرفی متهم تعیین کند.
- ✓ مقام تحقیق مکلف است مواعید را که متهم ملتزم به معرفی است را تعیین کند.
- ✓ در صورت نقض قرار از سوی متهم اعم از اینکه در مواعید مقرر به مرتع مربوطه مراجعه نکند یا اینکه در موارد لزوم در مرتع قضایی حضور نیابد، وجه التزام به نفع دولت ضبط می‌گردد.
- ✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.
- ✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

**ج - قرار التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط:** این قرار ناظر به شهروندانی است که در دولت استخدام شده‌اند، به موجب این قرار در صورتی که هر یک از مستخدمین کشوری یا نیروهای مسلح متهم به ارتکاب جرمی شوند، قرار التزام به حضور وی با تعیین وجه التزام پس از تعهد پرداخت از محل حقوق آنها از سوی سازمان مربوط صادر می‌گردد.

- ✓ در صورتی که شخص مجرمی شده باشد که با منافع سازمان در تضاد باشد، دیگر این حمایت از شخص متهم منقضی می‌شود، مثلاً کارمندیک ارگان دولتی از سازمان متبوع خویش اختلاس نماید دیگر این تأمین مفید نیست.
- ✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، با وحدت ملاک از تبصره ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک قرار کفالت صادر می‌شود.
- ✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

**ج - قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات:** به موجب این قرار در مواردی که اتهام انتسابی متهم می‌تواند وی را به موجب قرار بازداشت موقت روانه بازداشتگاه کند، می‌توان از قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده استفاده نمود و برای حصول اطمینان از رعایت این تضمین از طریق نظارت با کمک تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات وی را کنترل نمود؛ و در صورت عدم رعایت این قرار وجه التزام به نفع دولت ضبط می‌گردد.

نظارت الکترونیکی به صورت‌های گوناگونی حاصل می‌شود، مانند استفاده از GPS، مج‌بند، پابند، وسیله علامت‌دهنده پیاپی، وسیله تماس برنامه‌ریزی شده، فن‌آوری تأیید صدا و مواردی این قبیل بهره گرفت.

ماده ۶۲ ق.م.: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت‌وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد.»

- ✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، با وحدت ملاک از تبصره ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک قرار کفالت صادر می‌شود.
- ✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

**ح- قرار اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله:** کفیل تعهد می‌کند متهم را در هر مرحله که مقام قضایی حضور وی را لازم بداند، در آن مرحله اعم از تحقیقات، دادرسی یا اجرای حکم حاضر نماید؛ در صورت عدم حضور متهم، وجه الکفاله معزوف شده به نفع دولت ضبط می‌گردد، به عبارتی دیگر به موجب قرار کفالت، آزادی متهم مقید می‌گردد به معروفی کفیل با مقدار وجه الکفاله‌ای که از سوی مقام قضایی صالح تعیین می‌شود.

- ✓ کفالت یک عقد قائم به شخص است و در صورتی که کفیل متهم را تحويل ندهد، وجه الکفاله به نفع دولت ضبط می‌شود.
- ✓ کفیل یک ضامن است، الزاماً شخص ثالث کفیل می‌شود.
- ✓ معروفی اشخاصی که فاقد شغل هستند و درآمد آنان معلوم نیست یا ولگرد هستند به عنوان وکیل منمنع است.
- ✓ شخص کفیل باید دارای اهلیت و ملائت باشد.
- ✓ اگر تمکن مالی کفیل مورد تردید قرار گیرد، بازپرس مراتب را به **دادستان اعلام می‌کند** و هر تصمیمی که دادستان اتخاذ کند، برای بازپرس **الزامی** است.
- ✓ در جرائم **غیرعمدی** و با شرط تضمین حقوق بزه‌دیده به طرق دیگر، صدور قرار کفالت جائز نیست.
- ✓ معروفی و تحويل متهم در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی توسط کفیل، شروع به اجرای حکم، مختومه شدن پرونده به هر کیفیت و فوت کفیل از موارد فک قرار کفالت می‌باشد.
- ✓ این قرار علی‌الاصول قابل اعتراض نیست مگر در مورد قرار کفالتی که منجر به بازداشت متهم می‌گردد. به موجب ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک، متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معروفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معروف می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت **۵ روز** از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به **اصل قرار** متهمی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.
- ✓ خواستن متهم از کفیل فقط برای ۱- تحقیقات ۲- دادرسی ۳- اجرای حکم ضرورت دارد.
- ✓ کفالت اشخاص حقوقی نیز پذیرفته می‌شود. البته این موضوع شامل اشخاص حقوقی عمومی نگردد و فقط ناظر بر اشخاص حقوقی حقوقی خصوصی است.
- ✓ استمرار ملائت برای اعتبار کفالت شرط نیست؛ بنابراین اگر متهم در وقت مقرر نزد مقام قضایی حاضر نشد و کفیل هم او را حاضر نکرد، در مقابل دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه الکفاله، کفیل می‌تواند به عذر اینکه بعداً معسر شده، نسبت به آن دستور اعتراض نماید.
- ✓ پذیرش ملائت کفیل نیاز به موافق دادستان ندارد. ولی چنانچه بازپرس ملائت کفیل را نپذیرد باید این امر به موافقت دادستان هم برسد. تشخیص دادستان برای بازپرس **الزامی** است.

**خ- قرار اخذ وثیقه «اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول»:** وثیقه مالی است که به دستور مقام قضایی صالح برای اطمینان از دسترسی متهم و حضور وی جهت بازجویی، محاکمه و اجرای حکم موقتاً از وی یا ثالث اخذ می‌شود که در صورت تخلف متهم از تکالیف قانونی خود، وثیقه به نفع دولت ضبط می‌شود و در غیر این صورت به موقع مسترد می‌شود، در قرار وثیقه در زمان صدور قرار قبولی وثیقه، مال در تصرف مرجع تحقیق قرار می‌گیرد.

- ✓ در جرائم غیرعمدی و با شرط تضمین حقوق بزه دیده به طرق دیگر، صدور قرار وثیقه جائز نیست.
- ✓ معرفی و تحويل متهم در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی توسط وثیقه‌گذار، شروع به اجرای حکم، مختومه شدن پرونده به هر کیفیت و فوت وثیقه‌گذار از موارد فک قرار وثیقه می‌باشد.
- ✓ این قرار علی‌الاصول قابل اعتراض نیست مگر در مورد قرار وثیقه‌ای منجر به بازداشت متهم می‌گردد. به موجب ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک، متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار متهمی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.
- ✓ مبلغ وجه التزام وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه دیده کمتر باشد.
- ✓ در جرمی مانند کلاهبرداری که هم رد مال و هم جزای نقدی وجود دارد، مبلغ وثیقه ۲ برابر می‌شود، یک جزء آن خسارت و یک جزء آن جزای نقدی را تأمین می‌کند.
- ✓ در قرار وثیقه، اگر مال منقول باشد، توقیف فیزیکی می‌شود اما اگر مال غیرمنقول باشد توقیف فیزیکی معنای ندارد، مانند توقیف خانه که وثیقه‌گذار در آن خانه سکونت دارد، اما سند خانه در دایره ثبت بازداشت می‌شود.
- ✓ بازپرس یک مقام قضایی مستقل است، اگر بازپرس نسبت به متهم نظر به قرار کفالت داشته باشد اما متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است.
- ✓ خواستن متهم از وثیقه‌گذار فقط برای ۱- تحقیقات ۲- دادرسی ۳- اجرای حکم ضرورت دارد.
- ✓ وثیقه‌گذار ممکن است شخص متهم یا شخص ثالث باشد.

تشریح ماده ۲۳۰ ق.آ.د.ک:

در خصوص اجرای دستور دادستان نسبت به اخذ وثیقه وجه الکفاله یا وجه الضمان تشریفاتی به شرح ذیل بیان شده است:

۱. اگر خود متهم ملزم شده باشد یا وثیقه‌گذاشته باشد: در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود، در صورت عدم حضور به دستور دادستان عملیات اجرایی صورت می‌گیرد.
۲. اگر وثیقه‌گذار یا کفیل ملزم شده باشد یا وثیقه‌گذاشته باشد: به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که **ظرف یک ماه** متهم را تحويل دهد، در صورت ابلاغ **واقعی** اخطاریه و عدم تحويل متهم، به دستور دادستان عملیات اجرایی صورت می‌گیرد.
- ✓ دادستان در قالب دستور نسبت به ضبط اقدام می‌کند.
- ✓ موارد فوق در صورتی اجرا می‌شود که ابلاغ به اشخاص واقعی باشد.
- ✓ پس از عملیات اجرا معادل مبلغ تأمین برداشت می‌شود و باقی به متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار مسترد می‌شود.
- ✓ دستور دادستان در واحد اجرای احکام کیفری اما با تشریفات اجرای احکام مدنی صورت می‌گیرد.
- ✓

**د- قرار بازداشت موقت «توقیف احتیاطی»:** بازداشت موقت مهمترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری است، توقیف متهم و اعزام وی به زندان در اثناء تحقیقات مقدماتی از سوی مقام تحقیق با در نظر گرفتن یکی از شرایط ماده ۲۲۸ ق.آ.د.ک می‌باشد.

**اصل:** صدور قرار بازداشت موقت جائز نیست. «صدر ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک»

**استثناء:** مگر در مورد جرائم زیر که **دلایل، قرائن و امارات کافی** بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف - جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات **عمدی** علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها **ثلث دیه** کامل یا بیش از آن است.

ب - جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آن‌ها درجه پنج و بالاتر است.

ت - ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به‌وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشه، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعلو در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد.

✓ اگر مصادیق مجازات جرائم بند فوق و درجه آن منطبق با بند «ب» باشد: (درجه ۱، ۲، ۳ و ۴) در این موارد بازداشت موقت نیازی به سابقه ندارد.

مانند جرم سرقت تعزیری ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ۲۰ سال حبس برای آن پیش‌بینی نموده است، درجه آن ۲ است پس برای بازداشت موقت نیاز به سابقه کیفری ندارد.

✓ اگر مصادیق مجازات جرائم بند فوق و درجه آن منطبق با بند «ب» باشد: (درجه ۵، ۶، ۷ و ۸) در این موارد بازداشت موقت نیازی به سابقه دارد.

مانند جرم خیانت در امانت مواد ۶۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات حداقل ۳ سال حبس برای آن پیش‌بینی نموده است، درجه آن ۵ است پس برای بازداشت موقت نیاز به سابقه کیفری دارد.

✓ در بند «ث» فوق نیاز به سابقه کیفری با هر یک از مصادیق بیان شده قابل جمع است، برای مثال می‌توان خیانت در امانت را با سابقه جعل مطرح نمود.

### شرایط صدور قرار بازداشت موقت: «مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ ق.آ.د.ک»

✓ قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و ادله آن در متن قرار ذکر شود.  
✓ حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود.

✓ آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.

✓ بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.  
✓ آزاد بودن متهم مخل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

### شرایط اجرای قرار بازداشت موقت:

۱. ارسال فوری قرار جهت اظهارنظر دادستان «ماده ۲۴۰ ق.آ.د.ک»
۲. ارسال پرونده به دادگاه کیفری صالح در صورت اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت «مواد ۲۳۹ و ۲۴۱ ق.آ.د.ک»

### فک و اعتراض به قرار بازداشت موقت:

✓ اعتراض ضمن صدور قرار: به موجب مواد ۲۳۹ و بند «ب» ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک متهم با صدور قرار بازداشت موقت، حق اعتراض به این قرار را طرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قرار خواهد داشت.

✓ ماده ۲۴۱ ق.آ.د.ک: اگر علت بازداشت مرتفع شود، به ۲ شکل می‌توان بازداشت موقت را فک نمود:  
۱. اگر بازپرس علت را مرتفع بداند، نظر خود را به دادستان اعلام می‌کند و دادستان اظهارنظر خود را به ۲ شکل بیان می‌کند:

✓ با فک قرار بازداشت موافق.

✓ با فک قرار بازداشت مخالفم. (حل اختلاف با دادگاه صالح است) رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

۲. اگر متهم موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس به طور فوری و حداکثر ظرف پنج روز به طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهارنظر می‌کند.
- ✓ لایحه پذیرفته می‌شود و مراتب مجدداً به نظر دادستان می‌رسد که یا مخالف است یا موافق.
  - ✓ لایحه رد می‌شود و چون به ضرر متهم است به او ابلاغ می‌شود و از تاریخ ابلاغ ظرف ۱۰ روز می‌تواند نسبت به آن اعتراض نماید.
  - ✓ فک یا تخفیف قرارهای تأمین منتهی به بازداشت نیازی به موافقت دادستان ندارد.
  - ✓ تخفیف تأمین در دادسرا و تخفیف و تشید تأمین در **دادگاه** غیرقابل اعتراض است.
  - ✓ تشید تأمین در دادسرا قابل اعتراض از سوی متهم است. (بند ب ماده ۲۷۰)
  - ✓ ابقاء قرار تأمین منتهی به بازداشت، ابقاء قرار بازداشت موقت همچنین فک یا تخفیف قرار بازداشت موقت باید به موافقت دادستان برسد.
  - ✓ متهم این حق را دارد که در هر ماه نسبت به برطرف شدن موجب بازداشت درخواست خود را مطرح کند.

#### **مدت بازداشت موقت: «ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک»**

مدت بازداشت متهم نباید از **حداقل مجازات حبس** مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از **دو سال** و در سایر جرائم از **یک سال** تجاوز نمی‌کند.

#### **اقسام قرار بازداشت موقت:**

- ✓ بازداشت موقت بر اساس مرجع: دادسرا، دادگاه
- ✓ بازداشت موقت بر اساس مقام قضایی: بازپرس، دادرس
- ✓ بازداشت موقت بر اساس موضوع: بازداشت موقت، نگهداری موقت
- ✓ بازداشت موقت بر اساس ماهیت: الزامي، اختیاری
- ✓ بازداشت موقت بر اساس میزان: ۱ ماه، ۲ ماه

#### **۸. نیابت قضایی**

به استناد ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک بازپرس صرفاً در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه می‌کند. همچنین طبق ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک اگر انجام برخی از اقدامات تحقیق در خارج از حوزه قضایی باشد، بازپرس حق ورود به آن حوزه ندارد و باید از نیابت قضایی استفاده کند.

ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک: «هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضایی مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آن‌ها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطائی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضاء به همراه سایر مدارک به دست آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مذبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت‌دهنده اعلام می‌دارد.»

نیابت قضایی به ۲ روش صورت می‌گیرد:

۱. نیابت عام یا کلی
۲. نیابت خاص یا جزئی

✓ ماهیت نیابت قضایی، یک قرار است؛ اما تعامل ۲ مرجع قضایی است. مرجع نیابت‌دهنده معطی نیابت است و مرجع نیابت‌گیرنده مجری نیابت محسوب می‌شود.

✓ مرجع مجری نیابت در انجام نیابت محدود است بدان معنا که مرجع مجری در صدور **قرارهای نهایی** کاملاً منع می‌باشد. چون باید این قرارها توسط بازپرس صورت گیرد که جرم در حوزه او رخ داده است.

✓ اگر انجام امور نیابت در حوزه‌ای غیر از حوزه مجری نیابت باشد، به نوعی می‌توان نیابت در نیابت را صورت داد، به شرط آنکه مقام مجری پس از اعطای نیابت به مرجع دیگری، موضوع را به مرجع معطی نیابت اطلاع دهد.

✓ قرار نیابت قابل اعتراض نیست، چه از دادسرا صادر شده باشد چه از دادگاه.

✓ ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک در خصوص صدور قرار تأمین در نیابت قضایی می‌باشد.

ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک به طرق ذیل تعریف می‌شود:

- مرجع معطی رأساً قرار تأمین را صادر می‌کند.

- مرجع معطی اختیار صدور قرار تأمین را به مرجع مجری تفویض می‌کند.

- مرجع معطی قرار تأمین صادر نمی‌کند، در این مورد مرجع مجری می‌تواند رأساً قرار تأمین صادر نماید.

- مرجع معطی قرار تأمین صادر می‌کند، اما نامتناسب باشد، در این مورد مرجع مجری قرار تأمین را متناسب می‌سازد.

✓ اگر در اجرای نیابت شخص متهم به دلیل تأمینی چون وثیقه و عجز از تودیع وثیقه به بازداشتگاه منتقل شود، ۲ مطلب لازم به ذکر است:

۱. دادستان در این مورد اظهارنظر بنماید. (دادستان محل اجرای نیابت)

۲. شخص بازداشتی به این بازداشت اعتراض نماید. (دادگاه صالح محل اجرای نیابت)

✓ هر ۲ مورد اعم از نظر دادستان و اعتراض، در **مرجع مجری نیابت** صورت می‌گیرد.

✓ مواعده اعتراض همچنان طبق اصول کلی لحاظ می‌شود، یعنی ۱۰ روز و مرجع رسیدگی به اعتراض هم دادگاه صالح است.

✓ در بعضی از مواقع بازپرس باید شخصاً در تحقیقات حاضر شود، به عبارتی می‌باشد او لازم است، اما مداخله او خارج از حوزه قضایی او می‌باشد؛ در این مورد بازپرس **مکلف** است که با دادستان تعامل کند:

۱. اعلام موضوع به دادستان محل متبع خویش

۲. هماهنگی با دادستان محل مأموریت خویش

✓ نیابت در دادسرا، دادگاه، حوزه بخش و حتی تجدیدنظر بالمانع است.

### اقدامات مرجع معطی نیابت

۱. صدور قرار نیابت قضایی

۲. ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده

۳. تصریح موارد انجام نیابت

### اقدامات مرجع مجری نیابت

۱. اقدام در حدود مفاد نیابت اعطایی

۲. ارسال اوراق جدید التحصیل به مرجع معطی نیابت

۳. ارسال نیابت اعطایی به حوزه قضایی صالح

۴. اخذ اظهارنظر دادستان در قرار تأمین صادره متنه به بازداشت متهم

- ✓ اقدامات تحقیقی ذیل در روز انجام می‌شود: تبصره ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک: «روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است.»
۱. تحقیق محلی «ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک»
  ۲. معاينة محل «ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک»
  ۳. تفییش «ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک»
  ۴. جلب «ماده ۱۸۳ ق.آ.د.ک»

#### **انواع قرار نظارت قضایی:**

به منظور تکمیل تأثیر قرارهای تأمین و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط متهم صادر می‌شوند.

قرارهای نظارت قضایی می‌توانند به همراه قرار تأمین صادر گرددند. (در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت در صورت ارائه تضمینی لازم برای جبران خسارات وارد، مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفا کند.)

#### **۱. معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس**

در این قرار محل مراجعة و معرفی متهم محدود به مرجع «قضایی یا انتظامی» نیست، همچنین نوبت‌های مراجعة در قانون تعیین نشده و وجه التزام نیز برای قرار تعیین نمی‌گردد.

#### **۲. منع رانندگی با وسائل نقلیه موتوری**

در مورد این قرار مراتب به منظور اخذ گواهینامه رانندگی از متهم و ضبط موقت آن به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی حوزه قضایی صادرکننده قرار ابلاغ می‌شود.

#### **۳. منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتکابی**

به موجب این قرار در صورتی که متهم دارای جواز کار یا پروانه اشتغال باشد، جواز کار یا پروانه مجبور باید از طریق مرجع مربوط موقتاً از وی اخذ و مراتب به مقام صادرکننده قرار گزارش شود.

#### **۴. ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز**

به موجب این قرار سلاح و پروانه مربوط اخذ و به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحويل داده می‌شود.

#### **۵. ممنوعیت خروج از کشور**

این قرار با دستور منع خروج از کشور متفاوت است.

در قانون جدید آ.د.ک دو نوع دستور منع خروج از کشور پیش‌بینی شده است:

- (۱) به موجب ماده ۱۸۸ قبل از دسترسی به متهم
- (۲) در قالب قرار نظارت قضایی بعد از دسترسی به متهم

به موجب بند ث ماده ۲۴۷ قرار ممنوعیت خروج از کشور که پس از دسترسی به متهم صادر شده است در موارد زیر منقضی می‌شود:

- (۱) حضور متهم در بازپرسی
- (۲) صدور قرار موقوفی تعقیب

- (۳) صدور قرار ترک تعقیب  
(۴) صدور قرار منع تعقیب

در صورت منقضی شدن مدت ممنوع الخروجی، دستور خود به خود منقضی می شود و مراجع مزبور نمی توانند مانع خروج شخص شوند.

## خاتمه تحقیقات

### آخرین دفاع

ایجاد فرصت برای متهم یا وکیل او است تا آخرین اظهارات و دفاعیات خود را برای برائت یا کشف حقیقت در رابطه با جرم انتسابی به خویش یا موکل خویش پس از بیان تحقیقات ابراز نماید.

ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک درباره آخرین دفاع بیان می دارد: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.»

ماده ۲۶۳ ق.آ.د.ک: «در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ یک از آنان بدون اعلام عذر موجه، حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می شود.»

✓ اصل بر برائت است و به همین دلیل کسی که مورد حمایت این اصل قرار دارد و علیه او ادعایی مطرح شده باید آخرین کسی باشد که مطلبی در خصوص اتهام می گوید. پس آخرین مطلبی که در پرونده در خصوص اتهام شنیده می شود، باید دفاع متهم باشد.

✓ از شرط «وجود دلایل کافی بر وقوع جرم» در صدر ماده چنین برمی آید که بازپرس در صورتی مکلف به اخذ آخرین دفاع از متهم قبل از اظهار نظر نهایی است که دلایل وقوع جرم (توسط متهم) را کافی بداند؛ به عبارت دیگر، اگر بر اساس دلایل و مدارک موجود در پرونده، بازپرس متهم را بی گناه دانسته، قصد صدور قرار منع تعقیب در مورد او داشته باشد، نیازی به احضار و اخذ آخرین دفاع از او نیست.

✓ دریافت احضاریه توسط متهم یا وکیل وی چهت آخرین دفاع می تواند قرینه ای بر این باشد که نظر بازپرس بر صدور قرار جلب به دادرسی است. در این حال، دفاع متهم یا وکیل او نقش تعیین کننده ای در تغییر نظر بازپرس و مقاعد ساختن وی به صدور قرار منع تعقیب دارد.

✓ آخرین دفاع حقیقتی متهم است که قابل اسقاط می باشد.

✓ در صورتی که متهم یا وکیل او با وجود ابلاغ احضاریه، برای ارائه آخرین دفاع حاضر نشوند، بازپرس نمی تواند حاضر نمودن متهم را از کفیل یا وثیقه گذار بخواهد یا دستور جلب متهم را بدهد.

✓ از ماده فوق برمی آید که بازپرس می تواند آخرین دفاع متهم را از وکیل وی اخذ نماید و متهم همانگونه که می تواند اصلاً برای ارائه آخرین دفاع حاضر نشود، می تواند این امر را به عهده وکیل خود بسپارد. معنای این مطلب آن است که اگر بازپرس تحقیقات را کافی دانسته و برای جمع بندی و مهیا شدن برای صدور قرار جلب به دادرسی، متهم را برای اخذ آخرین دفاع احضار کند، نمی تواند مقرر کند که متهم شخصاً چهت ارائه آخرین دفاع در شعبه بازپرس حضور یابد.

✓ آخرین دفاع مقدمه جلب به دادرسی است.

### قرارهای نهایی

پس از خاتمه تحقیقات و انجام اقدامات قانونی مقام تحقیق نظر خود را در غالب یک قرار نهایی اعلام می کند.

## اوصاف قرارهای نهایی

- ✓ قرار نهایی با پایان یافتن تحقیقات مقدماتی و اعلام ختم تحقیقات از سوی مقام تحقیق، صادر می‌شود.
- ماده ۲۶۴ ق.آ.د.ک: «پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، بازپرس مکلف است به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز در قالب قرار مناسب، اعلام کند.»
- ✓ قرار نهایی پس از صدور غیرقابل عدول هستند.
- ماده ۲۸۲ ق.آ.د.ک: «دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند.»
- ✓ با صدور قرار نهایی، موضوع مطروح اعتبار امر مختوم پیدا می‌کند و شکایت مجدد در خصوص همان موضوع و با اصحاب واحد و سبب واحد مشمول اعتبار امر مختوم کیفری خواهد شد.
- ✓ قرارهای نهایی قابل جمع نیستند.

## شرایط صدور قرارهای نهایی

- ✓ قرار نهایی پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات باید صادر شود.
- ✓ قرار نهایی باید به صورت **مستند و مستدل** باشد، یعنی مقام تحقیق موظف است در متن قرار مذکور استدلال و استناد قانونی خود را بیان نماید.
- ✓ قرار نهایی باید **حداکثر ظرف پنج روز** از تاریخ اعلام ختم تحقیقات صادر شود.
- ✓ قرار نهایی پس از صدور باید از جانب مقام تحقیق فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان باید ظرف **سه روز** از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند.
- ✓ در کلانشهرها دادیار اظهارنظر می‌کند.
- ✓ در صورتی که دادستان با قرار جلب به دادرسی موافق باشد، ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.
- ✓ قرارهای نهایی اعم از اینکه توسط بازپرس صادر شوند یا دادیار، به دلیل اهمیت آنها و تأثیری که در سرنوشت پرونده دارند باید به **تأیید دادستان** نیز برسند.
- ✓ استثنای قرار بایگانی پرونده که در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت توسط **دادگاه** صادر شده باشد نیاز به موافقت مرجع دیگری ندارد.

قرارهای نهایی از بُعد قابلیت اعتراض یا عدم قابلیت اعتراض فارغ از ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

- ✓ قرار منع تعقیب: قابل اعتراض است: ابلاغ می‌شود.
- ✓ قرار موقوفی تعقیب: قابل اعتراض است: ابلاغ می‌شود.
- ✓ قرار جلب به دادرسی: قابل اعتراض نیست: ابلاغ نمی‌شود.
- ✓ قرار عدم صلاحیت: قابل اعتراض نیست: ابلاغ نمی‌شود.

قرارهای قابل اعتراض فقط توسط شاکی می‌توانند مورد اعتراض قرار گیرند، جز قرار بایگانی پرونده که هم توسط شاکی و هم توسط دادستان قابل اعتراض هستند.

مهلت اعتراض به قرارهای مذکور **۵ روز** و برای اشخاص مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است.

رأی که دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض صادر می‌کند اصولاً قطعی و غیرقابل اعتراض است جز در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک که فقط در صورت تأیید این قرارها (نه تقض آن‌ها) مطابق مقررات قبل تجدیدنظر است.

### انواع قرارهای نهایی

#### ۱. قرار موقوفی تعقیب

مقام تحقیق بدون ورود به ماهیت پرونده و بررسی ادلہ شاکی در صورت وجود موارد مصراحت قانونی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌نماید. مهم‌ترین مصادیق برای صدور قرار موقوفی تعقیب موارد مذکور در ماده ۱۲ ق.آ.د.ک می‌باشد. ماده ۱۳ ق.آ.د.ک:

«تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:  
الف - فوت متهم یا محکوم علیه

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

چ - اعتبار امر مختوم»

✓ با صدور قرار موقوفی تعقیب، مقام تحقیق مکلف است قرار مذکور را به طرفین ابلاغ کند از قرار تأمین رفع اثر نماید و در صورتی که متهم در بازداشت باشد، بالافاصله باید او را آزاد کند.

#### ۲. قرار منع تعقیب

مقام تحقیق باید طبق ماده ۳۶۵ ق.آ.د.ک که بیان می‌دارد: «... در صورت جرم نبودن عمل ارتکابی و یا فقدان ادلہ کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر... (می‌کند)»

قرار منع تعقیب در ۲ حالت صادر می‌شود:

۱. در صورتی که رفتار ارتکابی مشتکی عنه جرم نباشد. مانند اینکه (الف) به (ب) مبلغی پول قرض می‌دهد و (ب) در پرداخت قرض (الف) تأخیر می‌کند و (الف) علیه (ب) شکایت خیانت در امانت مطرح می‌نماید که در چنین حالتی به توجه به اینکه رفتار (ب) جرم نبوده و صرفاً نقض تعهد محسوب می‌گردد، قرار منع تعقیب صادر می‌گردد.

۲. در صورتی که ادلہ کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد؛ مانند شکایت (الف) علیه (ب) مبنی بر توهین در حالی که (الف) هیچ دلیلی در رابطه با توهین نمودن (ب) به خود ارائه نمی‌کند.

✓ با صدور قرار منع تعقیب، مقام تحقیق مکلف است قرار مذکور را به طرفین ابلاغ کند و از قرار تأمین رفع اثر نماید و در صورتی که متهم در بازداشت باشد، بالافاصله باید او را آزاد کند.

#### ۳. قرار جلب به دادرسی

در صورتی که مقام تحقیق عقیده به جرم بودن رفتار ارتکابی داشته و ادلہ کافی نیز برای انتساب جرم به متهم وجود داشته باشد، قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند، پرونده پس از موافقت دادستان با قرار جلب دادرسی مقام تحقیق و صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال خواهد شد.

بازپرس باید پس از صدور قرار جلب به دادرسی، پرونده را فوری نزد دادستان ارسال کند. دادستان باید طرف سه‌روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند.

حالات مختلف نظر دادستان راجع به قرار جلب به دادرسی صادره از جانب بازپرس:

۱. دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند: ماده ۲۶۶ ق.آ.د.ک: «چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می کند و تکمیل آن را می خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.»

۲. دادستان قرار جلب به دادرسی صادر از جانب بازپرس را کامل و مبتنی بر رعایت تمامی تشریفات قانونی بداند: ماده ۲۶۸ ق.آ.د.ک: «در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان طرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بالافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می کند.»

۳. مخالفت دادستان با قرار جلب به دادرسی صادر از جانب بازپرس: ماده ۲۶۹ ق.آ.د.ک: «در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می شود.»

✓ منظور از دادگاه صالح مطابق ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را داشته باشد. با این حال اگر مخالفت دادستان یا قرار جلب دادرس بازپرس به واسطه صلاحیت، نوع جرم یا مصاديق قانونی آن باشد، حل اختلاف با دادگاه کیفری ۲ که دادسرا در معیت آن است می باشد.

### نقض قرار یا اعلام نقص تحقیقات از سوی دادگاه

با صدور قرار جلب به دادرسی و تنظیم کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، چنانچه دادگاه تحقیقات صورت گرفته را ناقص بداند:

۱. تکمیل تحقیقات را از مرجع صادرکننده قرار بخواهد.
  ۲. خود اقدام به تکمیل تحقیقات نماید.
- ✓ در صورتی که دادگاه تکمیل تحقیقات را از مرجع تحقیق بخواهد، **مکلف** است موارد نقص تحقیق را به تفصیل و بدون هرگونه ابهام بیان کند و مرجع تحقیق نیز با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می کند. ماده ۲۷۵ ق.آ.د.ک در این باره بیان می دارد که: «هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده شود، دادسرای مربوط با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می کند و اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیابد، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می کند.»

### اعتراض به قرارهای صادر از جانب بازپرس

در ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک در خصوص تصمیمات قابل اعتراض بازپرس اعلام نظر شده است، این تصمیمات به ۲ شکل ذیل تفصیل بندی می شود:

۱. تصمیمات قابل اعتراض از ناحیه شاکی: قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب و قرار اناطه
  ۲. تصمیمات قابل اعتراض از ناحیه متهم: قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشديد تأمین
- ✓ در ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک مقرر از قید «علاوه بر» استفاده نموده است، این بدان خاطر است که تصمیماتی که از ناحیه بازپرس قابل اعتراض است و در این ماده ذکر نشده است، مانند: قرار توقف تحقیق، قرار عدم دسترسی به پرونده، قرار نظارت قضائی.
- ✓ مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ۱۰ روز و برای افراد مقیم خارج از کشور ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ است

### اعتراض شاکی به قرار نسبت به قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب

پرونده کیفری ممکن است به واسطه اعتراض شاکی نسبت به قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب، به دادگاه ارسال شود. در چنین حالتی، چنانچه دادگاه صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب را مبتنی بر قانون و صحیح بداند، قرار صادره را تأیید می‌نماید که در این صورت قرارهای مذکور **قطعی** می‌گردند. چنانچه دادگاه اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، قرارهای فوق را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌نماید. باید دقت کرد که دادگاه پس از بررسی اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب با ٣ وضعیت مواجه می‌شود:

۱. اعتراض شاکی موجه نباشد، قرار صادره تأیید می‌شود.
۲. اعتراض شاکی موجه بوده و با توجه به تحقیقات مقدماتی صورت پذیرفته، جرم رخ داده باشد که در چنین حالتی دادگاه قرار جلب به دادرسی صادر و پرونده جهت احضار متهم و تهییم آتهام و اخذ آخرين دفاع به مرجع تحقیق اعاده می‌گردد. مرجع تحقیق صرفاً ملزم به رعایت اقدامات فوق است و نباید قرار جلب به دادرسی صادر نماید، زیرا این قرار از سوی دادگاه صادر گردیده است و پس از انجام اقدامات فوق پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند.
۳. آ.د.ک: «دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادسرا کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقض تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد.» ماده ۲۷۶ ق.آ.د.ک: «در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع آتهام را به او تهییم کند و با اخذ آخرين دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید.»
۴. دادگاه بدون نقض قرار صادره، صرفاً تکمیل تحقیقات را از مرجع تحقیق می‌خواهد. در این حالت دادگاه مکلف است موارد نقض تحقیق را به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم خود قید نماید و مرجع تحقیق نیز ملزم به رفع نواقص مطروحه، بدون صدور قرار و ارسال پرونده به دادگاه است.

### قرار منع تعقیب و اعتبار امر مختوم

قرار منع تعقیب یک قرار نهایی است که اعتبار امر مختوم دارد، اما ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک قرار منع تعقیب را با قاعدة اعتبار امر مختوم به ۲ شکل ذیل جمع نموده است:

۱. قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن عمل: اعتبار امر مختوم به صورت مطلق یا تام است.
  ۲. قرار منع تعقیب به لحاظ فقدان ادله: در این مورد نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان آتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید؛ باید این دلیل جدید به مقام قضایی ارائه شود و با تجویز او قرار منع تعقیب تقصیل گردد:
    ۱. اگر قرار منع تعقیب در دادسرا قطعی شود: پس از کشف دلیل جدید با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است.
    ۲. اگر قرار منع تعقیب در دادگاه قطعی شود: پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به آتهام، تعقیب کرد.
- ✓ نکته: تجویز ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک هرگز به معنای نقض قرار منع تعقیب به صورت فوری و الزامي نیست.
- ✓ در هر ۲ صورت فوق الذکر ۱ مرتبه این امکان وجود دارد، اگر تجویز صورت بگیرد، اما پس از بررسی ادله مقام قضایی به اغفاء نرسد، همان قرار منع تعقیب پابرجا می‌ماند، به عبارت دیگر قرار جدید صادر نمی‌شود.
- ✓ درخواست نقض قرار منع تعقیب و ارائه دلیل جدید یک مرتبه مجاز می‌باشد و وابسته به مهلت نیست، مگر مرور زمان حادث شود.

### قرار بایگانی پرونده

- ✓ این قرار در راستای اعمال اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب و به عنوان یکی از جایگرین‌های تعقیب صادر می‌شود.
- ✓ این قرار نه توسط بازپرس و نه توسط دادستان بلکه توسط **قاضی دادگاه** صادر می‌شود.
- ✓ از قید چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد معلوم می‌شود که صدور این قرار فقط در جرائم **غیر قابل گذشت** امکان‌پذیر است.
- ✓ قرار بایگانی پرونده در جرائم تعزیری درجه **هفت و هشت** در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری صادر می‌شود.
- ✓ مقام قضایی پس از تهییم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم فقط **یکبار** از تعقیب متهم خودداری کند.
- ✓ این قرار طرف **۱۰ روز** از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است و مرجع اعتراض دادگاه تجدیدنظر می‌باشد.

### قرار توقف تحقیقات

اگر هویت مرتكب جرم معلوم نشود «نه اینکه متهم دستگیر شود» در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت پس از گذشت **دو سال** بازپرس می‌تواند با موافقت دادستان در برخی جرائم تعزیری قرار توقف تحقیقات صادر نماید.

- ✓ این قرار طرف **۱۰ روز** قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

### کیفرخواست:

- ✓ کیفرخواست یا ادعانامه عبارت است از تقاضای مقام دادستان در جهت اعمال مجازات نسبت به متهم.
- ✓ دادرس دادگاه صالح هرگز تابع کیفرخواست نیست، هرچند کیفرخواست در اکثریت مواقع موجب محکومیت می‌شود.
- ✓ کیفرخواست پل ارتباطی دادرسرا به دادگاه است.
- ✓ کیفرخواست نه حکم است نه قرار، بلکه یک تضمیم قضایی است.
- ✓ کیفرخواست خاتمه امر تعقیب و تحقیق است و به نوعی آغاز دادرسی در دادگاه است.
- ✓ کیفرخواست قابل اصلاح، استرداد و انصراف نیست، مگر در شرایط خاص قانونی مثل: سهو قلم با کشف ادله جدید به نفع یا ضرر متهم یا گذشت در جرم قابل گذشت.
- ✓ کیفرخواست به ۲ صورت صادر می‌شود:
- ✓ کیفرخواست به صورت کتبی: طبقم ۲۷۹ ق.آ.د.ک در اکثر مواقع صادر می‌شود.
- ✓ کیفرخواست به صورت شفاهی: طبقم ۸۶ ق.آ.د.ک و با رعایت شرایط مندرج در این ماده صادر می‌شود.

### صدور کیفرخواست کتبی

در صدور کیفرخواست کتبی شرایط ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک باید لحاظ شود.

ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک: «در کیفرخواست موارد زیر قید می‌شود:

- الف - مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او
- ب - آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت
- پ - نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه
- ت - ادله انتساب اتهام
- ث - مستند قانونی اتهام
- ج - سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم

ج - خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم»

### صدور کیفرخواست شفاهی

- ✓ کیفرخواست شفاهی در پرونده‌های جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک امکان‌پذیر نیست.
- ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی که متهم و شاکی حاضر باشند امکان‌پذیر است.
- ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی که متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد امکان‌پذیر است.
- ✓ گذشت فوق به نحوی نیست که قرار موقوفی حاصل کند، به عبارتی گذشت در جرائم غیرقابل گذشت می‌باشد.
- ✓ کیفرخواست به نام دادستان است، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس مطابق این ماده عمل کند.
- ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی ممکن است که تحقیقات مقدماتی کامل باشد. مراد از تحقیقات اقداماتی چون احضار طرفین، احضار شهود، کارشناسی، تحقیق محل و معاینه محلی.
- ✓ به موجب ماده ۸۶ ق.آ.د.ک،أخذ تأمین مناسب از متهم با دادگاه است.
- ✓ کیفرخواست شفاهی مطابق با اظهارات شفاهی نیست، بلکه یک صورت جلسه مختصر و مفید از دادستان می‌باشد.
- ✓ در کیفرخواست شفاهی بعد زمانی که نشان از فوریت دارد وجود دارد که عبارتند از:
  - ✓ ۱. طرح موضوع از دادسرا به دادگاه: بلافصله
  - ✓ ۲. تشکیل جلسه دادگاه برای محاکمه: بدون تأخیر
  - ✓ ۳. عدم استفاده متهم از حق داشتن وکیل و رسیدگی در دادگاه: همان جلسه
  - ✓ تأکید می‌شود که عبارات بالا دلالت بر سرعت عمل و فوریت دارد.
- ✓ در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک، به بعد زمانی معین اشاره شده است که این بعد عبارتند از:
  - ✓ ۱. مدت زمان متهم برای انتخاب وکیل: حداقل ۳ روز
  - ✓ ۲. مدت زمان شاکی برای تنظیم دادخواست مطالبه ضرر و زیان: حداقل ۵ روز
- ✓ داشتن وکیل برای متهم حق است و دادرس دادگاه باید این حق را به متهم تفهم کند، در غیر این صورت ضمانت اجرای تخلف این تکلیف تبصره ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک می‌باشد: «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.»
- ✓ به دلیل عدم امکان رسیدگی به امر کیفری و حقوقی ماده ۸۶ ق.آ.د. این اختیار را به دادرس دادگاه اعطاء کرده است که به صورت جداگانه به این موضوعات رسیدگی کند و رأی مقتضی صادر کند.

### گذشت شاکی پس از صدور کیفرخواست

در صورتی که پس از صدور کیفرخواست شاکی گذشت کند:

۱. جرم قابل گذشت باشد: قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
۲. جرم غیرقابل گذشت باشد: با شرایطی قرار تعليق تعقیب صادر می‌شود.

### دادرسی

در قسمت دادرسی و محاکمات ۳ مؤلفه وجود دارد:

۱. صلاحیت
۲. تشریفات
۳. اعتراضات

## صلاحیت

صلاحیت کیفری توانایی، شایستگی و تکلیف به موجب قانون، به منظور انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به امور کیفری می‌باشد.

قواعد مربوط به صلاحیت از جمله قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی است که کلیه مراجع قضایی، اعم از مراجع تعقیب و مراجع حکم موظف به رعایت آن هستند.

### انواع صلاحیت در امور کیفری

#### صلاحیت ذاتی

صلاحیت مراجع کیفری عالی نسبت به تالی و مراجع کیفری که مطابق قانون ملزم به رسیدگی به نوع خاصی از جرائم هستند، ذاتی می‌باشد. به عنوان نمونه صلاحیت دادگاه‌های کیفری، انقلاب و نظامی نسبت به یکدیگر ذاتی محسوب می‌شوند.

سه عنصر صنف، نوع و درجه، صلاحیت ذاتی مراجع قضایی و غیرقضایی، یا حقوقی و کیفری را از یکدیگر تقسیم می‌نماید.

**صنف:** مشخص می‌کند رسیدگی به موضوع مورد نظر باید توسط مرجع حقوقی، کیفری یا اداری صورت گیرد.

**نوع:** منظور از نوع یک دادگاه تعیین این نکته است که آیا مرجع مذبور باید یک مرجع عمومی باشد یا اختصاصی. مراجع عمومی مراجعي هستند که صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند مگر اموری که صراحتاً رسیدگی آن‌ها در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته باشد. مراجع اختصاصی اصولاً صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند مگر اینکه رسیدگی به امور معینی صراحتاً در صلاحیت آن‌ها قرار گرفته باشد.

**درجه:** منظور از درجه این است که موضوع مورد نظر در صلاحیت مرجع بدوى است یا مرجع تجدیدنظر.

#### صلاحیت محلی

توانایی، شایستگی و تکلیف به موجب قانون که به مرجع کیفری  **محل وقوع جرم** و به منظور انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است؛ به عبارت دیگر، صلاحیت محلی مجوز قانونی است که به دادسرا دادگاه محل وقوع جرم به منظور تحقیقات مقدماتی و رسیدگی داده می‌شود.

##### ✓ صلاحیت محلی در جرم کلاهبرداری رایانه‌ای

به استناد رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ مورخ ۹۱/۱۲/۱: «در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه، هرگاه تمهد مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضایی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح‌کننده حساب زیان‌دیده از بزه که پول به طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است.»

##### ✓ صلاحیت محلی در جرم مزاحمت تلفنی

به استناد رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱ مورخ ۹۰/۴/۲۱: «وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر - موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی - منوط به آن است که نتیجه آنکه مقصود مرتکب است محقق گردد، بنابراین در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضایی شروع و نتیجه آن در حوزه قضایی دیگر حاصل شود،  **محل حدوث نتیجه** مذبور، محل وقوع جرم محسوب و مناطق صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده نیز همین امر خواهد بود.»

##### ✓ صلاحیت محلی در جرم صدور چک بالامحل

به استناد رأی وحدت رویه شماره ۶۶۹ مورخ ۸۳/۷/۲۱: «در رویه متداول سیستم یکپارچه بانک‌ها، به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید؛ بنابراین در صورت مراجعته دارنده

چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع آلیه، بزه صدور چک بالامحل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود.»

### صلاحیت محلی با توجه به نوع جرم

**جرائم مركب:** رویه قضایی دادگاه صالح را دادگاه محل وقوع آخرين جزء که سبب تکمیل آن شده می داند.

**جرائم مستمر:** هریک از محل هایی که جرم در آن استمرار داشته صالح به رسیدگی هستند و چنانچه یکی از آنها شروع به رسیدگی نماید به دلیل سبق رسیدگی، حق تقدیم دارد. در این فرض متهم اگر دستگیر شود دادگاه محل دستگیری صالح است.

**جرائم مقید:** محل حدوث نتیجه، محل وقوع جرم محسوب و مناطق صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود.

**ترک فعل:** در این نوع جرم مکانی که شخص در آنجا موظف به انجام عملی معین بوده ولی از انجام آن خودداری ورزیده است، محل تتحقق جرم تلقی می شود. (مانند ۱) جرم ترک اتفاق که محل وقوع جرم جایی است که نفعه زن باید در آنجا پرداخت شود؛ یعنی اقامتگاه مشترک زوجین (۲) جرم فرار زندانی از مرخصی، محل وقوع جرم زندانی است که وی باید خود را به آنجا معرفی کند.»

### صلاحیت شخصی

قانون‌گذار به واسطه برخی ویژگی‌های شخصیتی و جایگاه حقوقی مجرم قواعد عام صلاحیت، موضوع مواد ۱۱۶ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک را تخصیص زده است؛ به عبارت دیگر صلاحیت شخصی، شایستگی و تکلیف به موجب قانون با در نظر گرفتن شخصیت و جایگاه مجرم به منظور انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به امور کیفری می‌باشد. در صلاحیت شخصی مرجع کیفری به واسطه شخصیت متهم، صالح به رسیدگی است و در این راستا امکان دارد صلاحیت محلی و در برخی موارد صلاحیت ذاتی نقض گردد.

### مهمنترین مصادیق صلاحیت شخصی

#### دادگاه اطفال و نوجوانان

به استناد ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود...».

✓ قانون‌گذار رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام شمسی را با توجه به شخصیت آنان در اجتماع، در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان قرار داده است.

✓ در مواردی که افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی مجرم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین دادگاه انقلاب (در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود) گردند، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان را صالح دانسته است. ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک به این نکته اشاره دارد: «جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.»

### أشخاص و مقامات موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آینین دادرسی کیفری

ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک: «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، ریس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، ریس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران، مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استان ها، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه های کفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱ - شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضائیه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

تبصره ۲ - رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.»

✓ دلیل چنین رویکردی را می توان جلوگیری از رعایت برخی ملاحظات در خصوص این مقامات در مراجع کیفری محل وقوع جرم به واسطه نفوذی که این افراد در آن محل دارند و همچنین حفظ اعتبار حاکمیت دانست.

✓ ماده فوق «دادگاه های کفری تهران» اشاره نموده است و برای دیدن انواع دادگاه های کفری، باید به ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک رجوع نمود؛ بنابراین، به جرائم اشخاص مذکور در ماده ۳۰۷ حسب مورد در دادگاه کفری یک یا دو یا نظامی یک یا دو یا انقلاب تهران رسیدگی می شود.

✓ در مورد صلاحیت دادگاه های تهران تفاوتی نمی کند که جرم ارتكابی در ارتباط با وظایف شغلی اشخاص فوق باشد یا کاملاً بدون ارتباط با آن باشد.

✓ ریس جمهور یکی از اشخاص مشمول ماده فوق است. به موجب ماده ۱۹ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران: «رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات ریس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است و در جرائم عادی از طریق دادگاه های عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می گیرد.

تبصره - در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد.»  
✓ استثناء قسمت اخیر ماده را قانون گذار برای موارد خاص، نظیر صلاحیت دادگاه های ویژه روحانیت پیش بینی نموده است که اصولاً خارج از دادگاه های کفری احصاء شده در ماده ۲۹۴ و تابع آین نامه خاص هستند. در این مورد این دادگاه ها نیز اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است، اما به طور استثناء و طبق تبصره ۳ ماده ۱۳ آین نامه دادسراها و دادگاه های ویژه روحانیت اصلاحی ۱۳۸۴: «کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و ریس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران و فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان ها که به لحاظ روحانی بودن نامبردگان فوق پرونده آنان در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت مطرح می گردد و نیز کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و آئمه جمعه در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد.»

✓ ماده فوق و تبصره ۲ آن ناظر به افسران نظامی و انتظامی دارای «درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل» است. سایر نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی که مشمول این ماده قرار نمی گیرند تا در تهران محاکمه شوند، مشمول بند «ب» ماده ۵۸۵ ق.آ.د.ک بوده و به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی آنها در دادسرا و دادگاه نظامی مرکز استان رسیدگی می گردد.

- ✓ صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص موضوع ماده فوق اعم از آن است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتكب جرم شده باشد. «ماده ۳۰۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ برای صلاحیت استثنایی مقرر در ماده فوق، مرتكب باید یا در زمان ارتکاب جرم تصدی یکی از سمت‌های یادشده را دارا باشد یا در زمان رسیدگی به جرم.

ماده ۳۰۸ ق.آ.د.ک: «رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران. حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.»

- ✓ دلیل چنین رویکردی را می‌توان جلوگیری از رعایت برخی ملاحظات در خصوص این مقامات در مراجع کیفری محل وقوع جرم به واسطه نفوذی که این افراد در آن محل دارند و همچنین حفظ اعتبار حاکمیت دانست.
- ✓ ماده فوق «دادگاه‌های کیفری مرکز استان» اشاره نموده است و برای دیدن انواع دادگاه‌های کیفری، باید به ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک رجوع نمود؛ بنابراین، به جرائم اشخاص مذکور در ماده ۳۰۷ حسب مورد در دادگاه کیفری یک یا دو یا نظامی یک یا دو یا انقلاب مرکز استان رسیدگی می‌شود.
- ✓ در مورد صلاحیت دادگاه‌های تهران تقاضوتی نمی‌کند که جرم ارتکابی در ارتباط با وظایف شغلی اشخاص فوق باشد یا کاملاً بدون ارتباط با آن باشد.

## روحانیون و اشخاص در حکم روحانی

به موجب ماده ۱۳ آینن‌نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت: «دادسرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند.

الف - کلیه جرائم روحانیون

ب - کلیه اعمال خلاف شان روحانیون

ج - کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.

د - کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.»

## روحانی

طبق ماده ۱۶ آینن‌نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت: «روحانی به کسی اطلاق می‌گردد که ملبس به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفان روحانی محسوب گردد.»

## استثنایات حاکم بر قواعد صلاحیت

طب مواد ۱۱۶ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک، در امور کیفری اصل بر انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادسرا و دادگاه محل وقوع جرم است. با این حال بنا بر شرایطی قانون‌گذار با لحاظ اهداف آین دادرسی کیفری، اصل مذکور را با استثنای همراه ساخته است و انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به جرم را از دادسرایی به دادسرایی دیگر و یا از دادگاهی به دادگاهی دیگر تغییر داده است.

### صلاحیت اضافی

صلاحیت اضافی عبارت است از اعطای شایستگی و توانایی قانونی به دادسرا و دادگاه، در خصوص انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به جرمی **خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم** می‌باشد، به عبارت دیگر دادسرا یا دادگاه با یک صلاحیت اضافی بر صلاحیت سابق خود برای رسیدگی به جرم مواجه می‌شود. موارد و مصاديق صلاحیت را قانون تعیین می‌کند و محاکم حق ایجاد یا لغو صلاحیت اضافی را ندارند.

### أنواع صلاحیت اضافی

۱. تعدد اتهام و جرم
۲. تعدد متهم و مجرم

### تعدد اتهام و جرم

مادة ۳۱۳ ق.آ.د.ک: «به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهمتر را دارد.»

مادة ۲۸۴ ق.آ.د.ک: «در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آنها در صلاحیت ذاتی دادگاههای مختلف است، کیفرخواست جداگانه خطاب به هر یک از دادگاههای صالح صادر می‌شود.»

### فرض تعدد اتهام و جرم

#### ارتكاب جایم متعدد، در صلاحیت دادگاه کیفری دو در حوزه‌های قضایی مختلف

شخص (الف) در شهر مشهد اقدام به سرقت اموال شخص (ب) می‌کند و با عزیمت به شهر اصفهان، مرتکب کلاهبرداری از شخص (ج) می‌شود و به منظور فرار از کشور در فروdagاه شیراز با ارائه مدارک جعلی دستگیر می‌شود.

حال سؤال این است که دادسرا و دادگاههای شهر مشهد، اصفهان یا شیراز صالح به رسیدگی می‌باشد؟

مواد ۱۱۶ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک به تعیین تکلیف فرض مذکور در خصوص رسیدگی در محاکم و تحقیقات مقدماتی در دادسرا پرداخته است.

مادة ۱۱۶ ق.آ.د.ک، در خصوص تعیین مرجع صالح انجام تحقیقات مقدماتی اتهامات متعدد متهم در حوزه‌های قضایی مختلف بیان داشته است که: «بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود با رعایت مفاد این قانون ایفا وظیفه می‌کند و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق می‌نماید:

الف - جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شود.

ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.

پ - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.»

مادة ۳۱۰ ق.آ.د.ک تکلیف مراجع قضایی کیفری در مواجه با جرائم ارتکابی در حوزه‌های قضایی متعدد توسط متهم واحد را بدین نحو بیام می‌کند: «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتکابی

- از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتكب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آن‌ها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.»
- ✓ اگر پس از تشخیص محل وقوع جرائم متعدد متهم، معلوم شد که آن‌ها در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شده‌اند، به منظور اجرای صحیح قواعد تعدد جرم، لازم است که به همه اتهامات متهم در یک دادگاه رسیدگی شود، البته مشروط بر اینکه جرائم مختلف در صلاحیت ذاتی دادگاه واحدی باشند. برای تعیین دادگاه صالح از میان چند دادگاهی که جرائم مختلف در آن‌ها واقع شده‌اند، محل وقوع مهم‌ترین جرم باید مورد توجه قرار گیرد.
- ✓ ملاک تشخیص مهم‌ترین جرم برای تعیین دادگاه صالح، شدت مجازات هر یک از جرائم و مقایسه آن‌ها است. در جرائم تعزیری، بر اساس طبقه‌بندی هشت‌گانه مذکور در ماده ۱۹ ق.م.ا. می‌توان مجازات شدیدتر را تشخیص داد، ولی برای تشخیص مجازات شدیدتر در سایر جرائم (حدی و مستلزم قصاص و دیه) باید به میزان مجازات توجه کرد.
- ✓ اگر جرائم مختلف از نظر اهمیت (شدت مجازات) یکسان باشند، دادگاهی که «مرتكب در حوزه آن دستگیر می‌شود»، به همه آن‌ها رسیدگی می‌کند. با اطلاق حکم این قسمت از ماده، محل دستگیری متهم ملاک است و تفاوتو نمی‌کند که متهم در آن محل جرمی هم مرتكب شده یا نشده باشد. منوط کردن صلاحیت دادگاه محل دستگیری به اینکه لزوماً متهم در آن محل جرمی هم مرتكب شده باشد، پاسخی برای فرضی که وی در محلی غیر از محل وقوع جرم دستگیر شده باشد، ارائه نمی‌دهد و قسمت اخیر ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک نیز در این باره راه‌گشا نخواهد بود.
- ✓ حکم ماده فوق در خصوص رسیدگی به اتهامات متعدد، در مورد صلاحیت دادسرا نیز اجراء شده و تحقیقات مقدماتی نسبت به همه جرائم در دادسرایی انجام می‌شود که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد.
- ✓ بنابراین در مواجهه با ارتکاب جرائم متعدد توسط متهم واحدی که جرائم به وقوع پیوسته در صلاحیت دادگاه کیفری دو در حوزه‌های قضایی مختلف می‌باشد، دادسرا و دادگاه حوزه قضایی مهم‌ترین جرم به وقوع پیوسته، صالح به رسیدگی خواهد بود.

### ارتکاب جرائم متعدد، برخی در صلاحیت دادگاه کیفری دو

شخص (الف) در شهر تهران مرتكب کلاهبرداری از شخص (ب) می‌شود و شخص (ج) که از اقوام شخص (ب) می‌باشد. برای اخذ وجوه متعلق به وی به دنبال شخص (الف) می‌رود و پس از مشاجرة لفظی و درگیری با وی، شخص (الف) در شهر تهران شخص (ج) را به قتل می‌رساند.

در فرض فوق شخص (الف) مرتكب جرائم متعددی در یک حوزه قضایی شده است که رسیدگی به جرم کلاهبرداری در صلاحیت دادگاه کیفری دو تهران و رسیدگی به جرم قتل عمدى در صلاحیت دادگاه کیفری یک تهران می‌باشد. حال با در نظر گرفتن اصل رسیدگی توأمان، کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؟

تبصره ۱ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک به این سؤال پاسخ داده است و در این رابطه بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرائم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.»

### ارتکاب جرائم متعدد، برخی در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان

شخص (الف) که کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی دارد، در تهران مرتكب قتل عمدى و سرقت ساده می‌گردد. رسیدگی به اتهامات شخص مذکور، به استناد ماده ۳۱۵ و تبصره ۱ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک، در «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» صورت می‌گیرد.

### ارتکاب جرائم متعدد، برخی در صلاحیت دادگاه انقلاب و برخی در صلاحیت دادگاه نظامی و برخی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری

پاسخ به این فرض در ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک چنین بیان شده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرائم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به **مهمنترین** اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتی که اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود.»

به عنوان مثال چنانچه شخص (الف) که نظامی است در اثناء خدمت و در حین وظیفه و بازرسی وسیله نقلیه شخص (ب) و کشف یک تن مواد مخدر صنعتی، با اخذ مبلغی بول وی را از دست دیگر مأموران فواری می‌دهد. سپس با انگیزه روبدن مواد از شخص (ب) و فروش آن به دیگران به تعقیب او می‌پردازد و در محل خالی از سکنه با او درگیر و شخص (ب) را به قتل می‌رساند و با برداشتن مواد مخدر اقدام به فرار می‌نماید و یک روز بعد در حالی که قصد فروش مواد مخدر را به شخص (ج) دارد دستگیر می‌شود. شخص نظامی (الف) مرتکب جرائم ارتشاء، سرقت، قتل عمدى و در معرض فروش قراردادن یک تن مواد مخدر صنعتی شده است. جرائم ارتکابی از حیث اهمیت عبارت‌اند از:

۱. جرم در معرض فروش قراردادن یک تن مواد مخدر صنعتی در صلاحیت دادگاه انقلاب
۲. جرم قتل عمدى در صلاحیت دادگاه کیفری یک
۳. جرم ارتشاء در صلاحیت دادگاه نظامی (به دلیل اینکه در حین خدمت بوده)
۴. جرم سرقت در صلاحیت دادگاه کیفری دو (به جهت آنکه از جرائم خاص نظامی و در حین وظیفه نظامی نبوده است.)

بر اساس ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک چون جرائم مذکور در صلاحیت ذاتی محاکم مختلف است، لذا ابتدا به جرم در معرض فروش قراردادن یک تن مواد مخدر صنعتی در دادگاه انقلاب و سپس به جرائم قتل عمدى و سرقت در دادگاه کیفری یک و در نهایت به جرم ارتشاء در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

## تعدد متهم

با عنایت به مواد قانون آینین دادرسی کیفری باید بین با عنایت به مواد قانون آینین دادرسی کیفری باید بین ۲ حالت قائل به تفکیک شد:

حالت اول جرایمی که رفتار مجرمانه با فعل یک نفر محقق می‌گردد، مانند جرم قذف یا شرب خمر  
 حالت دوم: جرایمی که رفتار مجرمانه با فعل دو یا چند نفر محقق می‌گردد، مانند زنا یا رابطه نامشروع  
 مطابق ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک، در هر دو حالت فوق، شرکاء و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام **متهم اصلی** را دارد.

در جرائم **سازمان یافته** دادگاه صالح دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به متهم اصلی «سر دسته» را دارد.

## فروش تعدد متهم

یکی از شرکا یا معاونان جزء مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آینین دادرسی کیفری باشند.

اگر متهم اصلی از مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ ق.آ.د.ک باشد، مطابق ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک به اتهامات شرکا و معاونین نیز به ترتیب در دادگاه کیفری تهران و دادگاه کیفری مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود.

اگر شرکا و معاونان جرم جزء مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ ق.آ.د.ک باشند، مطابق تبصره ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک رسیدگی به اتهام سایر متهمان در دادگاه کیفری مركز استان محل وقوع جرم رسیدگی می شود.

تبصره ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک: «هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه های کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می شود.»

### یکی از شرکا، معاونان یا متهم اصلی طفل یا نوجوان باشد

در این فرض به جای آنکه به اتهامات تمامی این اشخاص در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان و به جرائم بزرگسالان در دادگاه صالح رسیدگی خواهد شد.

ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک در این خصوص بیان می دارد: «هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتكب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، **فقط** به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود.»

البته باید توجه داشت که در جرایمی که رفتار مجرمانه با فعل دو یا چند نفر محقق می گردد و یکی از متهمان اصلی طفل یا نوجوان باشد، چون به استناد رأی وحدت رویه شماره ۵۴۹ مورخ ۶۹/۱۲/۲۱ «جرمی که تتحقق آن منوط به فعل دو نفر باشد جرم واحد است» به اتهامات تمامی متهمان باید در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی شود.

تبصره ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک در این خصوص بیان می دارد: «در جرایمی که تتحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرائم اشخاص بالاتر از هجدۀ سال تابع قواعد عمومی است»

## احاله

گاهی اوقات برای رعایت بعضی مصالح اجتماعی و اقتصادی و سیاسی رسیدگی به امر کیفری از مرجعی که حسب قانون صلاحیت محلی برای رسیدگی به آن را دارد به یک مرجع دیگر که هم عرض آن است پرونده ارجاع می شود، این امر را احاله دعوای کیفری می گویند؛ به عبارت دیگر احاله، اعطاء و سپردن تحقیقات و رسیدگی به اتهام و یا جرم از دادسرای دادگاه صالح به دادسرای دادگاهی که صلاحیت محلی برای رسیدگی به آن جرم را ندارد، به موجب قانون می باشد. احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی یا مدعی خصوصی شود.

## شرایط احاله

ماده ۴۱۸ ق.آ.د.ک به بیان شرایط احاله به این شرح بیان شده است: «در هر مرحله از رسیدگی کیفری، احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان، حسب مورد، به درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضایی مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان و از حوزه قضایی یک استان دیگر به تقاضای همان اشخاص و موافقت دیوان عالی کشور صورت می گیرد.

تبصره - در مورد جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رئیس سازمان قضایی استان با موافقت رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح انجام می شود.»

✓ احالة پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان

در این مورد احاله به درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضایی مبدأ و موافقت شعبه اول تجدیدنظر انجام می‌شود.

برای مثال، احاله پرونده از حوزه قضایی شهریار به حوزه قضایی اسلامشهر حسب مورد به درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضایی شهرستان شهریار و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان تهران انجام می‌شود.

✓ احالة پرونده از حوزه قضایی یک استان به استان دیگر

در این مورد احاله به درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضایی مبدأ و موافقت دیوان عالی کشور انجام می‌شود.

برای مثال، احاله پرونده از حوزه قضایی استان اصفهان به حوزه قضایی استان فارس، حسب مورد به درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضایی استان اصفهان و موافقت دیوان عالی کشور انجام می‌شود.

✓ احاله پرونده مطروحه در دادسرا یا دادگاه نظامی

در این مورد احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رئیس سازمان قضایی استان با موافقت رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح انجام می‌شود.

✓ احاله پرونده مطرح در دادسرا یا دادگاه ویژه روحانیت

ماده ۳۰ آینین نامه دادسراها و دادگاههای ویژه روحانیت: «احاله پرونده از حوزهای به حوزه قضایی دیگر در اختیار دادستان منصوب خواهد بود»

## موارد احاله

ماده ۴۱۹ ق.آ.د.ک ۲ مورد از موارد احاله را بدین بیان می‌دارد: «احاله در موارد زیر صورت می‌گیرد:

الف- متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند.

ب- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، بهنحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک بودن به محل وقوع آن، آسان‌تر بتواند به موضوع رسیدگی کند.

تبصره- احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی و یا مدعی خصوصی شود.»

ماده ۴۲۰ ق.آ.د.ک ۲ مورد از موارد احاله را بدین بیان می‌دارد: «علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، بهمنظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود.

تبصره- در جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، رئیس این سازمان می‌تواند بهمنظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند.»

موارد و مصاديق احاله به استناد مواد فوق به شرح ذيل است:

۱. اقامت متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری باشد.

۲. دور بودن محل وقوع جرم از دادگاه صالح و نزدیک بودن محل وقوع جرم به دادگاه دیگر که این امر سهولت رسیدگی در دادگاه غیرصالح اما نزدیک به محل وقوع جرم را فراهم سازد.

۳. به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی صرفاً با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور.

## حل اختلاف در صلاحیت

ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک: «حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری، مطابق مقررات آین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادسرها مطابق قواعد حل اختلاف دادگاههایی است که دادسرها در معیت آن قرار دارد.»

- ✓ تعارض صلاحیت عبارت از این است که دو دادگاه نسبت به یک جرم، همزمان از خود به نفع دیگری نفی صلاحیت کرده «تعارض منفی» یا نسبت به یک جرم هریک همزمان خود را صالح به رسیدگی بداند «تعارض مثبت».
- ✓ در صورت تعارض صلاحیت محلی میان دو دادگاه، مرجع حل اختلاف دادگاه تجدیدنظر استان است مگر اینکه این دو دادگاه در حوزه یک استان نباشند که در این صورت، حل اختلاف در دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.
- ✓ در صورت تعارض صلاحیت ذاتی، مرجع حل اختلاف همیشه دیوان عالی کشور است.
- ✓ همیشه حل اختلاف توسط مرجعی صورت می‌گیرد که نسبت به طرفین اختلاف مرجع بالاتر محسوب می‌شود. اگر دو طرف اختلاف، یکی مرجع عالی و دیگری مرجع تالی یا پایین باشد، نظر مرجع عالی در تشخیص صلاحیت برای مرجع دیگر لازم الاتباع است.
- ✓ اختلاف صلاحیت میان دادگاههای کیفری یک و دو، اختلاف در صلاحیت ذاتی نیست.
- ✓ اختلاف صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو:
  ۱. یک استان: دادگاه تجدیدنظر همان استان
  ۲. دو استان: دیوان عالی کشور

## اصول صلاحیت در امور کیفری

- ✓ تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر مرجع قضایی نسبت به پرونده کیفری با همان مرجعی قضایی است که پرونده به آن ارجاع شده است.
  - ✓ نخستین اقدام هر مرجع قضایی بررسی و تعیین صلاحیت آن مرجع نسبت به پرونده ارجاع شده است.
  - ✓ در صورت تشخیص عدم صلاحیت از سوی مرجع قضایی رسیدگی کننده به پرونده کیفری، مرجع مذکور مکلف به صدور قرار عدم صلاحیت می‌باشد.
  - ✓ در صورتی که پرونده با صدور قرار عدم صلاحیت یا جهت حل اختلاف در صلاحیت به مرجع قضایی دیگری ارسال شود، پرونده باید خارج از نوبت رسیدگی شود.
  - ✓ اختلاف در صلاحیت میان مراجع عالی و تالی قابل تصور نیست، به عبارت بهتر همیشه نظر مرجع عالی لازم الاتباع است.
  - ✓ رأی مرجع قضایی صالح در خصوص حل اختلاف، قطعی و لازم الاتباع است.
  - ✓ مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای انقلاب، نظامی و اطفال و نوجوانان با یکدیگر یا با دادگاه کیفری یک و دو دیوان عالی کشور است.
  - ✓ مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای عمومی یا انقلاب یا نظامی با مراجع غیرقضایی دیوان عالی کشور می‌باشد.
  - ✓ قواعد مربوط به صلاحیت از جمله قواعد أمره و مربوط به نظم عمومی بوده و رعایت آن برای مراجع قضایی لازم است.
  - ✓ عدم رعایت صلاحیت ذاتی یا محلی همواره موجب بی اعتباری آراء و تصمیمات مرجع غیر صالح بوده و حتی در صورت درستی این تصمیمات در ماهیت قضیه، هر رأیی که از دادگاه فاقد صلاحیت صادر شده باشد باید در مرجع بالاتر نقض شود.
- نکته مهم: تمامی قواعد و اصول حاکم بر حل اختلاف در صلاحیت که در خصوص دادگاهها بیان شد، در رابطه با دادسرها مجری است.

## انواع دادگاه‌های کیفری

۱. دادگاه عمومی
۲. دادگاه اختصاصی

### دادگاه‌های عمومی

دادگاه‌های کیفری مراجعي هستند که صلاحیت رسیدگی به تمامی جرائم را دارند، مگر آن دسته از جرایمی که به موجب قانون رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری دیگری قرار گرفته باشد.

### انواع دادگاه عمومی

۱. دادگاه کیفری دو
۲. دادگاه کیفری یک

### دادگاه کیفری دو

اصل بر این است که تمامی پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود. ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک به این اصل اشاره دارد: «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.»

با این حال، جرایمی مانند افتراق یا تصرف عدوانی پس از انجام تحقیقات مقدماتی در دادسرا و صدور کیفرخواست، در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود.

### ساختار دادگاه کیفری دو

ماده ۲۹۵ ق.آ.د.ک: «دادگاه کیفری دو با حضور ریس یا دادرس علی‌البدل «وحدت قاضی» در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.»

ماده ۲۹۹ ق.آ.د.ک: «در صورت ضرورت به تشخیص ریس قوه قضاییه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود. این دادگاه به تمامی جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند.

تبصره ۱ - به تشخیص ریس قوه قضاییه، تشکیل دادگاه عمومی بخش در شهرستان‌های جدید که به لحاظ قلت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد بلامانع است.

تبصره ۲ - به تشخیص ریس قوه قضاییه، در حوزه قضایی بخش‌هایی که به لحاظ کثرت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی ایجاب می‌کند، تشکیل دادگستری با همان صلاحیت و تشکیلات دادگستری شهرستان بلامانع است.»

✓ دادگاه‌های کیفری مذکور در قانون آین دادرسی کیفری اصولاً در حوزه قضایی شهرستان یا مرکز استان تشکیل می‌شوند، نه در حوزه قضایی بخش. اگر در یک حوزه قضایی بخش، به دلیل وسعت و جمعیت آن، تأسیس دادگاه در محل ضرورت داشته باشد، استثنائاً، دادگاهی تشکیل و با نام «دادگاه عمومی بخش» و با صلاحیت «دادگاه کیفری دو» فعالیت می‌کند. این دادگاه می‌تواند در شهرستان‌های جدید که به لحاظ قلت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد، تشکیل گردد.

✓ در حوزه قضایی بخش، ریس یا دادرس علی‌البدل دادگاه عمومی بخش، تحقیقات مقدماتی جرائم داخل در صلاحیت خود را نیز انجام می‌دهد.

## دادگاه کیفری یک

ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک صلاحیت دادگاه کیفری یک را این گونه بیان کرده است: «به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

الف - جرائم موجب مجازات سلب حیات

ب - جرائم موجب حبس ابد

پ - جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات **عمدی** علیه تمامیت جسمانی با میزان **نصف** دیه کامل یا بیش از آن

ت - جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر

ث - **جرائم سیاسی و مطبوعاتی**»

✓ بند «الف» ماده فوق تصریح به میزان مجازات رفتار ارتکابی، فارغ از شرایط خاص هر پرونده دارد. برای مثال، در صورت ارتکاب قتل عمدی، پرونده در دادگاه کیفری یک مطرح می‌شود و سایر جهات موجود از قبیل اعلام گذشت اولیاء دم، رابطه ابوقت و مواردی دیگر تأثیری در تغییر مرجع صالح رسیدگی ندارد، به عبارتی دیگر، مجرد وقوع جرم و میزان مجازات قانونی آن ملاک تعیین صلاحیت دادگاه کیفری یک خواهد بود.

✓ بند «ب» ماده فوق به جرایمی مانند، مجازات مکره در قتل ماده ۳۷۵ ق.م.ا و مجازات تکرار سرقت حدی در مرتبه سوم اشاره دارد.

✓ بند «پ» ماده فوق به مجازات جرایمی از قبیل **سرقت و محاربه** اشاره دارد.

✓ تعریف جرم سیاسی مندرج در بند «ث» ماده فوق در ماده ۱ و ۲ قانون جرم سیاسی چنین تعریف شده است:

ماده ۱: «هر یک از جرائم مصروف در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاستهای داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه‌زن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.»

ماده ۲: «جرائم زیر در صورت انتطبق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، ریس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان ریس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان

ب - توهین به ریس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷

ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات

ث - **نشر اکاذیب**»

✓ جرم مطبوعاتی مندرج در بند «ث» ماده فوق به جرایمی اطلاق می‌شود که در فصل ششم «قانون مطبوعات» ذکر شده است.

✓ علاوه بر موارد مندرج در ماده فوق، جرم **تأمین مالی تروریسم** به استناد ماده ۹ قانون تأمین مالی تروریسم در دادگاه کیفری یک مرکز استان رسیدگی می‌شود.

ساختار دادگاه کیفری یک

ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک ساختار دادگاه کیفری را چنین بیان کرده است: دادگاه کیفری یک دارای ریس و دو مستشار است (تعدد قاضی) که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور ریس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۱ - دادگاه کیفری یک در **مرکز استان** و به تشخیص ریس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲ - **دادرس علی‌البدل** حسب مورد می‌تواند به جای ریس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب ریس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است.»

- ✓ دادگاه کیفری یک با نظام تعدد قاضی اداره می‌شود.
- ✓ دادگاه کیفری یک از لحاظ اداری تحت ریاست ریس کل دادگستری استان می‌باشد.

## دادگاه‌های اختصاصی

این دادگاه‌ها صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند، مگر آن دسته جرایمی که رسیدگی به آن‌ها، صرفاً از سوی قانون، در صلاحیت دادگاه‌های مذکور قرار داده شده باشد.

### أنواع دادگاه اختصاصي

۱. دادگاه انقلاب
۲. دادگاه نظامی
۳. دادگاه اطفال و نوجوانان
۴. دادگاه ویژه روحانیت

### دادگاه انقلاب

دادگاهی اختصاصی است که فقط صلاحیت رسیدگی به جرائم مندرج در ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک را دارد.

### صلاحیت دادگاه انقلاب

۱. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۲. اقدام مسلحانه یا احراق یا تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۳. محاربه، إفساد فی الأرض و بغی «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۴. تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران به منظور مقابله با نظام «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۵. توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۶. تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۷. قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۸. جرائم مطروحه در قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند. «ماده ۱۱ این قانون»

۹. جرائم مطرح در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی «تبصره ۶ ماده ۳ این قانون»
۱۰. جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور با وجود شرایط مصراح در ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور «تبصره ۶ ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی»
۱۱. دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی
۱۲. رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. «ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»

### **ساختار دادگاه انقلاب**

ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک ساختار دادگاه انقلاب را چنین بیان نموده است: «دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص ریس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. این دادگاه برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون دارای ریس و دو مستشار است «تعدد قاضی» که با دو عضو نیز رسمیت دارد. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور ریس یا دادرس علی‌البدل یا یک مستشار تشکیل می‌شود.

تبصره - مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است.»

- ✓ جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده (۳۰۲) اصولاً در صلاحیت دادگاه کیفری یک هستند که به حکم ماده فوق، دادگاه انقلاب در هنگام رسیدگی به آن‌ها دارای ریس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت دارد. این مطلب دلالت بر این دارد که اگر جرائم داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب یکی از مجازات‌های مذکور را به دنبال داشته باشد، در تعارض صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری یک، قانون‌گذار رأی به صلاحیت دادگاه انقلاب داده است.
- ✓ سایر موضوعاتی که در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد، به صورت وحدت قاضی، با حضور ریس یا دادرس علی‌البدل یا توسط یک مستشار رسیدگی می‌شود.
- ✓ منظور از مقررات دادرسی مذکور در تبصره ماده فوق، مواد مندرج در سه مبحث ذیل فصل چهارم از بخش سوم قانون آینین دادرسی کیفری، شامل مواد ۳۸۲ تا ۴۰۵ می‌باشد.
- ✓ ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و کالا و ارز مستلزم حبس یا انفال از خدمات دولتی، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. (سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.)
- ✓ به استناد تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) رسیدگی به قاچاق مشروبات الکلی و قاچاق تجهیزات دریافت ماهواره به طور غیر مجاز که از مصادیق کالاهای ممنوعه است و به استناد ماده ۴۴ همین قانون در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.
- ✓ منظور از قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل واردکردن آن‌ها به کشور یا خارج نمودن آن‌ها از کشور به طور غیرمجاز است. لذا به نظر اکثریت هیأت عمومی دیوان عالی کشور خرید و فروش، حمل و نقل، مخفی کردن و نگاهداشتن سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به طور غیر مجاز از شمول عنوان قاچاق خارج و رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه عمومی است.

### **دادگاه نظامی**

اصل یکصد و هفتاد و دوم: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به **وظایف خاص نظامی** یا **انتظامی** اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتكب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود...»

### صلاحیت دادگاه نظامی

مادة ۵۹۷ ق.آ.د.ک: «به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح بهجز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضائی رسیدگی می‌شود.

تبصرة ۱ - رسیدگی به جرائمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاهها و دادسراهای سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مدامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است.

تبصرة ۲ - منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتكب گردند.

تبصرة ۳ - رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

تبصرة ۴ - جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضائی دادگستری مرتكب می‌شوند.»

✓ ملاک صلاحیت دادگاه نظامی، داشتن سمت‌های نظامی در زمان ارتکاب جرم است و نه در زمان رسیدگی و صدور حکم. به همین علت است که رهایی از خدمت نافی صلاحیت دادگاه نظامی در رسیدگی به جرائم نظامیان حین اشتغال نیست.

✓ رفتار مجرمانه به وقوع پیوسته از وظایف خاص نظامی و انتظامی مرتكب باشد.

✓ رفتار مجرمانه فوق از سوی اعضای نیروهای مسلح در مقام ضابط دادگستری نباشد.

### اعضای نیروهای مسلح

مادة ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح: «دادگاه‌های نظامی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر که در این قانون به اختصار «نظامی» خوانده می‌شوند رسیدگی می‌کنند:

الف - کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته.

ب - کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته.

ج - کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

د - کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته.

ه - کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

و - کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن.

ز - محصلان - موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح - مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

ح - کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

تبصره ۱ - جرائم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲ - رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال نمی‌شود.»

### ساختار دادگاه نظامی

- ✓ در مرکز هر استان، سازمان قضائی استان متشکل از دادسرا و دادگاه‌های نظامی است. «ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ در شهرستان‌ها در صورت نیاز، دادسرای نظامی ناجیه تشکیل می‌شود. حوزه قضائی دادسرای نظامی نواحی به تشخیص ریس قوه قضائیه تعیین می‌شود. «ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادستان نظامی استان بر اقدامات قضات دادسرای نظامی ناجیه از حیث وظایفی که بر عهده دارند، نظارت دارد و تعییمات لازم را ارائه می‌نماید. «تبصره ۱ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ ریس دادسرای نظامی ناجیه که معاون دادستان نظامی مرکز استان است. «تبصره ۲ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ ریس دادسرای نظامی ناجیه علاوه بر نظارت قضائی، بر امور اداری نیز ریاست دارد. «تبصره ۲ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ حوزه قضائی هر استان به تعداد لازم شعب دادگاه و دادسرا و نیز تشکیلات مورد دارد. «تبصره ۳ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ ریس سازمان قضائی استان، ریس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی است. «ماده ۵۷۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ ریس سازمان قضائی استان بر کلیه شعب دادگاه و دادسرای نظامی استان نظارت و ریاست اداری دارد. «ماده ۵۷۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ تصدی امور اداری در غیاب ریس سازمان با معاون وی و در غیاب آن‌ها با دادستان نظامی استان است. «ماده ۵۷۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است. (ماده ۵۸۳)



✓ به اتهامات نظامیانی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را داشته باشند، چنانچه از جرائمی باشند که در صلاحیت سازمان قضائی است در **دادسرا و دادگاه نظامی تهران** رسیدگی می‌شود.

✓ به جرائم نظامیان کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی که در صلاحیت سازمان قضائی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

- ✓ در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ و سایر مراجع قضایی نظامی در یک حوزه قضایی: نظر دادگاه نظامی زمان جنگ متعی است.
- ✓ رسیدگی به دعوای خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقديم دادخواست و رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی است.

### **أنواع دادگاه نظامي «ماده ۵۸۲ ق.آ.د.ك»**

۱. دادگاه نظامی دو
۲. دادگاه نظامی یک
۳. دادگاه تجدیدنظر نظامی
۴. دادگاه نظامی دو زمان جنگ
۵. دادگاه نظامی یک زمان جنگ
۶. دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ

### **دادگاه اطفال و نوجوانان**

دادگاهی اختصاصی است که فقط صلاحیت رسیدگی به جرائم مندرج در ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک را دارد.

### **صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان**

ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.»

- ✓ طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است. «تبصره ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک.»
- ✓ به دلیل اختصاصی بودن صلاحیت این دادگاه است که در هیچ‌یک از مواد این قانون به دادگاه اطفال و نوجوانان اجازه داده نشده که به جرائم افراد بالای ۱۸ سال تمام هم رسیدگی کند.
- ✓ ملاک صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان با توجه به تبصره ۲ ماده ۳۰۴ سن مرتكب در زمان شروع به رسیدگی است، به گونه‌ای که اگر متهم در این تاریخ زیر ۱۸ سال تمام سن داشته باشد، دادگاه اطفال و نوجوانان صالح به رسیدگی به اتهام او خواهد بود، در غیر این صورت باید به اتهام او در دادگاه صالح رسیدگی شود. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

### **ساختار دادگاه اطفال و نوجوانان**

- ✓ دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور «وحدت قاضی» تشکیل می‌شود. نظر مشاور، مشورتی است. «ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک.»
- ✓ قضاط دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند ریس قوه قضاییه انتخاب می‌کند. «ماده ۴۰۹ ق.آ.د.ک.»
- ✓ مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنیسته انتخاب می‌شوند. «ماده ۴۱۰ ق.آ.د.ک.»

- ✓ در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه‌ی رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازات مقرر برای دادگاه اطفال و نوجوانان بهره‌مند می‌شود. (تخصصی بودن این شعب مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست.)

### **دادگاه ویژه روحانیت**

دادگاهی اختصاصی است که با حکم امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۵ ایجاد شد. ساختار، صلاحیت و نحوه رسیدگی در این دادگاه به موجب آئین‌نامه دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت در ساختار قضایی مربوط به قوه قضاییه قرار نمی‌گیرد. همچنین اداره آن تحت نظر ریس قوه قضاییه نمی‌باشد بلکه به طور مستقیم تحت نظر رهبری است.

#### **صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت «ماده ۱۳ آئین‌نامه دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت»**

دادگاه ویژه روحانیت در ۴ مورد صلاحیت دارد:

۱. رسیدگی به کلیه جرائم روحانیون
۲. کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون
۳. کلیه اختلافات محلی مخلّ به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.
۴. کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.

نکته مهم: قواعد مربوط به حل اختلاف در صلاحیت در مواردی که یکی از طرفین اختلاف دادگاه ویژه روحانیت باشد، رعایت نمی‌گردد و به موجب تبصره یک ماده ۱۳ آئین‌نامه دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت، در مواردی که دادگاه ویژه، رسیدگی به پرونده‌ای را به سایر مراجع قضایی ذی‌ربط و اگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند؛ به عبارت دیگر در مقام حل اختلاف بین دادگاه ویژه روحانیت و سایر مراجع قضایی، نظر دادگاه ویژه روحانیت برای سایر مراجع قضایی لازم‌الاتّابع است.

#### **روحانی «ماده ۱۶ آئین‌نامه دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت»**

به ۳ گروه ذیل روحانی اطلاق می‌شود:

۱. کسی که ملبس به لباس روحانیت باشد
۲. کسی که در حوزه مشغول به تحصیل باشد. (طلبه)
۳. یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفًا روحانی محسوب گردد.

**نکات:**

- ✓ در ساختار دادسرای ویژه روحانیت، نهاد بازپرسی پیش‌بینی نشده است.
- ✓ به کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی می‌شود.
- ✓ دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون مطابق قوانین در دادگاه‌های مدنی و حقوقی رسیدگی خواهد شد مگر

**مرجع بدوى**

تمامی مراجع مذکور در مبحث قبل اعم از دادگاه کیفری دو، دادگاه کیفری یک، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی، دادگاه اطفال و نوجوانان مرجع بدوى محسوب می‌شوند.

### رسیدگی به اعتراض آراء کیفری

پس از صدور آرای کیفری از مراجع بدوى با توجه به مقاد قانون آین دادرسی کیفری، بعضی از این آراء قابل اعتراض در مراجع رسیدگی به اعتراض آراء خواهند بود.

### أنواع طرق رسیدگی به اعتراض آراء کیفری

۱. تجدیدنظرخواهی
۲. فرجام خواهی
۳. اعادة دادرسی

### تجددنظرخواهی

#### آراء قابل تجدیدنظرخواهی

- ✓ آراء قطعی و غیرقابل اعتراض:
  ۱. جرائم تعزیری درجه ۸
  ۲. جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش که میزان یا جمع آنها کمتر از **یکدهم** دیه کامل باشد.
- ✓ تمامی آراء کیفری جز موارد فوق غیرقطعی و قابل اعتراض می‌باشند؛ بنابراین اصل بر قابل تجدیدنظر بودن آرای صادره از دادگاه‌های کیفری است.
- ✓ آراء قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. «تبصرة ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ قرار ود درخواست واخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی قابل تجدیدنظرخواهی است که رأی راجع به **اصل دعوی**، قابل تجدیدنظرخواهی باشد. «تبصرة ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ اگر حکم محکومیت راجع به دو یا چند عنوان مجرمانه باشد و برخی از این عنوانین قابل اعتراض و برخی دیگر قطعی محسوب شوند؛ در چنین مواردی و با در نظر گرفتن شرایطی، آراء قطعی به تبع آراء قابل اعتراض، حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام خواهند بود.
- ✓ آراء دادگاه اطفال و نوجوانان در **تمامی موارد** قابل تجدیدنظرخواهی است، به عبارت دیگر آراء دادگاه اطفال و نوجوانان حتی اگر راجع به جرائم تعزیری درجه ۸ یا جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش که میزان یا جمع آنها کمتر از **یکدهم** دیه کامل باشد. قابل تجدیدنظرخواهی است.
- ✓ آرای صادره از سوی شورای حل اختلاف در موضوعات کیفری «جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات جزای تقاضی درجه هشت می‌باشند» طرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابلیت تجدیدنظر در دادگاه **کیفری دو** را دارند. مرجع تجدیدنظر در صورت نقض رأی، رأساً مبادرت به صدور رأی می‌نماید و این رأی قطعی است.
- ✓ در صورتی که رأی مرجع تجدیدنظر «کیفری دو» در مقام رد صلاحیت شورا باشد، رسیدگی ماهوی انجام و رأی صادره از این مرجع قضایی به عنوان رأی شعبه بدوى تلقی می‌گردد اما در هر حال **قطعی** می‌باشد؛ زیرا رأی صادره در خصوص جرائم تعزیری درجه هشت قطعی است.

### مهلت تجدیدنظرخواهی «ماده ۴۳۱ ق.آ.د.ک»

- ✓ مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم ایران **بیست روز** از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت واخواهی است.
- ✓ مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور **دو ماه** از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت واخواهی است.
- ✓ روز اقدام و روز ابلاغ جز مدت محسوب نمی‌شود.
- ✓ هرگاه تقاضای تجدیدنظرخواهی خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست‌کننده **عذر موجه** عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند.
- ✓ **جهات عذر موجه:**
  - ✓ نرسیدن یا دیر رسیدن ابلاغیه به گونه‌ای که مانع از حضور شود.
  - ✓ بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.
  - ✓ همسر یا یکی از اقرباً تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.
  - ✓ ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد.
  - ✓ تجدیدنظرخواه در توقيف یا حبس باشد.
  - ✓ سایر مواردی که عرفاً عذر موجه محسوب می‌شود.

### اشخاصی که حق تجدیدنظرخواهی دارند

- ✓ محاکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی او «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ شاکی یا وکیل یا نماینده قانونی او «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ مدعی خصوصی یا وکیل یا نماینده قانونی او «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»

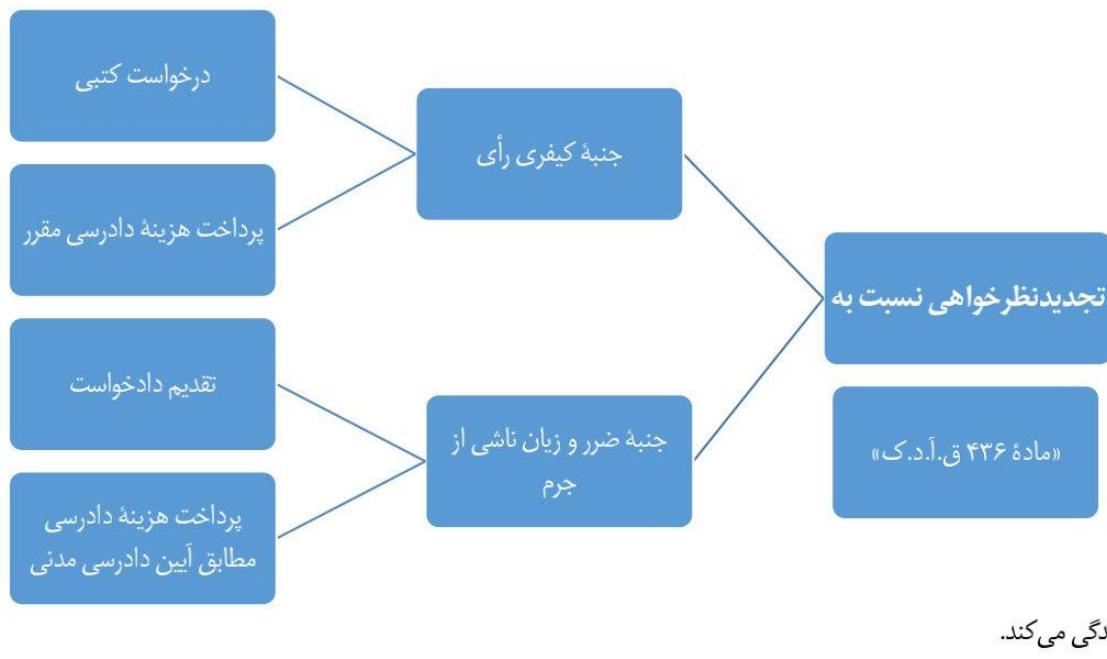
نکته: همچنین مطابق تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دادستان از آراء صادره از شعب بدوى تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب در صورتی که مبنی بر برائت باشد، حق تجدیدنظرخواهی دارد.

- ✓ اطفال و نوجوانان، ولی، سرپرست قانونی یا وکیل آنان در جرائم اطفال و نوجوانان «ماده ۴۴۷ ق.آ.د.ک»

### جهات تجدیدنظرخواهی «ماده ۴۳۴ ق.آ.د.ک»

- ✓ ادعای عدم اعتبار ادلہ یا مدارک استنادی دادگاه
- ✓ ادعای مخالف بودن رأی با قانون
- ✓ ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرس
- ✓ ادعای عدم توجه دادگاه به ادلہ ابرازی

نکته مهم؛ دادگاه تجدیدنظر صرفاً در خصوص آن قسمت از آراء یا قرارهایی که مورد اعتراض واقع شده است، رسیدگی می‌نماید و در چنین رسیدگی علاوه بر توجه به جهات تجدیدنظرخواهی اعلامی از سوی تجدیدنظرخواه در صورت وجود جهت دیگر، به آن هم



### مرجع تجدیدنظرخواهی «ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک»

- ✓ دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آراء غیرقطعی کیفری است. «ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک»

### دادگاه تجدیدنظر «ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک»

- ✓ دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان تشکیل می‌شود.
- ✓ دادگاه تجدیدنظر دارای رئیس و دو مستشار است.
- ✓ دادگاه تجدیدنظر با دو عضو نیز رسمیت دارد.

### کيفيت رسيدگي دادگاه تجدیدنظر استان

دادگاه به شرح زير اتخاذ تصميم می‌نماید:

۱. در صورت نقص تحقیقات، دادگاه تجدیدنظر باید قرار رفع نقص صادر کند. پس از صدور قرار رفع نقص، دادگاه می‌تواند به اختیار خود یکی از سه راهکار زیر را اتخاذ کند:
  - (الف) فرستادن پرونده نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست برای تکمیل تحقیقات
  - (ب) فرستادن پرونده نزد دادگاه صادرکننده رأی بدوى برای تکمیل تحقیقات
  - (ج) دادگاه تجدیدنظر که پرونده نزد آن جریان دارد رأساً مبادرت به تکمیل تحقیقات نماید.

۲. هرگاه رأی صادره از نوع **قرار** باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و آن دادگاه **مکلف** است خارج از نوبت رسیدگی کند.
۳. در صورتی که رأی «اعم از حکم یا قرار» توسط دادگاه فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی صادر شده باشد، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح به تشخیص خود می‌فرستد و مراتب عدم صلاحیت را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می‌کند.
۴. اگر عملی که محکوم عليه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت، جرم نباشد یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه تجدیدنظر رأی صادره را نقض و حسب مورد قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر می‌کند.

#### نکات:

- ✓ تجدیدنظرخواهی یا فرجامخواهی محکوم عليه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأم است.
  - ✓ مستلزم پرداخت هزینه دادرسی در امر حقوقی و رعایت تشریفات دادرسی مدنی نیست.
  - ✓ هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی یا فرجامخواهی فاقد یکی از شرایط قانونی باشد، مدیر دفتر دادگاه نخستین، طرف دو روز تقاضی آن را اعلام و اخطار می‌کند تا ظرف مدت **۵ روز** از تاریخ ابلاغ، تقاضی مذکور را رفع کند.
  - ✓ در دو حالت قرار رد درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی یا فرجامخواهی صادر می‌شود:
    ۱. عدم رفع نقض در مهلت **۱۰ روز**
    ۲. تقدیم درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام خارج از مهلت قانونی بدون داشتن عذر موجه
- ✓ در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم عليه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند؛ در این صورت دادگاه در وقت  **فوق العاده** با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و **تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند**. این حکم دادگاه قطعی است.
- ✓ در مجازات‌های زیر دادگاه تجدیدنظر تعیین وقت می‌کند و طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری باشد احضار می‌کند:

۱. حدود
۲. قصاص
۳. جرائم **غیرعمدی** مستوجب پیش از نصف دیه
۴. جرائم تعزیری درجه **۴ و ۵** به طور مطلق
۵. جرائم تعزیری درجه **۶ و ۷** در صورت محکومیت به حبس
۶. سایر جرائم در صورت اقتضا

- ✓ دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را تشدید کند  
مگر:

۱. مجازات مقرر در حکم بدی برخلاف جهات قانونی کمتر از حداقل میزانی باشد که در قانون پیش‌بینی شده است.
۲. کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون بودن مورد تجدیدنظرخواهی شاکی یا دادستان قرار گرفته باشد.

## فرجام خواهی

### آراء قابل فرجام خواهی «ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک»

۱. آرای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها:

- ✓ سلب حیات
- ✓ قطع عضو
- ✓ حبس ابد
- ✓ تعزیر درجه سه و بالاتر

۲. جنایات **عمدى** علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها نصف دیه کامل یا بیش از آن است

- ۳. جرائم سیاسی
- ۴. جرائم مطبوعاتی

### مهلت فرجام خواهی «ماده ۴۳۱ ق.آ.د.ک»

✓ مهلت درخواست یا دادخواست فرجام خواهی برای اشخاص مقیم ایران **بیست روز** از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت و اخواهی است.

✓ مهلت درخواست یا دادخواست فرجام خواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور **دو ماه** از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت و اخواهی است.

✓ هرگاه تقاضای فرجام خواهی خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست‌کننده عذر موجہ عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند.

✓ **جهات عذر موجه:**

✓ نرسیدن یا دیر رسیدن ابلاغیه به گونه‌ای که مانع از حضور شود.

✓ بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.

✓ همسر یا یکی از اقرباً تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.

✓ ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد.

✓ فرجام خواه در توقيف یا حبس باشد.

✓ سایر مواردی که عرفًا عذر موجه محسوب می‌شود.

### اشخاصی که حق فرجام خواهی دارند «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»

✓ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ، وکیل یا نماینده قانونی او

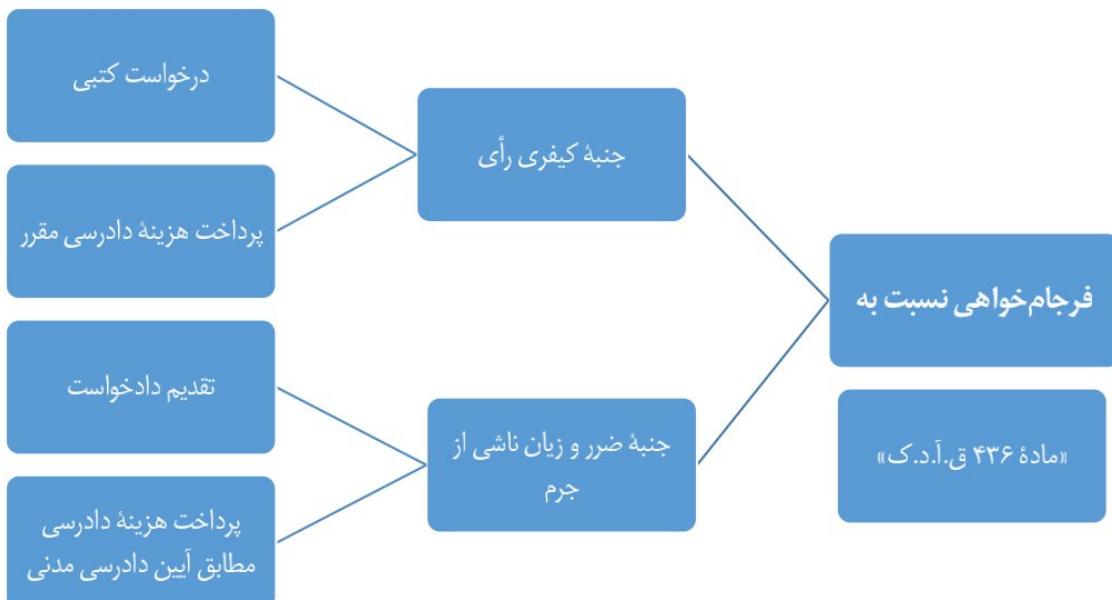
✓ شاکی یا وکیل یا نماینده قانونی او

✓ مدعی خصوصی یا وکیل یا نماینده قانونی او

✓ دادستان از جهت برائت متهم، عدم انتباخ رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات

### جهات فرجام خواهی «ماده ۴۶۴ ق.آ.د.ک»

- ✓ ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او
- ✓ ادعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه‌ای از اهمیت منجر به بی‌اعتباری رأی دادگاه
- ✓ عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده



#### مرجع فرجام‌خواهی «ماده ۴۶۲ ق.آ.د.ک»

مرجع فرجام‌خواهی نسبت به آراء قابل فرجام‌خواهی دیوان عالی کشور می‌باشد.

#### دیوان عالی کشور

- ✓ دیوان عالی کشور در تهران مستقر است. «ماده ۴۶۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ شعب دیوان عالی کشور دارای رئیس و دو مستشار می‌باشد. «ماده ۴۶۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ دیوان عالی کشور به تعداد لازم، عضو معاون دارد که می‌توانند وظایف مستشار یا رئیس را بر عهده گیرند. «ماده ۴۶۳ ق.آ.د.ک»

#### رسیدگی در دیوان عالی کشور «صدر ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک»

رسیدگی در دیوان عالی کشور، با طرح پرونده در بکی از شعب دیوان عالی کشور و مطابق تشریفات قانونی مصّرّح در صدر ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک، اعضای شعبه‌ای که پرونده در آن مطرح است، به ترتیب ذیل اتخاذ تصمیم می‌کنند:

دیوان حکم **ماهوي** صادر نمی‌کند بلکه مرجع نقض یا ابرام آرای دادگاه‌های مادون است.

اتخاذ تصمیم از سوی اعضای شعب دیوان عالی کشور در رابطه با رأی دادگاه در قالب **دادنامه** و به صورت **ابرام یا نقض رأی** مذکور خواهد بود.

۱. در صورتی که رأی مطابق با قانون و ادله موجود در پرونده صادر شده باشد توسط دیوان عالی کشور **ابرام** و پرونده به **دادگاه صادرکننده رأی** ارسال خواهد شد.

۲. در صورتی که رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و دفاعیات طرفین صادر شده یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور رأی را **نقض** می‌کند.

### آثار نقض رأی از جانب دیوان عالی کشور «ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک»

۱. **نقض بلارجاع:** اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلا ارجاع می‌شود.

۲. **ناقض بودن تحقیقات:** اگر رأی صادره از نوع قرار و یا حکمی باشد که به علت ناقص بودن تحقیقات نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به **دادگاه صادرکننده رأی ارجاع** می‌شود.

۳. **عدم صلاحیت ذاتی:** اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص می‌دهد، ارسال می‌شود و مرجع مذکور **مکلف** به رسیدگی است.

۴. **سایر موارد:** در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاه **هم عرض ارجاع** می‌شود.

### اعاده پرونده از سوی دیوان عالی کشور به دادگاه برای رسیدگی «ماده ۴۷۰ ق.آ.د.ک»

۱. در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات موردنظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور رأی کند.

۲. در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت نماید و در ماهیت، رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه‌ای برای صدور قرار حادث شود.

۳. در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می‌تواند بر مفاد رأی قبلی اصرار کند (**رأی إصراري**). چنانچه این حکم مورد فرجام خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را پیذیرد، حکم را ابرام می‌کند و در غیر این صورت، پرونده در هیأت عمومی شبکه کیفری مطرح می‌شود. هرگاه نظر دادگاه صادرکننده رأی مورد تأیید قرار گیرد، رأی ابرام می‌شود و در صورتی که نظر شبکه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادره نقض و پرونده به شبکه دیگر دادگاه ارجاع می‌شود. دادگاه مذبور بر اساس استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می‌کند. این حکم **قطعي و غيرقابل فرجام** است.

### إصدار رأی وحدت رویه از جانب هیأت عمومی دیوان عالی کشور «ماده ۴۷۱ ق.آ.د.ک»

✓ علت اتخاذ رأی وحدت رویه:

۱. از شبکه مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاهها نسبت به موارد **مشابه**، اعم از حقوق، کیفری و امور حسبي، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود.

۲. درخواست اشخاص ذی صلاح (قضات شبکه دیوان عالی کشور یا دادگاهها یا دادستانها یا وکلای دادگستری) با ذکر دلیل.

✓ مرجع درخواست کننده **إصدار رأی وحدت رویه** از هیأت عمومی دیوان عالی کشور، **ریيس دیوان عالی کشور** یا **دادستان کل کشور** می‌باشد.

✓ متقاضی صدور رأی وحدت رویه از ریيس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، ممکن است قضات شبکه دیوان عالی کشور یا دادگاهها یا دادستانها یا وکلای دادگستری باشند.

✓ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست ریيس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شبکه دیوان عالی کشور تشکیل می‌شود.

✓ نصاب لازم برای رسمیت یافتن جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حضور حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شبکه دیوان عالی کشور رأی وحدت رویه می‌باشد.

### ✓ آثار رأى وحدت رویه:

۱. برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.
۲. عدم تأثیر رأى وحدت رویه نسبت به آراء قطعی صادره به غیر از مواردی که رأى وحدت رویه رفتار انتسابی را جرم نشناخته باشد و یا اینکه رأى به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد.
۳. آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأى وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده ۴۷۱ این قانون صادر شود، قابل تغییر است.

**نکته:** آراء صادره درباره جرائم مذکور در ماده ۴۲۸ قانون آین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است. چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی به آن تشخیص دهد که عمل ارتکابی عنوان مجرمانه دیگری دارد و به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید، این امر تغییری در صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به فرجام خواهی از رأى مذکور ایجاد نمی‌کند. طبق تبصره ۲ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتکابی در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید؛ و در هر حال مرجع تجدیدنظر از این رأى دیوان عالی کشور خواهد بود.

### اعادة دادرسی

تقاضای اشخاص ذی صلاح در خصوص رسیدگی مجدد به احکام قطعی صادرشده به لحاظ وجود یکی از جهات مصريح قانونی و به تشخیص دیوان عالی کشور در دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی.

### آراء قابل اعادة دادرسی

- ✓ تقاضای اعادة دادرسی فقط نسبت به احکام **دادگاهها** امکان‌پذیر است، به عبارت دیگر تقاضای اعادة دادرسی نسبت به قرارهای صادرشده از سوی دادسرا یا دادگاه امکان‌پذیر نیست.
- ✓ تقاضای اعادة دادرسی فقط نسبت به احکام صادره دادگاهها در موارد **محکومیت** امکان‌پذیر است، لذا تقاضای اعادة دادرسی نسبت به احکام برائت صادره از سوی دادگاهها امکان‌پذیر نیست.
- ✓ تقاضای اعادة دادرسی فقط نسبت به احکام **محکومیت قطعی شده** امکان‌پذیر است و در صورت عدم قطعیت تقاضای اعادة دادرسی امکان‌پذیر نیست.
- ✓ اجرا یا عدم اجرا احکام **محکومیت قطعی** دادگاهها تأثیری در پذیرش یا عدم پذیرش تقاضای اعادة دادرسی نخواهد داشت.
- ✓ اعادة دادرسی استثنایی بر قاعده‌ی اعتبار امر مختوم جزائی است.

### احکام قطعی

۱. جرائم تعزیری درجه ۷ و جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها کمتر از یک‌دهم دیه کامل باشد.
۲. حکم صادره قابل اعتراض بوده و در مهلت مقرر نسبت به آن اعتراض شده و در مرجع صلاحیت‌دار در خصوص آن حکم صادر شده باشد.
۳. حکم صادره قابل اعتراض بوده و در مهلت مقرر نسبت به آن اعتراض نشده و به واسطه آن حکم صادره قطعی شده است.

جهات اعادة دادرسی «ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک»

- ✓ کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد.
- ✓ چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتكب برای آن قائل شد.
- ✓ شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد.
- ✓ درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.
- ✓ در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.
- ✓ پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادلۀ جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم‌ عليه یا عدم تقصیر وی باشد.
- ✓ عمل ارتکابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.
- ✓ بی‌اعتباری قسمه: اگر پس از صدور حکم، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود مانند آنکه برخی از اداء‌کنندگان سوگند، از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند یا سوگند بدون علم، برای دادگاه صادرکننده حکم ثابت شود، مورد از جهات اعاده دادرسی است. «ماده ۳۴۶ ق.م.ا»

### **اعادة دادرسی از طریق ریس قوه قضاییه «ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک»**

در صورتی که ریس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعادة دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط ریس قوه قضاییه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.

- ✓ تجویز و تشخیص اعادة دادرسی در فرض فوق صرفاً ریس قوه قضاییه است.
- ✓ هرگونه رأی قطعی اعم از حکم یا قرار مشمول تجویز اعادة دادرسی از طریق ریس قوه قضاییه می‌باشد.
- تبصره ۱ ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک: «آراء قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاه‌های تجدیدنظر و بدوي، دادسراهای و شوراهای حل اختلاف می‌باشند.»
- ✓ مقصود از هر درجه قضایی اعم از نوع، درجه و مرحله رسیدگی می‌باشد.
- ✓ فقط آرایی که ریس قوه قضاییه، خلاف شرع بین تشخیص دهد، مشمول تجویز اعادة دادرسی می‌باشد.
- ✓ با تجویز اعادة دادرسی از سوی ریس قوه قضاییه پرونده به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود.
- ✓ تجویز اعادة دادرسی از سوی ریس قوه قضاییه و نقض حکم از سوی شعب خاص دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

### **مهلت اعادة دادرسی**

مهلتی برای اعادة دادرسی وجود ندارد و قانون‌گذار در نظر گرفته است که هر زمان جهتی از جهات اعادة دادرسی به وجود آمد بتوان تفاضلی اعادة دادرسی نمود.

### **اشخاصی که حق اعادة دادرسی دارند «ماده ۴۷۵ ق.آ.د.ک»**

- ✓ محکوم‌ عليه یا وکیل یا نماینده قانونی او
- ✓ در صورت فوت یا غیبت محکوم‌ عليه، همسر و وراث قانونی و وصی او
- ✓ دادستان کل کشور
- ✓ دادستان مجری حکم

## مرجع و تشریفات قانونی اعاده دادرسی «ماده ۴۷۶ ق.آ.د.ک»

درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسليم می شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۴۷۴) این قانون، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد را به دادگاه **هم عرض** دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می دهد و در غیر این صورت **قرار رد اعاده دادرسی** صادر می نماید.

### آثار اعاده دادرسی

- ✓ هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد یا طبق ماده (۴۷۷) اعاده دادرسی پذیرفته شده باشد اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می افتد و چنانچه از متهم تأمین اخذ نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا مناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می کند، تأمین لازم را اخذ می نماید. «ماده ۴۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات سالب حيات یا سایر مجازات های بدنی یا قلع و قمع بنا باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می دهد.  
«تبصرة مادة ۴۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می شود، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نمی شود. مگر این که اعاده دادرسی از مصاديق ماده (۴۷۷) بوده و مغایرت رأی صادره با مسلمات فقهی به جهات دیگری غیر از جهت قبلی باشد و یا رأی جدید مجدداً همانند رأی قبلی مغایر با مسلمات فقهی صادر شده باشد. «ماده ۴۸۲ ق.آ.د.ک»

## نحوه رسیدگی و نحوه صدور رأی در مراجع کیفری

### جهات شروع به رسیدگی

- ✓ کیفرخواست دادستان «ماده ۳۳۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه «ماده ۳۳۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ ادعای شفاهی دادستان در دادگاه «ماده ۳۳۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ طرح مستقیم پرونده های ذیل در دادگاه
  ۱. جرائم اطفال و نوجوانان زیر ۱۵ سال شمسی «تبصرة ۱ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک»
  ۲. جرائم منافی عفت «ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک»
  ۳. جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ «ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک»

### ارجاع پرونده و مقدمات رسیدگی در دادگاه

- ✓ در حوزه هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل می شود، ارجاع پرونده با رئیس حوزه قضایی است. رئیس حوزه قضایی می تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند و در صورت عدم حضور آنان، ارجاع با رئیس شعبه ای است که دارای سابقه قضایی بیشتر است. «ماده ۳۳۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ پس از ارجاع پرونده نمی توان آن را از شعبه مرجع آلیه، أخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد. «ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ رعایت مفاد بند قبل در مورد شعب بازپرسی، دادگاه تجدیدنظر استان و شعب دیوان عالی کشور نیز الزامی است. «تبصرة ۱ ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک»

- ✓ در تمامی جلسات دادگاههای کیفری دو، دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان می‌توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند، مگر اینکه دادگاه حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهد که در این مورد و در تمامی جلسات **دادگاه کیفری یک، حضور دادستان یا نماینده او الزامی** است، لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی‌شود مگر آنکه دادگاه حضور آنان را **الزامی** بداند. «ماده ۳۰۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداقل ظرف یکماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادسرای مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد. «ماده ۳۴۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادسرا کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقض تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد. «ماده ۲۷۴ ق.آ.د.ک»
- ✓ هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده شود، دادسرای مربوط با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند و اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیابد، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می‌کند. «ماده ۲۷۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تقهیم کند و با اخذ آخرين دفاع و تأمین مناسب از او، پرونده را به دادگاه ارسال نماید. «ماده ۲۷۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ در غیر جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته با گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعواهای کیفری را بالاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می‌دهد و به متهم تقهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود. تقهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آنها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین مناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداقل ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری به دعواهای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. «ماده ۸۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند، مگر در جرایمی که مطابق قانون لزوماً به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می‌شود. در این صورت، انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات بر عهده دادگاه کیفری یک است. «ماده ۳۸۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ موجبات شروع به رسیدگی در دادگاه کیفری یک و انقلاب در موارد تعدد قاضی صدور کیفرخواست از سوی دادستان و طرح مستقیم پرونده در دادگاههای فوق می‌باشد.

## نحوه رسیدگی در دادگاه

نحوه و ترتیب رسیدگی در تمام دادگاه‌های کیفری غالباً شروع یکسانی دارد. مهم‌ترین موارد ترتیب رسیدگی در دادگاه‌های کیفری به شرح ذیل است:

۱. تشکیل جلسه از سوی دادگاه رسیدگی کننده: ماده ۴۰۳ ق.آ.د.ک در این خصوص بیان داشته است که: «دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.»
۲. اعلام رسمیت جلسه از سوی دادگاه مذکور «ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک.»
۳. «دادگاه ... ابتدا در مورد شخص متهم به شرح مواد (۱۹۳) و (۱۹۴) این قانون اقدام ... می‌کند» «ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک.» با عنایت به مواد قانونی مذکور، دادگاه پس از ملاحظه اوراق هویتی متهم، مشخصات و آدرس او را به طور دقیق سؤال می‌کند و تعیین محل اقامت به منظور ابلاغ اوراق قضایی را به وی تهییم می‌نماید.
۴. «دادگاه ... به دیگر اشخاصی که در دادرسی شرکت دارند، اخطار می‌نماید در موقع محاکمه برخلاف حقیقت، وجودان، قوانین، ادب و نژاکت سخن نگویند» «ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک.»
۵. قرائت کیفرخواست: قرائت کیفرخواست توسط منشی دادگاه یا استماع عقیده دادستان یا نماینده وی در مواردی که طبق قانون، پرونده با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح شده است. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک.»
۶. استماع اظهارات و دلایل دادستان یا نماینده وی که برای اثبات اتهام انتسابی ارائه می‌شود. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک.»
۷. استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی که شخصاً یا از سوی وکلای آنان بیان می‌شود. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک.»
۸. پرسش از متهم راجع به قبول یا رد اتهام انتسابی و استماع دفاعیات متهم و وکیل او که عیناً توسط منشی در صورت مجلس قید می‌شود. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک.»
۹. در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از متهم می‌کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره‌ای که دادستان یا شاکی، مدعی خصوصی، متهم یا وکیل آنان معرفی می‌کنند، استماع می‌نماید. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک.»
۱۰. بررسی وسائل ارتکاب جرم و رسیدگی به سایر ادله ابرازی از سوی طرفین و انجام هر نوع تحقیق و اقدامی که دادگاه برای کشف واقع، ضروری تشخیص می‌دهد. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک.»
۱۱. اخذ آخرین دفاع: قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می‌شود و دادستان یا نماینده وی نیز می‌تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است. «ماده ۳۷۱ ق.آ.د.ک.»
۱۲. قاضی دادگاه نباید پیش از انتمام رسیدگی و اعلام رأی، در خصوص برائت یا مجرمیت متهم اظهار عقیده کند. «ماده ۳۷۲ ق.آ.د.ک.»
۱۳. دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی، نمی‌تواند لواح، استناد و مدارک جدید را دریافت کند. «ماده ۳۷۳ ق.آ.د.ک.»

### صدور و ابلاغ رأی

- ✓ دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجودان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود به انشای رأی مبادرت می‌کند. «ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک.»
- ✓ دادگاه در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرست و حداقل طرف یک هفتنه به انشای رأی مبادرت می‌کند. «ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک.»

- ✓ در دادگاه کیفری یک و نیز در تمام مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضاط متعدد پیش‌بینی شده باشد، رأی اکثریت تمام اعضاء ملاک است. نظر اقلیت باید به طور مستدل در پرونده درج شود. اگر نظر اکثریت به شرح فوق حاصل نشود، یک عضو مستشار دیگر توسط مقام ارجاع اضافه می‌شود. «ماده ۳۹۵ ق.آ.د.ک.»
- ✓ رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. «ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک.»
- ✓ دادگاه باید در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت واخواهی و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل واخواهی باشد و دادگاه آن را غیرقابل واخواهی اعلام کند این امر مانع واخواهی نیست. «ماده ۳۷۵ ق.آ.د.ک.»
- ✓ دادگاه باید در رأی، قابلیت تجدیدنظر و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل تجدیدنظر باشد و دادگاه آن را غیرقابل تجدیدنظر اعلام کند این امر مانع تجدیدنظرخواهی نیست. «ماده ۳۷۵ ق.آ.د.ک.»
- ✓ دادگاه باید در رأی، قابلیت فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل فرجام اعلام کند این امر مانع فرجمخواهی نیست. «ماده ۳۷۵ ق.آ.د.ک.»
- ✓ رأی دادگاه باید حداقل طرف سه روز از تاریخ انشاء، پاک‌نویس یا تایپ شود. «ماده ۳۷۸ ق.آ.د.ک.»
- ✓ این رأی که «دادنامه» خوانده می‌شود با نام خداوند متعال شروع و موارد زیر در آن درج می‌شود و به امضای دادرس یا دادرسان می‌رسد و به مهر شعبه ممهور می‌شود:
- الف- شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی
  - ب- مشخصات دادگاه و قاضی یا قضاط صادرکننده رأی و سمت ایشان
  - پ- مشخصات طرفین دعوی و وکلای آنان
  - ت- گردش کار و متن کامل رأی «ماده ۳۷۸ ق.آ.د.ک.»
- ✓ دادنامه به طرفین یا وکیل آنان و دادستان ابلاغ می‌شود و در صورتی که رأی دادگاه حضوری به طرفین ابلاغ شود، دادن نسخه‌ای از رأی یا تصویر مصدق آن به طرفین الزامي است. در این صورت، ابلاغ مجدد ضرورت ندارد. «ماده ۳۸۰ ق.آ.د.ک.»
- ✓ مدیر دفتر دادگاه مکلف است حداقل طرف سه روز پس از امضای دادنامه، آن را برای ابلاغ ارسال نماید. «تبصرة ۱ ماده ۳۸۰ ق.آ.د.ک.»
- ✓ در جرائم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی از آن حرام است و همچنین در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذی‌نفع می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید. «تبصرة ۲ ماده ۳۸۰ ق.آ.د.ک.»
- ### حق داشتن وکیل
- ✓ در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. «اصل ۳۵ قانون اساسی»
- ✓ در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافعان خود را معرفی کنند. «ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک.»
- ✓ در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است. «ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک.»
- ✓ در غیر جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می‌توانند حداقل دو وکیل به دادگاه معرفی کنند. «تبصرة ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک.»
- ✓ در دادگاه کیفری یک هر یک از طرفین می‌تواند حداقل سه وکیل به دادگاه معرفی کند. «ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ک.»

### انواع وکیل در امور کیفری

**وکیل تعیینی:** وکیل یا وکلایی که طرفین با اختیار و اراده آزاد آن‌ها را انتخاب و به دادگاه معرفی می‌کنند.

**وکیل تسخیری:** در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود. «ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک»

در صورت وجود شرط تعیین وکیل تسخیری از سوی دادگاه کیفری ضروری است:

۱. متهم وکیل نداشته باشد، اعم از اینکه وکیل معرفی نکرده باشد یا وکیل تعیینی او در جلسه حاضر نشده باشد.
۲. جلسه دادگاه در خصوص رسیدگی به یکی از جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) قانون آینین دادرسی کیفری باشد.

✓ هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می‌شود. «تبصرة ۲ ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک»

✓ تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یکبار قابل پذیرش است. «تبصرة ۳ ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک»  
✓ وجود یکی از جهات رد دادرس بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است. «ماده ۳۴۹ ق.آ.د.ک»

**وکیل تسخیری در دادگاه کیفری یک:** پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک، در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، هرگاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه طرف پنج روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداقل تا ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد ریس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود. «ماده ۳۸۴ ق.آ.د.ک»

**وکیل تسخیری در دادگاه اطفال و نوجوانان:** در جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادرسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سپریست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سپریست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از ولی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند. «ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک»

**وکیل معاحدتی:** در مواقعی که اتهام از مطرح در دادگاه به جهت رسیدگی، از جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) قانون آینین دادرسی کیفری نیست و همچنین متهم توانایی مالی جهت معرفی وکیل می‌تواند از دادگاه تقاضای وکیل نماید. ماده ۳۴۷ ق.آ.د.ک راجع به این موضوع چنین بیان شده است: «متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن مقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه قضایی، برای متهم، وکیل تعیین می‌نماید. در صورتی که وکیل درخواست حق الوکاله کند، دادگاه حق الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده، تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق الوکاله نباید از تعریفه قانونی تجاوز کند. حق الوکاله از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.»

**علنی بودن محاکمات**

ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک: محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند:

الف - امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسته است.

ب - علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

تبصره - منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.

✓ محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آنها ممنوع و استفاده از آنها نیز منوط به اجازه دادگاه است «ماده ۴۰۰ ق.آ.د.ک»

### ادله اثبات در امور کیفری

ادله اثبات در امور کیفری به تبیین ابزار و وسائل قانونی می پردازد که مقام قضایی یا طرفین شکایت به منظور اثبات صحت ادعای خود نسبت به اتهام واردہ یا اثبات صحت انکار خود نسبت به اتهام واردہ به آن استناد می کنند.

#### اصل برائت

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. «اصل ۳۷ قانون اساسی»

اصل، برائت است. «صدر ماده ۴ ق.آ.د.ک»

#### آثار اصل برائت

✓ در بعد تقینی، اصل برائت مقتضی آن است که هیچ عملی جرم محسوب نشود، مگر اینکه **قانون گذار آن را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده باشد.**

✓ در بعد قضایی، اصل برائت مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوای عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی، مجرم شناخته نشود.

✓ ممنوعیت شکجه یا رفتارهای انسانی و یا تحقیرآمیز

✓ بار اثبات جرم بر عهده مقام تعقیب است و متهم طبق اصل برائت وظیفه‌ای ندارد. مگر در صورت وجود یک عامل توجیه‌کننده مانند دفاع مشروع یا هر عامل دیگری که سبب سلب مسئولیت کیفری یا مجازات از متهم شود، نوبت به متهم می‌رسد که وجود چنین عاملی را اثبات کند.

✓ ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی‌گناهی خود یا شهادت و اقرار عليه خود.

✓ هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود. «ماده ۱۲۰ ق.م.ا»

### انواع دلیل در امور کیفری

به استناد ماده ۱۶۰ ق.م.ا: ادله اثبات جرم عبارت از

۱. اقرار
۲. شهادت
۳. قسامه